

مبانی توپونیمی
و
نگاهی به توپونیم های ایران

تالیف
فیروز رفاهی علمداری

تهران
۱۳۹۳

سرشناسه : فیروز رفاهی ، ۱۳۳۲

عنوان و نام پدید آورنده: مبانی توپونیمی/تالیف فیروز رفاهی علمداری

مشخصات نشر: تهران فیروز رفاهی ۱۳۹۳

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۲۲۶۴-۴

مشخصات ظاهری: ۳۱۰ صفحه

وضعیت فهرتنویسی: فنیای مختصر

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ م۶/ر۶/DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۶۷۰۰۹

نام کتاب : مبانی توپونیمی (نگاهی به توپونیم های ایران)

ناشر: فیروز رفاهی ۱۳۹۳

مؤلف : فیروز رفاهی علمداری

ویراستاری: فیروزان

حروفچینی و صفحه آرایی: نشر فیروزان

شمارگان: ۱۰۰۰

نوبت چاپ : چاپ اول ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۲۲۶۴-۴

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

پخش : انتشارات فیروزان ۲۰۷۴۵۶۷۵

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است. (استفاده از مطالب با ذکر مأخذ آزاد است).

فهرست مندرجات

مقدمه.....	۱۳
۱- توپونیمی چیست؟.....	۱۹
۲- تاریخچه تحقیق درباره توپونیم های ایران.....	۲۵
۳- توپونیمی و جغرافیا.....	۴۱
۴- توپونیمی و تاریخ.....	۵۱
۵- توپونیمی و زبانشناسی.....	۵۹
۶- توپونیمی و کار توگرافی.....	۶۵
۷- منابع توپونیمی.....	۷۳
۱- منابع نوشتاری.....	۷۳
۲- منابع شفاهی.....	۷۵
۳- منابع معاصر.....	۷۵
۴- منابع همجوار.....	۸۳
۸- روش بررسی و اصول توپونیمی.....	۹۱
۹- شاخه های اصلی توپونیمی.....	۹۷
۱- اویکونیم ها	
۲- اورونیم ها	
۳- هیدرونیم ها	
۱۰- شاخه های توپونیمی از نظر موضوعی.....	۱۰۹
۱- توپونیمی عمومی.....	۱۱۰
۲- توپونیمی اختصاصی.....	۱۱۰
۳- توپونیمی نظری.....	۱۱۴
۳- توپونیمی تطبیقی.....	۱۱۵
۱۱- تقسیم بندی لغوی توپونیمی.....	۱۱۷

- ۱-اسامی جغرافیایی بدون نمنگلاتور..... ۱۱۹
- ۲- اسامی جغرافیایی با نمنگلاتور..... ۱۲۰
- ۱۲ - تقسیم بندی توپونیمی بر اساس نامگذاری..... ۱۲۱
- ۱- تقسیم بندی ساختاری یا مورفولوژی..... ۱۲۱
- ۲- تقسیم بندی معنایی یا سمانتیک..... ۱۲۲
- ۱۳ - دسته بندی دستوری..... ۱۲۵
- ۱- اسامی جغرافیایی یک جزئی..... ۱۲۵
- ۲-اسامی جغرافیایی دو یا چند جزئی..... ۱۳۱
- ۱۴- دسته بندی معنایی..... ۱۳۹
- ۱- اسامی جغرافیایی شفاف..... ۱۴۴
- ۲-اسامی جغرافیایی غیر شفاف..... ۱۴۷
- ۳-اسامی جغرافیایی نیمه شفاف..... ۱۴۸
- ۱۵- عناصر تشکیل دهنده اسامی جغرافیایی..... ۱۶۵
- ۱-انتوتوپونیم ها..... ۱۶۵
- ۲- زووتوپونیم ها..... ۱۶۶
- ۳-فیتوتوپونیم ها..... ۱۶۹
- ۴-آنتروتوپونیم ها..... ۱۷۰
- ۵-هیدروتوپونیم ها..... ۱۷۱
- ۶- کاسموتوپونیم ها..... ۱۷۳
- ۷- میتوتوپونیم ها..... ۱۷۴
- ۸- توپونیم های یادمان..... ۱۷۵
- ۹- تثوتوپونیم ها..... ۱۷۶
- ۱۰- توپونیم های عاریه..... ۱۷۸
- ۱۱-پاتروتوپونیم ها..... ۱۷۸
- ۱۲-اویکوتوپونیم ها..... ۱۷۹
- ۱۳-هوموتوپونیم ها..... ۱۷۹
- ۱۶- زبان توپونیمی و توپونیم های ایران..... ۱۸۱
- ۱-اکزونیم ها..... ۱۸۲
- ۲- آندونیم ها..... ۱۸۳

نگاهی به توپونیم های ایران

الف-اسامی تک زبانه	۱۸۹
ب-اسامی دو زبانه	۱۹۰
ج: اسامی سه زبانه	۱۹۰
۱۷- سخن پایان	۱۹۱
۱۸- واژه نامه توصیفی توپونیمی	۱۹۳
۱۹- فهرست منابع و مآخذ	۲۷۵
۱-منابع فارسی	
۲-منابع سایر زبانها	
۲۰- Introduction (مقدمه به زبان انگلیسی)	۲۸۸

پیش سخن

این کتاب پیش ازین با همین مضمون توسط «کمیتة نام نگاری و یکسان سازی اسامی جغرافیایی» در نزد سازمان نقشه برداری کشور منتشر شده بود. با توجه به گذشت چندین سال از آن نشر، لزوم بازنگری و طرح موضوعات جدید در حوضه کاربرد اسامی جغرافیایی و تکمیل تر شدن واژگان مربوط به این رشته و علاقه مندی برای نوشتن پایان نامه های علمی و س. مولف را برآن داشت تا نسبت به رفع نواقص و طرح مسائل جدید اقدام کند.

امیدوارم زمینه تلاش برای تالیف و ترجمه آثار جدی در این حوضه فراهم آید.

به جرأت میتوان ادعا کرد که این کار هنوز هم پیشتاز طرح مسائل اساسی در حیطه توپونیمی به زبان فارسی و در ایران بشمار میرود.

فیروز رفاهی علمداری

۱۳۹۳ تهران

توضیحات:

منظور اصلی از تدوین این کتاب آشنایی با مبانی توپونیم های ایران است و در بخش های گوناگون آن به مسائل نظری توپونیمی مورد بررسی قرار گرفته است. در اینجا اشاره به چند نکته ضروری است اعداد داخل پرانتز در برابر اسامی بسامد اسم را می رساند. نوع عارضه در برخی مثال ها در داخل پرانتز قبل از اسم ذکر شده است. برای تلفظ دقیقتر اسامی از الفبای لاتین بشرح جدول زیر استفاده شده است.

علامت مورد استفاده برای آوانویسی

ت، ط: T	ی: Ī	ع: Â
او: U	ج: J	فتحه ا: A
و: V	ک: K	آ: Ä
خ: X	ل: L	ب: B
ی: Y	م: M	ج: J
ز، ذ، ض، ظ: Z	ن: N	چ: Č
مصوت و: Ö	ضمه ا: O	د: D
مصوت (و): Ü	پ: P	سره (!): E
ی کوتاه: I	غ، ق: Q	ف: F
ژ: Ž	ر: R	گ: G
ش: Š	س، ص، ث: S	ه، ح: H

اختصارات: (ک.) کوه

(د.) دره

مقدمه

در دنیای شگفت انگیز معاصر، در عصری که از هر سو نوید توسعه و ترقی علمی و فنی همه را مشتاق یادگیری نموده است و دیگر نه خیال انسان ها ، بلکه مصنوعات ساخت بشر به اعماق این بیکران لایتناهی نفوذ می نمایند ، هنوز در اطراف ما، در این کره خاکی اسرار بسیاری در دل زمین و روی زمین نهفته است که باید بکوشیم رمز آنها را دریابیم. دانشمندان معتقدند که میلیونها سال از عمر زمین و از زمانی که این موجود دوبا ، یعنی بشر، در روی زمین راه رفتن را آغاز نموده گذشته است. در این طغیان سالیان ، تنها چندین سده از عصر تمدن بشر بر ما آشکار گشته است. تمدنی که هنوز در هاله ای از ابهامات پوشیده است. ما پیوسته از خود پرسیده ایم که پدران ما در آن میلیونها سال گذشته چگونه زیسته اند؟ چگونه در پی ساخت محیط و فرهنگ خود بوده اند؟ از کجا آغاز نموده اند؟ و بسیاری سوالات دیگر که در پی یافتن پاسخهای آنها هستیم و لحظه ای ما را آرام نمی گذارند. هر چه علم پیشرفت می کند و دامنه آن وسیعتر می گردد ، مسیرهای جدیدی پیش روی محققان گشوده میشود و شاخه های جدیدی در علم پدید می آید.

"توپونیمی" یا به زبان علمی خودمان "اسامی جغرافیایی" از همین مقوله هاست. زمانی که بشر برای فراخواندن سایرین و به قصد جداکردن اشیا از یکدیگر، به نامگذاری روی آورد، در واقع اساس "توپونیمی" را پی نهاد. از آن زمان چقدر گذشته است؟ این رازی است که سالیان سال مجهول خواهد ماند. آنچه در این امر برای ما اهمیت دارد، انقلابی است که این روند در زندگی بشر ایجاد کرد. بسیاری معتقدند که بشر با نامیدن اشیا زبان را ابداع نمود. به هر حال از آن زمان، اطراف بشر پر شد از اسامی. به هرسو که بنگرید، و هر تصویری که در ذهن شکل گیرد، همراه با نام است. هیچ پدیده‌ای را در اطراف خود نمی‌بینید که نام و به تعبیری هویت نداشته باشد. حتی امروزه، وقتی کسی چیزی را اختراع می‌نماید یا برای اولین بار پدیده‌ای را کشف می‌کند بلافاصله نامی برای آن برمی‌گزیند تا زبینه حیات گردد. می‌گویند زمانی از دانشمندی اهمیت توپونیمی را پرسیدند و او به جای پاسخ جدي و خشك گفت:

"بیا بید یک لحظه تصور کنیم که نام‌ها از موارد اطلاق آن‌ها حذف گردد. یعنی خیابان، شهر، مغازه، خود ما و خلاصه همه چیز بی‌نام شود. میدانید چه می‌شود؟ دیگر مردم راه خانه خود و دیگران را نمی‌یابند. همه خطوط مواصلاتی از کار می‌افتند. بارهای ارسالی، درعوض مارسی سر از هلند در می‌آوردند. ماشینهای آتش‌نشانی و آمبولانسها سردرگم می‌شوند، و در نهایت، بشر به دوران

زندگی ابتدایی خود باز می‌گردد.^۱ البته وی همه اینها را به طنز بیان نموده، زیرا نام جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی ما شده است. اسامی از زبانی به زبانی و از نسلی به نسلی راه‌های ناهموار بسیاری را پیموده تا به ما رسیده‌اند. برخی از آنان چنان تغییر یافته‌اند که به گمان ما هیچگاه بشر قادر به پیدا کردن صورت واقعی آنان نخواهد بود. شاید هیچگاه معنی نام چشمه‌ای که از آن آب‌گوارا می‌نوشتیم، یا زمینی را که می‌کاریم و در آن بذر می‌افشانیم و کوهی را که از عظمتش غرق غرور می‌شویم ندانیم که چه بوده است. پدران ما خیل عظیمی نام برای ما به یادگار گذاشته‌اند و ما آنرا در علمی که توپونیمی^۲ یا اسامی جغرافیایی^۳ می‌خوانند بررسی می‌نماییم.

"توپونیمی" شاخه علمی نوینی است که عمر آن به یک قرن نمی‌رسد. این علم در پی تقویت و تحقیقات زبانشناسی شکل گرفت تا به قالب امروزی درآید. توپونیمی نیز مانند سایر علوم نظری، مبانی و روشهای خاص خود را دارد. امروزه توپونیمی را در جوار زبانشناسی همگانی می‌آموزند و آموزش می‌دهند. با توجه به اینکه خود مبحث زبانشناسی همگانی در کشور ما بسیار نوپاست، می‌توان به حجم تحقیقات و تاریخچه این شاخه علمی در کشورمان پی برد. هنوز تعداد تحقیقات توپونیمی در کشور ما از انگشتان یک

^۱. Nikonov, A., *Vvedeniye v toponimiku*, Moskova, Nauka, ۱۹۶۸, p.۸

^۲. Toponymy

^۳. Geographical Names

دست تجاوز نمی نماید . پس پیداست که هر تلاشی در این باب اهمیت و ارزش خاصی پیدا می کند. ما داعیه تمدنی کهن داریم و برای اثبات آن دل خاکهای خود را می شکافیم تا به اسرار گذشته پی ببریم . اینک وقت آن است تا دل اسامی خود را نیز بشکافیم و رموز آنرا دریابیم. شاید، این کار ، آغاز برداشتن گامی نوین در بررسی های فرهنگی این کشور باشد .

کتابی که پیش رو دارید، همان طور که از عنوان آن پیداست ، تلاشی است بسیار ناچیز برای معرفی مبانی نظری توپونیمی عمومی و در کنار آن اقدامی بسیار کوچک برای شناسایی اقیانوس اسامی جغرافیایی این سرزمین. بدیهی است بررسی و تحقیق در مورد اسامی جغرافیایی کشور ایران با کوشش یک نفر و دو نفر به نتایج درخشان و قانع کننده نمی رسد. باید برای این کار سازمانها و موسسات خاص ایجاد نمود و متخصصانی تربیت کرد و به این امر سترگ همت گماشت تا شاید بتوان دوشادوش سایر محققان دنیا در این وادی پهناور ره سپرد.

در کتاب حاضر تلاش شده که برای هریک از مسائل نظری مصداق عینی ذکر شود تا خواننده به درک مطلب بهتر راهنمایی گردد . کلیه مثالهای ذکر شده در این کتاب از منابع رسمی کشور اخذ گردیده است. به همین علت در برخی موارد با حرف نویسی های متفاوت برای یک نام مواجه می شویم. در برخی موارد که بسامد مثالها ، فراوانی آن نام جغرافیایی را می رساند ، تعداد آن اسامی در داخل پرانتز

ذکر شده است. اسامی که تلفظ آن با حرف نویسی آن انطباق ندارد و در اکثر موارد به زبان ترکی است به دلیل آشنایی نگارنده با این زبان با استفاده از حروف لاتینی و علائم استاندارد آوانویسی^۴ در داخل پرانتز نوشته شده است. جدول علائم مورد استفاده در پایان این قسمت تقدیم شده است. به جهت اجتناب از سردرگمی، برای مصداقهای مربوط به مناطق غیر مسکونی نوع عارضه جغرافیایی در پرانتز ذکر شده است. برای مثال (کوه) دماوند منظور کوه دماوند است و اگر کلمه "دماوند" به عنوان مثال آمده باشد، منظور شهر دماوند است. به هر صورت نوع عارضه، قبل از اسم آن در پرانتز ذکر شده است، حتی اگر از خود اسم این امر مستفاد گردد. مثل (رود) سفیدرود، (کوه) شیرکوه، (تپه) قره تپه، (دره) پلنگ دره.

^۴. transcription

توپونیمی چیست؟

توپونیمی از شاخه های جدید علم به شمار می رود . بشر از ابتدای آفرینش برای تبیین محیط زندگی خود به نامگذاری آن محیط توسل جسته است. نامگذاری نه تنها محیط زندگی ، بلکه اشیا را نیز دربر گرفته است. به همین سبب نامگذاری و جداکردن پدیده های طبیعت از یکدیگر در واقع مبنای پیدایش زبان ها بوده است .

محقق معاصر، حسین توکلی مقدم، از انگشت شمار عالمان این دیار ، که به علم توپونیمی پرداخته و در این زمینه تحقیقات ارزشمندی نموده است ، می نویسد :

" نامگذاری استان ها ، شهرها ، کشورها و بسیاری از پدیده های اطراف ، از انگیزه های اولیه ای است که بشر پس از رسیدن به شناخت عقلانی و پدید آمدن تدریجی کلمات و در

نهایت زبان ، جهت بیان خواست های مادی و معنوی و ابراز احساسات درونی چوَنش بدان دست پیدا کرده است.^۱

به همین دلیل ، بررسی اسامی و نظام نامگذاری، از علوم پایه به شمار می رود. در فلسفه ، ارتباط میان نام ها و نفس و ماهیت آن ها از بحث های شیرین است. در علم زبانشناسی نیز آنوماستیک^۲ (یا علم تبیین نظام نامگذاری) موضوع دی جد و بسیار جالب و غنی است. آنوماستیک در واقع مبحث عام بررسی اسامی است و به این موضوع می پردازد که اسامی انسان ها ، نام های حیوانات ، اسامی گیاهان و اسامی اشیا چگونه به وجود آمده اند ؟ چه ضرورتی برای نامگذاری وجود داشته است؟ قانونمندی های نامگذاری چگونه است ؟ و

....

از مباحث مهم و جدی آنوماستیک ، "توپونیمی" یا "اسامی جغرافیایی" است. اسامی شهرها ، روستاها ، مناطق مسکونی، کوه ها ، دره ها ، دشت ها ، بیابان ها ، جنگل ها ، مزارع ، بیشه ها، دریاها ، دریاچه ها، برکه ها ، چشمه ها ، رودخانه ها و خلاصه اسامی هرآنچه که در ارتباط با عوارض زمین ، خواه ساخته دست بشر باشند ، خواه به طور طبیعی به وجود آمده باشند، در توپونیمی مورد بررسی قرار می گیرد. به همین سبب، خود جایگاه توپونیمی نیز در این میان مورد مباحثه است.

^۱ حسین توکلی مقدم، وجه تسمیه شهرهای ایران، جلد اول، نشر میعاد، تهران، ۱۳۷۵ ، ص. ۴

^۲ . onomastic

امروزه عموم محققان بر این عقیده اند که توپونیمی از مباحث زبانشناسی به شمار می رود. شاید نظر سید احمد کسروی که برای اولین بار در ایران به صورت علمی به این موضوع پرداخت جالب باشد. وی می نویسد: "... هرگاه بیاید روزی که این فن پیشرفت بسزا نموده و معنی های آبادی ها و زمین ها و آب ها تا اندازه ای که ممکن است آشکار شود، آن وقت دانسته خواهد شد که این فن چه فایده ها و نتیجه ها را در بر داشته است. این فن را ما شاخه ای از علم زبان (فیلولوژی Philology) می شماریم و فایده نخستین از آن این علم خواهد بود، زیرا که چندین هزار کلمه بازمانده از باستانیتزین زمان ها با معنی های روشن و باز در دست خواهد بود که یکی از بهترین وسیله ها برای روشنی زبان های باستان ایران است. لیکن این فن فایده های تاریخی و جغرافیایی و نژادی مهم را نیز دربر خواهد داشت، زیرا ما از این راه علت و جهت نام های آبادی ها و زمین ها و رودها را دانسته طرفی از تاریخچه آنها را از این راه به دست می آوریم."^۱

و باز همو تاکید می کند: " من این موضوع را شاخه ای از فن زبان شناسی ایران دانسته به کاوش و جستجو پرداختم."^۲ نباید از نظر دور داشت که ارتباط میان شاخه های مختلف علمی نه تنها امری اجتناب ناپذیر است، بلکه باعث کشف قانونمندی های جامع علوم می گردد. " توپونیمی" علمی

^۱ یحیی ذکاء، کاروند کسروی، تهران، ۱۳۴۵، انتشارات فرانکلین، ص. ۳۸۱.

^۲ همانجا. ص. ۳۸۱.

است که در فرایند تبیین مبانی نظری آن نباید علوم دیگر هم چون جغرافیا، تاریخ، جامعه شناسی، مردم شناسی قوم شناسی، باستان شناسی و سایر علوم مرتبط را به کناری نهاد. چه زیباست این نظر زبان شناس نامدار "مورزایف" که می گوید توپونیمی بدون جغرافیا بی مکان، بدون زبان شناسی لال و بدون تاریخ بی هویت می گردد.

در واقع هر نام جغرافیایی سه نوع ویژگی دارد: یکم مکان و موقعیت؛ دوم پیشینه تاریخی و گذشته، و سوم ساختار و مفهوم. به همین سبب توپونیمی علمی است که در مرکز سه راهی جغرافیا، تاریخ و زبان شناسی قرار گرفته است.

اصطلاح رایج برای "توپونیمی" در ادبیات علمی ایران "وجه تسمیه" بوده است. به نظر توکلی مقدم: "در ممالکی همچون کشورهای اروپایی، وجه تسمیه تنها بر اعلام جغرافیایی، اطلاق شده و در مورد مصدر یک شئی، واژه "ریشه یابی" و به تعبیر خودشان Ethymology را به کار می برند که این صحیح است^۱.

اسامی جغرافیایی که شامل نام های کشورها، استان ها، شهرها، روستاها، کوه ها، دره ها، اقیانوس ها، دریاها، دریاچه ها، مزارع، بیابان ها، جنگل ها و غیره می شود، جزئی از تاریخ، جغرافیا، اساطیر، فولکلور و فرهنگ یک ملت هستند که به سهم خود جایگاهی بس ویژه و مهم داشته و همچون جواهری تابناک و قیمتی است که حفظ و حراست از

۱. حسین توکلی مقدم، وجه تسمیه شهرهای ایران، جلد اول، نشر میعاد، تهران، ۱۳۷۵، ص. ۵.

آن خدمتی بس مهم به فرهنگ آن سرزمین است. آری ، اهمیت حفظ اسامی جغرافیایی که در حکم شناسنامه یک کشور و ملت هستند، چون نگهداری اشیاء موزه ها و بناهای تاریخی است ، چرا که این سه ، سند هویت یک ملت است و یک جامعه با داشتن این ذخایر مادی و معنوی می تواند در پهنه جهان ، اظهار وجود و افتخار کند. به همین دلایل است که هر گونه تغییری در اسامی جغرافیایی ، در حکم آسیب رسان یا ویران کردن یک اثر تاریخی و باستانی است ، و از این رو است که مردم و مسئولان ، یعنی صاحبان اصلی این ذخایر با ارزش، باید به حراست گنجینه اسامی جغرافیایی بپردازند.^۱

^۱ . همانجا . ص. ۳۸۱

تاریخچه تحقیق درباره توپونیم های ایران

"توپونیمی" هیچگاه در ایران موضوع تحقیق جداگانه نبوده است. تحقیقات درباره "توپونیمی" یا "اسامی جغرافیایی" در ایران بسیار جوان است و به جرات می توان گفت که در این مورد هیچ کاری انجام نگرفته است.

تنها کسی که در این مورد کوشش به کار برده ، سید احمد کسروی است. وی طی دو دفتر جداگانه در مورد اسامی شهرها و روستاهای ایران چالش قابل تقدیری نموده است. کلیه کتبی را که در سال های اخیر به این مقوله پرداخته اند می توان نامنامه یا فرهنگ اسامی جغرافیایی نامید. اسامی جغرافیایی همیشه مورد توجه دانشمندان و محققان قدیم و جدید بوده است.

از کارهای قابل توجه در مورد اسامی جغرافیایی در سالهای اخیر، می توان به دو اثر ارزشمند به نام "وجه تسمیه شهرها و روستاهای ایران" و "نام مکانهای جغرافیایی در بستر زمان" که خانم مهرالزمان نوبان نوشته است ، اشاره نمود . خود وی در مقدمه کتاب ، می گوید: " این پژوهش بر پایه

گردآوری آثار و منابع گوناگون مدون است و به هیچ وجه از قواعد و قوانین مربوط به فن اشتقاق لغت و به ویژه زبان شناسی استفاده نشده است.^۱

هم زمان با کارهای فوق ، جلد اول یک مجموعه بزرگ ، که هدف آن بررسی معانی نام های شهرهای ایران از دوران کهن تا عصر حاضر است ، تحت عنوان " وجه تسمیه شهرهای ایران" با تلاش حسین توکلی مقدم به علاقمندان ارائه شده است. آقای مهدی محقق در مقدمه کتاب مینویسد: " مردم عوام همیشه وجه تسمیه ساده و غیر علمی برای برخی شهرها و روستاها یادکرده اند ... دانشمند ارجمند آقای غلامحسین توکلی مقدم دامن همت به کمر زده و یک تنه به تحقیق و تتبع در این موضوع که سابقه آن بسیار کم بوده پرداخته و در این میدان روش و اسلوب علمی را به کار برده است."^۲

نویسنده خود در تبیین موضوع می نویسد: "از یک دیدگاه کلی ، وجه تسمیه به دو گونه علمی و غیر علمی تقسیم می شود: وجه تسمیه علمی نقد و بررسی یک کلمه از جنبه های گوناگون فوق الذکر و اثبات معنای آن با ذکر ادله و شواهد قوی و خلل ناپذیر است و وجه تسمیه غیر علمی چنین نیست و بیشتر جنبه افسانه سرایی و داستان پردازی عامیانه و در

^۱ مهرالزمان نوبان، نام مکانهای جغرافیایی در بستر زمان، انتشارات ما، تهران، ۱۳۷۴، ص. ۵

^۲ حسین توکلی ، وجه تسمیه شهرهای ایران ، جلد اول، انتشارات میعاد، تهران، ۱۳۷۵، ص. ۱

بسیاری از مواقع صورت واژه را حمل بر معنای ظاهری کردن است.^۱

جلد اول این تحقیق تا حرف "ت" را شامل می شود. یکی دیگر از تحقیقات قابل ذکر در این مورد "فرهنگنامه تطبیقی نامهای قدیم و جدید مکانهای جغرافیایی ایران" است. علیرضا چکنگی در مورد نیاز به چنین اثری می نویسد: "... و متوجه شدم که این نیاز در بسیاری افراد دیگر نیز احساس شده و حتی کسانی چون محمد حسن خان اعتماد السلطنه، احمد کسروی، صادق هدایت، لارنس لاکهارت و ... در این مسیر گامهایی نیز برداشته، و نتیجه تحقیقات و مطالعات آنها به شکل کتاب، مقاله، جزوه و ... منتشر شده و در دسترس می باشد. اما با مراجعه به آن آثار دریافتم بسیاری از مدخلها و نامهایی که توسط آنها گردآوری و با نام یا محل جدید زمان خود منطبق شده اند، خود اکنون جزو نامهای قدیم اند. بنابراین علیرغم جدید نبودن ایده، اقدام مجدد در چهارچوب و قالبی جدید چندان هم خالی از فایده نمی نمود."^۲

با وجود این که کار آقای چکنگی صرفاً گردآوری جداول تطبیقی نام های قدیمی و جدید اماکن است، باید اذعان نمود که جای این گونه کارهای ارزشمند هنوز هم بسیار خالی و شایان تقدیر بسیار است. این اثر به نوبه خود مرجع

^۱ همانجا، ص. ۴

^۲ علیرضا چکنگی، فرهنگنامه تطبیقی نامهای قدیم و جدید مکانهای جغرافیایی ایران و نواحی مجاور، انتشارات آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۸، ص. ۷

ارزشمندی برای بررسی زبان شناسی توپونیمی و به ویژه پالتوپونیمی^۱ اسامی جغرافیایی عهد کهن) و مزوتوپونیمی^۲ (اسامی جغرافیایی قرون میانه) ایران است. در عین حال این کار برای شناخت اتنوتوپونیمی^۳ ایران مرجعی مناسب به شمار می رود.

"وجه تسمیه"، یعنی اصطلاحی که متقدمان برابر "توپونیمی" نهاده اند، صرفاً به توصیف چگونگی پدیدآمدن شهرها و روستاها و نام سازندگان آن‌ها به صورت تخیلی یا غیر علمی پرداخته است. علت اصلی آنرا باید در این یافت که بیشتر کسانی که به وجه تسمیه اشاره نموده اند از دید یک جغرافیدان به مسئله توجه داشته اند. باید ذکر نمود که نخستین اشارات به اسامی جغرافیایی در کتب جغرافیا و تاریخ و سفرنامه‌ها بوده است و در اعصار قدیم به منابع و کتاب‌هایی که به طور مستقل یا جداگانه به اسامی جغرافیایی پرداخته باشد، بر نمی‌خوریم. همچنین است که تنها در آثار کلاسیک تاریخ و جغرافیای یونان و روم و ارمنی و گرجی و چینی و هندی به اسامی شهرها، رودخانه‌ها، روستاها و سایر عوارض پرداخته شده است.

یکی از قدیمی‌ترین کتبی که در آن از اسامی جغرافیایی ایران سخن به میان آمده کتاب "جغرافیا" اثر استرابون (Strabon- قرن اول ق.م.) است. کتاب وی در ۱۷ جلد حاوی

^۱. Paleotoponymy

^۲. Mesotoponymy

^۳. Ethnotoponymy

اطلاعات تاریخی و جغرافیایی در مورد اروپا، آسیا و آفریقا است. وی هنگام بحث در مورد اروپا از طوایف گل (Gel)، سکا (Säkä)، سارمات (Särmät)، گیرگان (Girgän)، مارد (Märd)، گت (Get یا Mäsäget ماساگت)، گرگر (Gargar)، لک (Lak) و آلبان (Älbän) سخن می‌راند و می‌نویسد اهالی این منطقه (منطقه آنسوی رود ارس) به ۲۶ زبان سخن می‌گویند. اسامی هیرکانیه، رود کورا، پاسارگاد، پارس، پرسیکا، اکسوس و س. در آن ثبت شده است.^۱ البته باید اذعان نمود که اهمیت و نقش هکاتئوس (Hecataeus) - قرن پنجم و ششم ق.م.)، که به حق پدر جغرافیا نام گرفته^۲، کمتر از استرابون نیست. اگرچه از نوشته‌های او قطعه‌های کوچکی به جا مانده است ولی در همان نوشته‌ها وی از رود ارس (Äräks) و دریای هیرگانی (Hirgäny) و طوایف دوندار (Dondär) و میکی (Miki) نام می‌برد.^۳ اراتستن (Eratosthene متولد ۲۷۶ ق.م.) نیز کتبی به یادگار گذاشته است که برای جغرافیای ایران اهمیت دارد. استرابون پیوسته در آثار خود به او استناد جسته است. دیگر جغرافیدان یونانی کلودی پتولمه (Ptolemee) یا بطلمیوس (قرن دوم ق.م.) است که در کتاب "راهنمای جغرافیا" نام مناطق مسکونی و رودهای منطقه را ثبت نموده است. از جمله این نامها می‌توان به خاوالا (Xävälä)، تاکوت

^۱. جغرافیای استرابون، استرابون، ترجمه صنعتی زاده، انتشارات بنیاد موقوفات محمودافشار، تهران، ۱۳۸۲، کتاب یازدهم، ص. ۱۹

^۲. آلفونس گابریل، تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، انتشارات ابن سینا، تهران ۱۳۴۸، ص. ۲۲

^۳. Öhmədov Tofig, Azərbaycan toponimikasinin əsasları, Bakı, ۱۹۹۱, s. ۱۸

(Tägut)، ماماخی (Mämäxi)، آلبانا (Älbänä)، نووتا (Novotä)، باروک (Bäruk)، سامونید (Sämonid)، دیگلان (Diglän)، کسبی (Kesi)، سانوا (Sänovä)، باکتیریا (Bakteriyä)، گلدا (Gelda) اشاره نمود^۱. اگرچه به نظر مورایف تعیین محل همه این مناطق دشوار است^۲، زیرا او از رودهای آلبان (Älbän)، گایسی (Gäyisi)، کرر (Kerer)، سوآنا (Suänä) نام میبرد که به دریای خزر می پیوندند. در حالی که کلیه رودهای واقع در آذربایجان شمالی (جمهوری آذربایجان فعلی) به رود آلازان (Äläzän) و رود کر (Kur) می ریزند. و همو اشاره می نماید که شهر کابالا (Käbälä) بین رود گایسی و آلبان واقع شده است^۳.

ایزیدور خاراکسی (Izidor Xäräksi) در قرن اول میلادی کتابی راجع به جغرافیای مملکت اشکانیان و پارت نوشته که از نظر ما مهم است^۴. موسی خورنی (Moise Chorene) نیز در باب جغرافیای ایران در دوره ساسانی و اشکانی کتابی نوشته است که بسیار مفید است^۵. دنیسوس پریکتی (Dennisus Periketi) قرن دوم ق.م. برای اولین بار می نویسد که در

^۱. Mamedov M.A., *Linguvisticheski analiz geographicheskoi nazvani v smeshnikh arealakh*, Tashkent, ۱۹۸۴, p. ۲۴۲-۲۴۳

^۲. Muravyev M., *Ptolemeyeva karta Kavkazkoy Albani I uroven Kaspiya*, VDI ۱۹۸۳, #۱

^۳. Gheybulayev G.A., *Toponimiya Azarbaijdjani*, Elm, Baku, ۱۹۸۶, p. ۷

^۴. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۸

^۵. مارکوارت یوزف، ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی، تهران، ۱۳۷۳، ص. ۳۷

میان طوایف آلبان هون ها (Hun) نیز دیده می شود و سپس از کاسپی ها (Kaspian - kāsipi)، گبرگانی ها (Girgāni)، کادوسی ها (Kādusi) و ماردها (Mārd) نام می برد.^۱ علاوه بر جغرافیدانان، تاریخ نگاران کلاسیک نیز در آثار خود به اسامی جغرافیایی اشاره نموده اند. مهمترین آنان هرودوت (Herodotus) است که در کتاب "تواریخ"^۲ از نام های بسیاری از جایی ها و رودها و طوایف قید شده است. توسیدید (Thucydides) نیز در کتاب خود به نام "جنگهای پلوپونز"^۳ از اشخاص دوره هخامنشی یاد می کند. گزنفون (Xenophon) - مورخ قرن چهارم قبل از میلاد) نیز سه کتاب راجع به ایران نوشته و در آن مشاهدات خود را در مورد "کورش" آورده که شایان ذکر است. در کتاب وی نیز به اسامی متعدد قدیمی برمی خوریم.^۴ کتزیاس (Ctesias) طبیب دربار هخامنشیان که در سال چهارصد و شانزده به ایران آمده و هفده سال در ایران اقامت کرده، نیز تاریخ مبسوطی از ایران در مورد مادها (Mād) و آسورها (Āsur) نوشته که بعضی فصول آن باقی مانده است. آنچه از نوشته های وی مانده، حاوی اطلاعات بسیار گرانقدری است.^۵ مورخ رومی گایوس پلینوس یا پلین بزرگ (Pliny قرن اول ق. م.) نیز مطالبی در مورد ممالک قدیم مشرق و از آن جمله ایران در

^۱. Gheybulayev G., (۱۹۸۶), p.۷

^۲. هرودوت. تواریخ، ترجمه ع. وحید مازندرانی. دنیای کتاب. تهران ۱۳۵۷

^۳. Thucydides, *The Peloponnesian War*, Translated by Rex Warner, Penguin Classics, ۱۹۵۴

^۴. گزنفون، زندگانی کورش،

^۵. محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، طبیب لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۶

۱۶۰ جلد نوشته است^۱ که تنها ۳۷ کتاب او در باب کلیه علوم، از آن جمله جغرافیا به دست ما رسیده است که در آن از آبنام های ایبر (Iber) ، کامبیس (Kāmbis)، کاس (Kās)، اوکازان (Okāzān) و طوایف گت (Get)، سیلو (Silo) و لوپن (Lupen) نام برده و قید می نماید که یکی از طوایف سارماتها تیرک (Tirek) نام داشت^۲ و پایتخت دولت آلبان شهر کابالاکا (Kābālākā) است^۳. آریان یونانی (Arrianus- قرن دوم ق.م.) که مدتی سمت حکمرانی داشت در زمان حکمرانی وی طایفه آلان از طوایف تورانی که در حدود حاجی طرخان و سواحل یمین و یسار رود ولگا یورت داشتند به آسیای صغیر حمله کردند^۴. او ضمن شرح جنگهای هخامنشیان و یونانیان از انتوتوپونیم های آلبان، ماردها و ساکسن (Sāksen) نام می برد^۵.

مورخان ارمنی نیز اشاراتی به مناطق گوناگون داشته اند. از جمله فلوستوس بیزانسی (Phastus Buzant) مورخ قرن پنجم میلادی است. او سالنامه ای به زبان یونانی نوشته که در قرن پنجم میلادی به ارمنی کهن ترجمه شده است. وی ضمن اشاره به مناطق آماراس (Āmārās) ، خاباند (Xābānd) ،

^۱ . محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، ۱۳۷۶، ص. ۱۳۳

^۲ . Gheybulayev G., (۱۹۸۶), p.۷

^۳ . Latishiyev V.V., *Izvestiya drevnikh pisateley o Skhiphi I Kavkaza* , SPB. ۱۸۹۳, V.۱, Ed.۲, ۱۹۰۴, p.۲۸

^۴ . محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران، ۱۳۷۶، ص. ۱۲۲

^۵ . حسن پیرنیا، *تاریخ ایران باستان* . جلد اول ص. ۳۸

پارسک (Pārsk)، آذرباداقان (Ädurbādāqān)، تبریز (Tabriz)، شاکاشن (Šākāšen)، گردمان (Gerdamān)، کر (Kur) و اوتی (Oti) از طوایف ماسکوت (Māsākut)، ماخ (Māx)، پچنگ (Peçeneg)، خزر (Xazar)، ایزماخ (İzmāx)، خچماتاک (Xeçmātāk)، قورفار (Qurqār)، هون و جلب (Jalab) نام می برد^۱. آفانگل (Aphangel) یا آفانجلوس مورخ قرن پنجم که اصلش یونانی است و در دربار تیرداد اشکانی میزیسته تاریخ انقراض اشکانیان را به ارمنی نگاشته است. کتاب وی در سنه ۱۷۱۲ در استانبول منتشر شده است و در آن از طایفه های ماسکوت و خالخال (Xālxlāl) نام می برد^۲.

موسی خورنی (قرن پنجم ق.م.) شاگرد کشیش مسروپ ماشتوتس (Mesrope Mashtots) مخترع خط ارمنی و گرجی، که در همان زمان می زیسته نیز کتابی در باب جغرافیا دارد که مارکوارت آلمانی آن را با شرحی به نام "ایرانشهر" به طبع رسانیده و در آن به نام های خلخال، بردعه (Bardaê)، چور (Çur)، گرگر (Gargar)، وشت (Vašt)، خناراگرت (Xenäräkert)، نخجوان (Naxjevān)، شیرکان (Širkān)، اسپهان (Espahān)، توران (Turān)، ورکان (Varkān)، شنجان (Šenjān)، دмбаوند (Dambāvand)،

^۱. Phastus Buzant, *Istoriya Armeni*, Translation to Russian by Kevorgian M., Yerevan, ۱۹۵۳ - Fastus Byzance, Histoire de l'Arménie, ed. Langlos, Paris, ۱۸۶۹

^۲. Gheybulayev G., (۱۹۸۶) p. ۸ (Agathangelos, Collection des histoires anciens et modernes de l'Arménie, ed. Langlos, Paris, ۱۸۶۹

تپرستان (Taparestān)، سیسکان (Siskān)، تالکان (Tālkān)، خارک (Xārk) و صحرای شرور (Šarur) اشاره نموده است.^۱ وی همچنین به جنگهای بولغارها (Bulgar)، هون ها، خزرها و باسیل ها (Bāsil) اشاره داشته است.^۲ وی به زبانهای یونانی و سریانی تسلط داشته و از منابع مزبور در کتب وی نام برده می شود.^۳ مورخ معاصر وی لازار فاربی (Lazare de Pharbe) نیز از سرزمین و طایفه گنگرها (Gangar)، دره گردمان (Gerdman)، دیوار هونها، قبیله جیکبی (Jikbi) و نیز رودکر سخن می راند.^۴

مورخ دیگر ارمنی الیزه (Elize Vartabed) ملقب به وارتابد وقایع جنگهای یزدگزد و ارامنه را که خود جزو شرکت کنندگان آن بوده در "تاریخ وارتانیان" (Histoire de Vartanian آورده است. در نوشته های او نیز نام مکان های ایران آمده است.^۵

^۱. Moise Chronski, *Istori Armeni*, Perv. na russki Emin A., Moskva, ۱۸۹۳ و

- مارکوارت ایران شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی. تهران، ۱۳۷۳

^۲ Mamedov T.M., *Albaniya I Atropatena po drevne Armeyanskim istochnikam* (۴-۶ V), Baku, Elm, ۱۹۷۷, P. ۴۸

^۳. حسن پیرنیا (مشیرالدوله)، تاریخ ایران باستان. جلد اول، دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۲، ص. ۹۸

^۴. Ghukasian V., *Mesto mali kavkazki istochnikov v isledovani dopismeni Azerbajjanski yazik*, Sovjetskaya turkologiya, ۱۹۷۸, #۲, p. ۱۹-۲۳

^۵. حسن پیرنیا. همانجا، جلد اول، ص. ۹۸. هم چنین:

Вартаньян Э. История с географией, или жизнь и приключения географических названий
تدریس س
www.gumer.info/biblioteka-buks/vart/۰۸.php

مبانی توپونیمی

در کتاب "جغرافیای ارمنستان"^۱، که در قرن هفتم میلادی نگاشته شده، این اسامی مشاهده می شود: آلوان (Älevän)، آرگروت (Ärägrut)، بالک (Bälk)، باگنروت (Bäganrut)، باگوان (Bägävän)، گاردمان (Gärdmän)، خانی (Xäni)، دشت بالاساکان (Bäläsākän)، کامبجان (Kämbejān)، راتیباقا (Rätibäqä)، روت پاتسیان (Rut Pätsiān)، پیانک (Piyanak)، توج کاتاک (Tujkātāk)، آرتساخ (Ärtsāx)، آروسپیژان (Äruspižan)، پانتسیانک (Pantsiang)، اوتو (Uti)، آماراس (Ämäräs)، شاکه (Šäke)، ولایت کانکارک (Gängärk)، آرينجاک (Ärinjäk) و همچنین از طوایف ماخ (Mäx)، ماسکوت، باکان (Bäkän)، شاروان (Šärvän)، کاسپی (Käspi)، ایژماخ (ižmäx)^۲.

خلیفه وارتاپد گوند (Vartaped Gevond) نیز که در قرن هشتم میلادی می زیسته اسامی مناطق مسکونی مانند خنی (Xeni)، نخجوان (Naxjävän)، آخماتان (Axmätän - اکباتان)، قفقاز (Qäfqäz)، قالا (Qälä)، گاندزاک (Gändzäk)، آتش باگوان (Bäguvän)، خرک (Xerk)، پارتاو (Pärtäv)، خیزماس (Xuzmäs) را در کتاب تاریخی خود قید نموده است.^۳

از کتب بسیار نادر و ذیقیمتی که در همان قرن نوشته شده باید از "تاریخ آلبان" (Istori Alban) اثر موسی کالانکاتلی

^۱. Армянская География VII века по Р. Х., приписывавшаяся Моисею Хоренскому. С.-Пб. ۱۸۷۷

^۲. Öhmədov T. ., Orada, s. ۲۲

^۳. Öhmədov Tofiq., orada, s. ۴۴

(Moise Kälänkätli) نام برد^۱. او در مورد تاریخ خزران و حکمروایی آنان سخن می راند و اسامی برخی مناطق آلبان را ذکر می کند که عبارتند از: قیس (Qis)، تاوس (Tävus)، دره قوچ (Quç)، دسته کرت (Dastakert)، پارساگان (Pärsäkän)، موزن (Muzen)، قلابند (Qäbänd)، بد (Bed)، آراژکان (Äräžkän)، کاوه (Käve)، ترتر (Terter)، کوس (Kur)، خوت (Xut)، کرز (Kerz)، زرکون (Zarkun)، شیکاکار (Shikäkär)، بایکونیک (Bäykonik)، اوره کان (Urekän)، شامکور (Šämkur)، کنزاک (Kenzak)، شکات (Šäkät)، خاچنگ (Xaçeng)^۲. همچنین در این اثر نام طوایفی مانند گرگر (Gargar)، بارون، آلبان خاچماتاک (Xaçmätäk)، اوتی، مهران (Mehrän) آمده است.^۳

میخیتار قوش که در سال ۱۱۳۰ میلادی در شهر گنجه به دنیا آمده، در کتاب "سالنامه آلبان" حوادث دولت آلبان هم عصر سلجوقیان را از سال ۱۱۳۰ تا ۱۱۶۲ شرح می دهد و نام مناطق مسکونی و طوایف آن زمان را قید می نماید. توپونیم هایی که او ذکر می کند عبارتند از: چاپار (Çäpär)، کوه خندان (Xandän)، شهر بیلقان (Beylaqän)، شهر پارتاو (Pärtäv)، قلعه تاووش (Tävuš)، شهر شامخور (Šämخور)، رود آراس (Äräس)، شهر گندژک (Gandžak)، منطقه آران

^۱. Моисей Каканкатуаци, история агван, ۱۸۸۱

^۲. Zärinäzadä H., *Fars dilindä Azärbaycan sözläri*, Bakı, Elm, ۱۹۶۲, S.۸

^۳. Мовсэс Каланкатуаци, «История страны Алуанк», Изд. Института древних рукописей им. Маштоца «Матенадаран», Ереван, ۱۹۸۴.

(Ärän)، کوه و منطقه گفام (Käfäm)، منطقه خاچن (Xaçen)،
 قلعه خالناکار (Xälənžäkär) و خالینزا (Xälinžä)، شهر
 زانگان (Zänkän)، سرزمین خرکان (Xerkän)، برد (Berd)
 و چزارا برد (Çežäräberd)، کوه دیواخور (Diväxur)،
 کلیسای گندزاسر (Gendzäser) (گنجه سر)، قلعه چارک
 (Çärk)، ولایت نخجوان (Näxçevän) و، قلعه خارو (Xäru)
 و طوایف آلبان (Älbän)، ترک (Türk) و ترکمان
 (Türkmän).^۱

به هر حال نباید از نظر دور داشت که تمام منابع ذکر شده
 صرفاً از نظر ثبت پاره ای از اسامی باید مد نظر قرار گیرد.
 همچنین باید اشعار داشت که چون ضبط اسامی در منابع فوق
 ، به زبانهای مختلف بوده در نتیجه نمی توانند تنها منبع
 بررسی و تتبع شمرده شوند. جهت برپایی درست اسامی
 جغرافیایی توجه به ساختار و قانونمندی های زبانهای مورد
 استفاده حائز اهمیت است.

قدیمی ترین منبع فارسی که در آن به اسامی جغرافیایی اشاره
 شده است کتاب "حدود العالم" است که در سال ۳۷۲ ه.ق.
 توسط مولفی که نامش را نمی دانیم تألیف شده است.^۲ در این
 کتاب از دریای خزر، دریای کبوزان به ارمنینه، دریای
 باسفهری اندر پارس، دریای بجان اندر پارس، دریای یون

^۱. Mikhitar Gosh, *Albanskaya Khronika*, Per. Z. Bunyatov,
 Baku, ۱۹۶۰, p. ۱۵

^۲. حدود العالم، دستنویس نوم، با مقدمه و شرح و. بارتولد، لنینگراد، همچنین:
 Minorsky V. *Hudud al Alam* (Region of the World) London
 ۱۹۳۷. -p۳۲

اندر پارس ، دریای جنکان اندر پارس ، دریای ارزن اندر پارس، دریای زره به سیستان و کوه های کوفج و بارجان در کرمان، کوه سبلان به نزدیکی اردویل به ناحیت آذربادگان و رودهای سکان اندر پارس ، رود خویدان ، رود کر ، رود فرواب ، رود طاب ، سردن، رود شوشتر، رود هرنده به حدود خراسان ، تیژن رود اندر حدود طبرستان ، رود ارس ، رود کر اندر ناحیت اران ، نهر میجان به ناحیت اران ، سپیدرود و زرن رود اندر سپاهان و ناحیت دیلمان ، طبرستان ، گرگان ، آذربادگان (Äzarbädgän) ، آلان (Älän) ، خزران و شهرهای شکی (Šaki) ، قبله (Qabala)، موغان (Muqän)، باکو (Bäku)، بردیج ، میجان (Mijän) ، تبریز، مراغه ، اسنه (Asna)، سراو (Saräv) ، جابروقان (Jäbruqän) ، وزنن (Vaznän)، برزند (Barzand)، ارومیه (Urmie) ، راخرتاب ، سلماس ، خوی ، ملازکرد ، مرند ، اهر ، قبان (Qabän) ، بیلقان (Beylaqän)، باژگاه (Bäzghäh)، گنجه (Ganje)، شمکور، بردع (Barda) ، شروان ، خرسان ، شاوران ، دربند خزران ، کردوان ، آوه ، ساوه ، قم ، سبزووار ، نشابور ، جاجرم ، آذوار ، نسا ، قاین ، ترشیز و طبس و بسیاری از شهرهای ایران نام برده می شود.^۱ یکی دیگر از منابع مهم به زبان فارسی که در آن به تفصیل به جغرافیای ایران پرداخته و نام بسیاری از امکنه ، کوه ها و رودهای ایران ذکر شده است کتاب «نزّه القلوب» حمدالله

^۱. حدود العالم من المشرق الي المغرب ، به کوشش منوچهر ستوده، تهران ۱۳۶۳، ص. ۱۶۴

مستوفی است که در سال ۷۹۰ نگارش شده است.^۱ از دیگر کتب فارسی که مولف آن نیز ناشناس است، می توان "عجایب الدنيا" را نام برد.^۲

جغرافیدانان عرب و ایرانی نیز در کتبی که به زبان عربی نوشته اند، از شهرها و رودها و توپونیم های ایران نام برده اند. در میان عمده ترین آنها می توان از "فتوح البلدان" بلاذری، کتاب "الامصار و عجائب الاسفار" ابن بطوطه، کتاب "تجارب الامم و تعاقب الهمم" احمد مسکویه، کتاب "فتوح البلدان" احمد ابن عساکم الکوفی، کتاب "مسالك و الممالك" ابن خردادبه، کتاب "معجم البلدان" یاقوت حموی، کتاب احسن اتقاسیم فی معرفت اقالیم" مقدسی، کتاب "سفرنامه ابودلف" اثر ابودلف مسعر بن الهمهل الخزرجی، کتاب "عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات" اثر محمد بن محمود بن احمد طوسی، کتاب "مختصر البلدان" اثر ابن الفقیه، کتاب "مروج الذهب و معادن الجواهر" مسعودی و سایر نام برد.

کتاب های ادبی، تذکره ها، دیوان اشعار و جنگهای ادبی مثل "شاهنامه" فردوسی نیز حاوی نام های بسیاری از مکانهاست که هرچند جنبه اساطیری دارد، لیکن بسیاری از آنها، دلالت بر مکان هایی دارد که در سایرکتب های تاریخ پیش از اسلام، از آنها یاد شده است. در دیوان شاعران علاوه بر مدیحه حاکمان به وقایعی مثل جنگها و وقوع حوادث

^۱ . حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، ۱۳۳۶
^۲ . عجایب الدنيا، نسخه دستنویس آکادمی علوم جمهوری آذربایجان، شماره ۳۸۳۶

غیرطبیعی اشاره شده است که اسامی مذکور در آنها برای بحثهای توپونیمی میتوانند مورد استناد قرار گیرند.

ماخذ نوشتاری دیگر پیشینیان از جمله مقوله های بین دول و سایر از نقطه نظر ثبت اسامی جغرافیایی در آنها برای تبیین و تتبع اسامی جغرافیایی نباید از دقت و توجه دور بمانند.

توپونیمی و جغرافیا

توپونیمی از دو بخش لاتین "Topo" به معنای زمین و "onim" به معنای نام تشکیل گردیده است. عنوان "اسامی جغرافیایی" نیز از دو بخش تشکیل شده است: "نام" و "جغرافیا". نام یک اصطلاح زبان‌شناسی است و به بخشی از واحد زبانی اطلاق می‌گردد. جغرافیا نیز بر موقعیت و شکل آن نام‌ها دلالت دارد. در واقع علم جغرافیا شناسنامه توپونیمی به شمار می‌رود. همان‌طور که می‌دانیم هر اسم جغرافیایی دارای دو بخش است که برای هر کدام از بخش‌های آن میتوان ویژگی‌های زیر را تبیین کرد:

الف: هر اسم، گویای عنوان مورد جغرافیایی خاصی است.
 ب: هر اسم، وضعیت، موقعیت و نوع پدیده جغرافیایی را بیان می‌کند.

در هر صورت هر توپونیم به دو شکل فوق حاوی اطلاعات جغرافیایی است. حتی اگر یک واحد توپونیمی دارای مصداق فونتیکی موجود نباشد، نشان‌دهنده موجودیت آن در زمان و مکان دیگر است. ممکن است که روستایی در اثر مهاجرت کاملاً از سکنه خالی شده و از روی نقشه جغرافیایی محو

گردد، لیکن وجود اسم خاص آن محل نشان دهنده آن است ، که روزگاری مکانی بدان نام در موقعیتی جغرافیایی موجود بوده است. برای مثال امروزه اسامی بسیاری مثل ری ، هگمتانه ، سوزیانا، پاسارگاد و سایر وجود دارند که در کتب تاریخ و اسناد رسمی بدانها اشاره شده است، لیکن آنها موجودیت خود را در نقشه های متعارف از دست داده اند. هردوت ، مورخ نامی، از قبیله ای به نام آمازون ها (Ämazon) در غرب قفقاز نام می برد و نبرد آنها با ساک ها (Säk) را ذکر می کند^۱ که امروزه تنها نامی از آنها در تاریخ به جای مانده است. در این مورد شواهد بسیاری در کتب ادبی ، تاریخی و جغرافیایی ما وجود دارد. اسامی جغرافیایی یا توپونیمی ، سیمای ظاهری نقشه های کارتوگرافی (جغرافیایی) است. هرگاه اسامی جغرافیایی را از روی نقشه ها برداریم برای یافتن دقیق مکانها و محل ها دچار گمراهی می شویم. به همین جهت اسامی جغرافیایی را شناسنامه نقشه به شمار می آورند. اندکی دقت در نقشه های قدیمی نشان میدهد که این نقشه ها فاقد دقت ژئودزی بوده اند، لیکن به دلیل ثبت اسامی ، تعیین محل و موقعیت آنها چندان دشوار نیست. در کتب قدیم حتی موقعیت و مکان شهرها نیز نادرست ثبت شده ، لیکن از آنجا که اسامی آنها درست ضبط گردیده ، یافتن مکان مورد نظر بسیار آسان است. امروزه ارتباطی بسیار تنگاتنگ بین توپونیمی و کارتوگرافی در

۱. هردوت . تواریخ ترجمه ع. وحید مازندرانی. دنیای کتاب. تهران ۱۳۵۷
ص. ۲۷۷-۲۷۶

درون سیستم اطلاعات جغرافیایی^۱، وجود دارد. این تعبیر اینک ابعاد وسیعتری به خود گرفته و تحت نام "دانش اطلاعات جغرافیایی"^۲ خوانده می شود. به دلیل جهانی شدن اطلاعات جغرافیایی، ضبط نادرست اسامی، ترجمه اسامی از زبانی به زبان دیگر، به مهمترین مسائل موجود در کارتوگرافی، جغرافیا و توپونیمی معاصر تبدیل شده است. امری که به خودی خود باعث به وجود آمدن کمیته ای در سازمان ملل متحد شده است^۳ که وظیفه آن ضبط و یکسان سازی اسامی جغرافیایی در روی نقشه های بین المللی و ملی است و تاکنون کنفرانسهای بین المللی و منطقه ای متعددی برپا نموده و کتب بسیاری در این مورد تدوین نموده است^۴. به نظر برگزار کنندگان این کنفرانس ها:

A vital function of any mapping organisation is to ensure that maps depict correct geographical names.^۵

(وظیفه عمده هر سازمان نقشه برداری است که اطمینان حاصل نماید اسامی جغرافیایی به طور صحیح در روی نقشه ثبت می گردند.)

در گزارش هیات فرانسوی به دوازدهمین کنفرانس منطقه ای کارتوگرافی آمده است که "موسسه ملی جغرافیا" دستور

^۱.Geographical Information System-(GIS)

^۲. Geographical Information Science

^۳.Committee for Geographic Names

^۴. اطلاعات بیشتر به اسناد زیر مراجعه کنید:

United Nations Conference on the Standardization of Geographic Names, New York ۱۹۷۶

^۵. ۲th United Nations Regional Cartographic Conference for Asia and the Pacific, II volume, NY ۱۹۹۵, p. ۳۶۲.

العملی را به نام "راهنمای توپونیمی کارتوگرافی"^۱ تهیه کرده که در آن از قواعد آوانگاری^۲ استاندارد برای ثبت توپونیمی لهجه های جزایر ملانزی و نیوکالدونیا استفاده شده است و در تهیه بانک اطلاعاتی توپونیمی زبان ها و لهجه های موجود در اراضی فرانسه مورد استفاده قرار میگیرد^۳. در همان اسناد آمده است که در سال ۱۹۴۶ مجلس نیوزیلند کمیته ای را برای اصلاح و تایید درست نویسی توپونیم ها تعیین نموده است. سازمان ملل دوره ای را تحت عنوان "دوره راهبردی توپونیمی"^۴ در سال ۱۹۸۲ و دوره بعدی را در سال ۱۹۸۹ در اندونزی و دوره " برنامه آموزش توپونیمی"^۵ را در سال ۱۹۹۲ در کبک (Quebec) کانادا برگزار نموده است. در برنامه آموزش توپونیمی در کانادا در کنار سایر موضوعات "زبان توپونیمی"، "مسائل زبانشناسی"، "ارتباط میان جغرافیا، کارتوگرافی، تاریخ و توپونیمی"، "مراحل مدیریت اطلاعات توپونیمی از جمع آوری تا پردازش اسامی جغرافیایی جایگزین"، "اسامی محلی" و بسیاری دیگر آموزش داده شده است^۶ اینها و سایر فعالیتهای جهانی دلیل بر اهمیت نیاز کشورها به اسامی

^۱. Guide Toponomique Cartographique

^۲ Transcription.

^۳. Principales Interventions sur les Nom Geographiques, Document presente par la France , p. ۳۶۲.

^۴. Pilot Course on Toponymy

^۵. Training Course in Toponymy

^۶. Training Course in Toponymy , Prepared by the Commission de Toponymie du Quebec, ۴th UN Regional Cartographic Conference fot the Americas , v.II, NY ۱۹۹۲, p. ۱۰۷-۱۰۵ .

مبنای توپونیمی

جغرافیایی است. یکی از پیشنهاد‌های بسیار مفید و موثر کمیته سازمان ملل، ایجاد "بانک اطلاعاتی توپونیمی"^۱ است. امروزه این امر در حد ملی نیز از نیاز به یک ضرورت تبدیل شده است. برای اولین بار در آمریکا در پروژه "نظام اطلاعات اسامی جغرافیایی"^۲ اقدام به ایجاد بایک اطلاعات اسامی جغرافیایی نموده و با استفاده از ۵۵۰۰۰ نقشه توپوگرافی که از سال ۱۹۷۶ تا ۱۹۸۱ در کشور آمریکا تهیه شده بود بانک مزبور برپا شد. در این بانک اطلاعات ۱۷ نوع داده از اسم عارضه تا موقعیت و کد پستی آن درج شده است.^۳ سازمان نقشه برداری کشور نیز در سالهای اخیر اقدام به ایجاد پایگاه اطلاعاتی اسامی جغرافیایی ایران بر مبنای نقشه ۱/۲۵۰۰۰ کرده است. در این پایگاه اسامی عوارض جغرافیایی ثبت شده بر روی نقشه های مبنایی به صورت داده های قابل جستجو در اختیار کاربران قرار گرفته است.^۴

ترجمه اسامی جغرافیایی از زبان مورد استفاده در یک محل به زبان دیگر و ضبط آن بر روی نقشه های جغرافیایی از خطاهای فاحش است. مثالهای متعدد در این مورد می توان

^۱. Toponymy Data Bank

^۲. Geographic Names Information System

^۳. Geographic Names Information System : A Toponymic Research Tool , ۴th United Nations Regional Cartographic Conference for the Americas , V.II , NY ۱۹۹۲ , p.۱۰۳

^۴ . جهت اطلاعات بیشتر به آدرس لکترونیک «کمیته نام نگاری و یکسان سازی اسامی جغرافیایی» در www مراجعه کنید.

آورد. ترجمه "قرمچمن" Qara و Çaman به "سیاه چمن"، "قزل اوزون" (Qizil Uzun) به "سرخ رود"، "قزل اوزان" (Qizil Üzan) به "سفید رود" از آن جمله خطاها است. روزگاری احمد کسروی توصیه می نمود که کلیه اسامی جغرافیایی محلی را به زبان فارسی ترجمه کنند و در مراسلات رسمی مورد استفاده قرار دهند. خطای این محقق باعث انحراف مسیر رشد طبیعی جغرافیایی محلی می گردید. اسامی جغرافیایی را نباید ترجمه نمود. این امر باعث سر درگمی در علم جغرافیای کاربردی می گردد. برای مثال اگر نام کشور یوگسلاوی سابق (Yugslavia) که از دو بخش "یوگ" به معنای جنوب و "اسلاوی" به معنای مردم اسلاو است را ترجمه کرده و به صورت "اسلاو جنوبی" نوشته شود و یا دیگران در نقشه های خود "اکراین" به عنوان "سرزمین در کناره" بنویسند و یا "انگلند" (England) را به "سرزمین انگل ها" تبدیل نمایند، اوضاعی آشفته به وجود می آید. نمونه های بسیار دیگری را در زندگی روزمره میتوان شاهد بود. در اغلب جراید کشور بلاروسی را به نادرست "روسیه سفید" می نامند^۱.

یکی از ویژگی های عمومی توپونیمی استفاده از اصطلاحات جغرافیایی^۲ در آن است. استفاده از اصطلاحات جغرافیایی به عنوان بخشی از اسامی خاص نقاط مسکونی را بدون استثنا در کلیه زبان ها و مناطق جهان می توان مشاهده نمود. در

^۱ . نام کشور بلاروسی (Bellorussia) متشکل از دو جزء (بلا سفید) و روسیا (روسیه) است.

^۲ . Geographic terms

مبانی توپونیمی

اصطلاح توپونیمی هر واژه اي که مبین عوارض یا اصطلاح جغرافیایی باشد نمکلاتور^۱ نامیده می شود. استفاده از کلمات شهر، ده، رود، دره، کوه و امثالهم به عنوان بخشی از "توپونیمی" بسیار رایج است. اصولاً از این نظر اسامی جغرافیایی را به دو گونه می توان تقسیم نمود:

اسامی جغرافیایی که بدون استفاده از اصطلاحات جغرافیایی مورد استفاده قرار می گیرد. مثل تهران، لندن، سنگاپور و توکیو.

اسامی جغرافیایی که در آن از نمکلاتور نیز استفاده می شود مثل نوشهر، شهرکرد، پلنگ دره، هشتروند، نوشهر، میانه، مکزیکوسیتی (Mexicocity)، گرینلند (Greenland)، گرین ولی (Greenvalley)، مونته نیکرو (Mountenegro) به معنی کوه های سیاه. نام یکی از جمهوری های جدا شده از یوگسلاوی).

در میان این گونه اسامی به اسامی برمیخوریم که اصطلاحات جغرافیایی آن چندان رایج نیست. مثل واژه "یال" (Yäl) به معنای بلندترین نقطه کوه. کوه قزل یال (Qîzîl yäl)، کوه ایشک یال، کوه یاشک یال، قره یال (Qarayäl) (۲ مورد)، یال خری، یال پلنگ، یال سرخ، یال موزیسا، یال قرنکان، یال گونئی (Güney yäl) به معنای یال جنوبی.

^۱. Nomenclature

از آنجاییکه پیشه نخستین انسان ها کشاورزی بوده است، در نامگذاری مناطق جغرافیایی از کیفیت و ویژگی زمین و طبیعت استفاده شده است. استفاده از اسامی شوره زار، گندم زار، مرزن آباد و غیره گویای این امر است.

گاه اسامی جغرافیایی متأثر از جغرافیای منطقه ای هستند. استفاده از نام انواع گیاهان، نباتات و رستنی ها و حیوانات و پرندگان و گل ها نشان دهنده وجود آن گونه ها در منطقه مورد نظر است. دکتر اصغر نظریان در مقاله ای اسامی توصیفی یا منسوب به عوامل جغرافیایی را منتسب به دو عامل طبیعی و انسانی می داند و در بحث مربوط به عوامل طبیعی قید می نماید که توجه به پستی و بلندی ها، خاک، آب و گیاه در نامگذاری آبادی ها از اهمیت بیشتری برخوردار است.^۱

با توجه به موارد فوق می توان گفت که توپونیمی در مورد جغرافیای انسانی، جغرافیای طبیعی، جغرافیای اقتصادی و غیره، مواد اولیه فراهم می نماید. لذا، می توان ارتباطی تنگاتنگ میان توپونیمی و علم جغرافیا مشاهده کرد. از یک طرف اسامی جغرافیایی مواد اولیه تحلیل و بررسی زبان شناختی یک منطقه را فراهم می نماید، از طرف دیگر اسامی جغرافیایی اطلاعات غنی فراوانی را در مورد وضعیت

^۱ اصغر نظریان، بررسی تحولات جمعیتی و معیشتی نواحی جغرافیایی با تکیه بر اسامی مکانها. مجله تحقیقات جغرافیایی. شماره ۱. تابستان ۱۳۶۵. ص. ۷۳-۹۴

جغرافیایی و سایر ویژگی های مورد نیاز علم جغرافیا در دسترس جغرافیدانان قرار می دهد.

یکی دیگر از موضوعات مشترک میان توپونیمی و جغرافیا موضوع تعیین جغرافیای توپونیمی می باشد. جغرافیای توپونیمی در واقع نشان دهنده حدود و ثغور و دایره تأثیرات اسامی جغرافیایی منسوب به یک فرهنگ و زبان خاص است. این چهارچوب ممکن است از چهارچوب کاربرد زبان مورد استفاده در اسامی جغرافیایی وسیعتر باشد. برای مثال در بخش های مرکزی و غربی آناتولی در ترکیه ، زبان فارسی نه تنها رایج نبوده ، بلکه می توان به جرات گفت که هیچگاه از سوی حکام آن مناطق تبلیغ نیز نگردیده است، لیکن در این منطقه وسیع، به اسامی جغرافیایی بسیاری برمی خوریم که با اسامی رایج در ایران مرتبط و مشابه اند. همان طور که قید گردید دلیل این امر گسترده تر بودن دامنه فرهنگ نسبت به حیطه کاربرد زبان است . همین موضوع را می توانیم در بخش هایی از آسیای میانه ، منطقه قفقاز شمالی و شمال دریای سیاه نیز مشاهده نماییم. گستردگی پهنه جغرافیای توپونیمی به گستردگی استفاده از آن اسامی است. ما می توانیم ضمن تعیین جغرافیای توپونیمی بسامدهای واحدهای مختلف توپونیمی را تعیین نماییم. گردآوری و تعیین بسامد توپونیمی در یک منطقه یا یک زبان می تواند علانق اصلی و گرایش قالب برای نامگذاری را در یک فرهنگ خاص معین نماید.

توپونیمی و تاریخ

توپونیم ها آینه و گنجینه گذشته انسان ها و حاوی اطلاعات ذقیمت تاریخی اند.

از آنجا که تحولات سیاسی - اجتماعی در اسامی جغرافیای تاثیر می گذارد و باعث حذف برخی و اضافه شدن بعضی دیگر از اسامی یا جایگزین شدن اسامی جدید می گردد، به راحتی می توان ارتباط تاریخ و توپونیمی را مشاهده کرد. علاوه برآن مهاجرت اقوام و طوایف در پی تحولات سیاسی و تثبیت اثر و رد آن اقوام در توپونیمی را نیز می توان از موارد جالب ارتباط این دو شاخه علمی تلقی کرد.

سنگ نوشته های مختلف در ایران به زبان های عیلامی ، اکدی به خط میخی حاوی اسامی بسیاری است که تحلیل زبان شناختی آن ها شواهد متعدد و جالبی را درمورد نام طوایف، اشخاص و ملت ها به دست می دهد. لازم است ذکر شود که در عرصه تحقیقات توپونیمی نمی توان از نقش تاریخ و ارتباط آن غافل شد. به یقین بررسی اسای جغرافیایی و ریشه یابی آنها بدون بررسی های تاریخی امری بسیار دشوار و بی نتیجه است .

در اغلب کتب تاریخی به اسامی گوناگون برمی خوریم که در توجیه مفاهیم آنها به حوادث تاریخی اشاره رفته است. در بررسی یادگارهای مکتوب کشورمان به اسامی جغرافیایی بسیار برمی خوریم که از نام سلاطین، بنیادگذاران و سازندگان آن مناطق گرفته شده یا متأثر از جنگ ها و پیروزی ها بوده است. برای مثال دو قرارداد اخیر ترک مناقشه میان ایران و روسیه با نام دو مکان مسکونی یعنی روستای ترکمن چای و روستای گلستان امضاء شده است.

منابع تاریخی مواد اولیه بی نظیری را درمورد توپونیمی مناطق گوناگون در اختیار زبان‌شناسان و محققان می گذارند. دربرخی از کتب و منابع تاریخی، نه تنها اسامی مختلف قید می گردد، بلکه درمورد معانی و تاریخچه یک واحد توپونیمی نیز ملاحظات را بیان می نمایند که آنرا اصطلاحاً "وجه تسمیه" می نامند.

بررسی اتوپونیمی^۱ هرمنطقه بدون مراجعه به سوابق تاریخی و حوادث گذشته امکان پذیر نیست. چه بسیار طوایف و قبایلی که از صحنه روزگار حذف شده اند، لیکن اسامی آن ها بر روی روستاها و شهرها و رودخانه ها و کوه ها و دره ها به یادگار مانده است. برای مثال کاسپی ها و خزرها طوایفی بوده اند که تا چند سده گذشته ردی از خویش در تاریخ به یادگار گذاشته اند و امروزه تنها نامی از آنها بر روی دریای خزر مانده است. شیخ فضل اله همدانی درکتاب

^۱. Ethnotoponymy

"جامع التواریخ" خود از طایفه ای به نام آغاجری (Āğajari)^۱ نام می برد که بی شبا هت به نام شهر آغاجاری نیست. وی حتی از طایفه ای به نام "مرگیت" (Margit)^۲ سخن به میان می آورد که تا سال های قبل نام روستایی در حوالی شهر مرند بود. این روستا امروزه متروک گشته و در سرشماری های معاصر، دیگر نامی از آن برده نمی شود. چه بسیار شواهد و اسراری که در کتب تاریخ چشم به راه محققان مانده اند تا در گشودن راز هایشان گامی بردارید.

بخشی از اسامی جغرافیایی در اثر مهاجرت اقوام یا هجوم و سيطرة اقوام بیگانه به وجود آمده است. بارتولد شرق شناس روس می نویسد: " این اسدآباد را (در خراسان م.) شاه عباس کبیر برای مهاجران گرجی بنا کرد. گرجی ها دیر زمانی است که اسلام و زبان فارسی را اختیار کرده اند، هرچند به طوری که می گویند در لهجه آنها آثار زبان نیاکانشان هنوز محفوظ مانده است".^۳ برای مثال نام گرجی (Gorji) (۵ مورد)، گرجی محله (۲ مورد)، گرجی آباد، گرجی سرا، گرجی بیان، گرجی پل، گرجی کلا، و واژه عرب در عرب آباد (مورد ۱۴)، عرب (Arab) (۵ مورد)، عرب بازار (در بیش از ۷۰ توپونیم) و واژه مغول در مغل آباد، مغول کش، مغول (Moğul)، مغول آباد، مغولان از

^۱. شیخ فضل اله همدانی. جامع التواریخ به کوشش دکتر بهمن کریمی. تهران ۱۳۶۲. جلد اول. ص. ۳۵

^۲. همانجا. ص. ۷۱

^۳. ولادیمیر بارتولد. تذکره جغرافیای تاریخی ایران. ترجمه حمزه سردادور. توس.

۱۳۷۲. ص. ۱۳۸

این نوع است. در واقع تاریخ به ما نام طوایف و قبایل و توپونیمی سمت حرکت آنها را از طریق پراکندگی نام ها نشان می دهد. می توان این گونه نام ها را اسامی سیار یا متحرک یا مهاجر نامید.

بدین ترتیب به منابع تاریخی باید به عنوان مواد خام یا گردآورنده مواد خام برای تحقیقات توپونیمی نگریست. برای مثال در یکی از قدیمی ترین کتب تاریخی یعنی کتاب "تواریخ" (History) اثر سترگ هرودوت، پدر تاریخ به اسامی بسیاری از جمله آراکس (Äräks) رودخانه ارس، ماساگت (Mäsäget)، کیمر یا کمر (Kimer, Kemer)، موغ (Moğ)، اسگیت (Esgit)، آمازون، اکباتان (Ekbätän)، بیستون، شوش و غیره برمی خوریم^۱. نباید از نظر دور داشت که گاهی ثبت اسامی به زبانی غیر از زبان اصلی، با تلفظ اصلی آن می تواند بسیار متفاوت باشد و اغلب اتفاق می افتد که هنگام ضبط اسامی بیگانه اقدام به ترجمه آن می کنند. این پدیده در عصر کنونی نیز مشاهده می شود. مثلاً "New Zealand" را می گوئیم "زلاندنو" یا "New Guinea" را "گینه نو" می نامیم. به همین سبب به منابع تاریخی که بیگانگان نوشته اند، باید کمی محتاطانه برخورد کرد. محقق گرامی، آقای علیرضا چکنگی ضمن گردآوری صورت های مختلف اسامی جغرافیایی، متوجه این موضوع گردیده و نوشته است: "تحریف ها و اشتباهات نسخه نویسان در ثبت

^۱ هرودوت، تواریخ، ترجمه ع. وحید مازندرانی، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۸، ص. ۵۵۷.

مبانی توپونیمی

و ضبط نام ها ، در متون و منابع ، بویژه توسط غیر ایرانی ها ، در پیدایی نگارش های مختلف نام شهرها و آبادی های این سرزمین و نواحی مجاور آن نقشی موثر داشته است.^۱

دیاکونوف ایرانشناس شهیر در "تاریخ ماد" می نویسد: "در تحقیقات تاریخی موارد سوء استفاده از اسامی امکانه جغرافیایی نادر نیست و بنابراین ما که خطر کرده حقایق مشهوری را در این باره بیان کرده ایم ، ناگزیریم درباره اسلوب استفاده از اینگونه مدارک نیز سخن گوئیم".^۲

در اکثر منابع تاریخی رومی ، آسوری ، ارمنی ، هندی ، چینی ، ترکی و آثار متقدمین سایر ملل اسامی جغرافیایی امروزی ایران آمده است. در کتیبه های باستانی سرزمین خودمان به زبان پارسی باستان و در کتیبه هایی که به سایر زبان ها نوشته شده نیز اسامی جغرافیایی جای خود را دارد.

در یکی از قدیمی ترین منابع نوشتاری ترک ها به نام " کتاب دده قورقود علی لسان طایفه اوغوزان " که سال کتابت آن را نگارنده تثبیت کرده است (یعنی سال ۴۶۶ هجری)^۳ ، اسامی مناطق شمال غرب ایران و بخشی از قفقاز صغیر ثبت گردیده است. برخی از توپونیم هایی که در کتاب " دده

^۱ علیرضا چکنگی فرهنگنامه تطبیقی نامهای قدیم و جدید مکانهای جغرافیایی ایران و نواحی مجاور. مشهد. ۱۳۷۸

^۲ . ایگور دیاکونوف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، تهران ۱۳۵۷، ص. ۵۷

^۳ Refahi Alamdar Firuz. & Hacıyev Tofiq, Dədə Qurqudun son səhifəsi haqqında , Əd.&Inc. Qəzeti, ۱۹۸۶, #۱ s. ۶.

قورقود " قید شده عبارتند از: دره شام (Dara šām)، شرور (Šarur)، النجه (Elenja) و آچه قلعه (Äğça gälä) (لازم به ذکر است که نام بسیاری از قهرمانان این افسانه را می توان در توپونیم های معاصر ایران مشاهده کرد)^۱. جهت اطلاعات بیشتر درین مورد می توانید به کتاب "دائرالمعارف کتاب دده قورقود" مراجعه کنید.^۲

اسامی جغرافیایی را از نظر تاریخی به سه دسته تقسیم می کنند: پالئوتوپونیم ها^۳، مزوتوپونیم ها^۴، نئوتوپونیم ها^۵.

پالئوتوپونیم ها (اسامی جغرافیایی باستان) به نام های جغرافیایی گفته می شود که تشکل و پیدایی آن ها به دوران بسیار قدیم مربوط می گردد. این نام ها شامل توپونیم هایی می شود که از ابتدای شکل گیری تمدن به وجود آمده اند. اسامی که در کتیبه های باستانی ثبت شده اند جزء ایندسته از اسامی میباشند.

مزوتوپونیم ها (اسامی جغرافیایی میانه) شامل آن اسامی جغرافیایی است که در قرون میانه تا آغاز قرن بیستم شکل گرفته اند. در اسامی جغرافیایی ایران اکثر این نوع توپونیم ها مربوط به زبان فارسی میانه است. کلیه اسامی موجود در

^۱ کتاب دده قورقود. به کوشش محمدعلی فرازانه. تهران ۱۳۵۸

^۲ Kitabi-dədə Qorqud ensiklopediası, ۲-nci cild, Yeni Nəşrlər evi, Bakı, ۲۰۰۰

^۳ Paleotoponyms

^۴ Mesotoponyms

^۵ Neotoponyms

مبانی توپونیمی

کتاب تاریخی و جغرافیایی دوره اسلامی بخشی از مزوتوپونیم های ایران را تشکیل می دهند.

نئوتوپونیم ها (اسامی جغرافیایی جدید) به آن دسته اسامی جغرافیایی می گویند که از ابتدای قرن بیستم تا کنون به وجود آمده اند. از آنجا که در حیطه زندگی روزمره، پیوسته اسامی جدیدی به وجود می آیند و برخی اسامی به حافظه تاریخ سپرده می شود. باید توجه نمود که اسامی جغرافیایی منسوخ، وقتی از نظر کاربرد به صورت غیرفعال در می آیند، بدان معنا نیست که از چهارچوب تحقیقات توپونیمی خارج شده اند و دیگر توجهی بدان ها نمی شود. هر چه از عمر توپونیمی بگذرد، توجه بدان و حل موضوع و مفاهیم آن اهمیت بیشتری پیدا می نماید و به موضوع اصلی زبان شناسان تبدیل می گردد.

توپونیمی و زبانشناسی

در زبانشناسی مبحثی تحت عنوان نام‌شناسی^۱ وجود دارد که موضوع آن گردآوری، دسته‌بندی و تحقیق پیرامون اسامی به طور عام است. در میان موضوعات گوناگون نام‌شناسی اسامی انسان‌ها، اسامی حیوانات، اسامی گیاهان، اسامی جانوران، اسامی اجرام سماوی و به طور کلی کلیه اسامی خاص و از آن جمله اسامی جغرافیایی را می‌توان ملاحظه کرد. بسیاری از زبانشناسان با توجه به وسعت دایره علمی و تحقیقاتی توپونیمی آنرا از حیطه آنوماستیک خارج می‌نمایند. دلیل عمده آنان این است که آنوماستیک اسامی را صرفاً از جنبه زبان‌شناسی بررسی و تحقیق می‌کنند، لیکن توپونیمی به بررسی اسامی جغرافیایی صرفاً از جنبه زبان‌شناسی بسنده نمی‌کند.

محور اصلی توپونیمی بر سه شاخه علمی جغرافیا، تاریخ و زبان‌شناسی استوار است و هر واحد توپونیمی از این دیدگاه‌ها مورد تدبیر قرار می‌گیرد. هر واحد توپونیمی بر اساس

^۱. Onomastic

مشخصات جغرافیایی و تاریخی گردآوری ، دست بندی و سپس با کمک روش های زبان شناسی مورد تحلیل قرار میگیرد.

احمد کسروی می نویسد: "یکی از چیز هایی که مردم یک سرزمین و زبان آنان را نشان دهد نام های رودها و کوه ها و دیه ها و شهرها و کوی هاست. زیرا هر مردمی این نام ها را از زبان خود پدید آورند و به روی آن چیزها گذارند. اگرچه بیشتر این گونه نام ها که امروز می داریم، معنایی از آن ها فهمیده نمی شود. ولی بیگمان این ها همه معنا داشته اند و ما چون از راه دانش جستجو می کنیم معنی بسیاری از آن ها را پیدا نمی کنیم"^۱.

توپونیمی هر منطقه قبل از هر چیز، از مقداری واژه ترکیب یافته که در وهله نخست به عنوان واحد زبانی قابل بررسی است. این اسامی در ترکیب بندی و شکل گیری ، تابع قوانین زبان خود هستند ، لیکن نگاه عمیق تر درمورد جغرافیای زبان و تاریخ زبان اطلاعات وسیعتری را ارائه می نماید. تحلیل زبان شناسی واحدهای توپونیمی اسرار نهفته بسیاری را آشکار می نماید. چه بسیار کلمات منسوخ که در دل توپونیم ها نهفته است. یکی از دلایل عمده برای این امر ثابت نبودن توپونیمی مناطق نسبت به سایر پدیده های زبانی است. زبان همچون موجودی زنده پیوسته در حال زایش است و کلمات بسیاری در اثر شرایط اجتماعی ، اقتصادی ، علمی ،

^۱. احمد کسروی، زبان پاک ، به کوشش عزیزاله عزیزاده، انتشارات فردوس، تهران ۱۳۷۸، ص. ۱۰۵

مبانی توپونیمی

فني ، سياسي و روان شناختي جامعه به وجود مي آيد ، يا کلمه ها و واژه هاي قديمی جاي خود را به کلمات و واژه هاي جديدتر مي سپارند. اين حرکت در مورد توپونيمي بسيار کندتر صورت مي پذيرد و در برخي مواقع اصلا جابجايي يا زائشي ملاحظه نمي شود. لذا ، بررسی وجه تسميه به جهت گشودن اسرار تاريخی و فرهنگي انسان جايگاهی ویژه دارد. امروزه اسامي بسياري وجود دارند که در زندگي روزمره به کار نمي روند و تنها در فرهنگ ها و واژه نامه هاي "اسامي جغرافيايي"^۱ مي توان آنها را ملاحظه کرد.

بررسي سنگ نوشته هاي دوران باستان حکايت از غنی بودن جايگاه توپونيمي در ايران شناسی دارد. توپونيمي موجود در ايران از نظر زبان شناختي نيز حائز اهميت است. در اينجا اسامي متعلق به زبان هاي کهن آشوري ، عيلامي ، اکدي ، عبري ، عربي ، فارسی باستان و بسياري زبان هاي امروزي ديگر را مي توان مشاهده کرد.

بدون شک زبانشناسي ، ستون اصلي تحقيقات توپونيمي است و در اين راستا از روش هاي جغرافيايي و تاريخی نيز بهره مند ميشود. به همين جهت موضوع و مباني توپونيمي در دروس زبان شناسي همگاني گنجانده شده و در اغلب دانشگاه هاي معتبر تدريس مي گردد. از همين رو مي توان گفت که جغرافيا ، شناسنامه توپونيمي و زبانشناسي ، زبان گوياي آن و تاريخ ، پيشينه و ريشه هاي آن است. قطعاً بدون دانستن

^۱. Dictionary of Geographic Names

ریشه و مشخصات یک واحد توپونیمی ، بحث در مورد آن
بی نتیجه خواهد بود.

یکی از مسائل مرتبط با توپونیمی وابستگی زبانی هر واحد
جغرافیایی است. همانطور که امروزه صحبت از زبان پاک
و خالص ، پوخ و بی معنی می نماید، ادعای وابستگی اسامی
جغرافیایی یک منطقه به یک زبان خاص نیز امری غیر
مستدل و نادرست است. هرگاه یک جامعه با سایر جوامع
همجوار در ارتباط فرهنگی باشد ، در آن صورت وجود
اسامی جغرافیایی متعلق به سایر فرهنگها طبیعی است. تنها
جامعه ای متروک و دورافتاده می تواند صرفا اسامی متعلق
به زبان خاص خود را داشته باشد. برای مثال توپونیم های
کشور امریکا بسیار متنوع تر از توپونیم های کشور یونان
است. در کشور امریکا وجود اسامی مناطقی مانند مسکو
(Moscow)، نیوهمشایر (Newhamshire)، آلبانی (Albany)
و ایالت جورجیا (Georgia- همان گرجستان) بسیار طبیعی
است ، حتی اگر مناطقی به همان نام ها در دیگر کشورها
وجود داشته باشد.

بررسی اجمالی توپونیم های امروزی ایران نشان می دهد که
اسامی جغرافیایی سرزمین ایران از نظر انتساب زبانی بسیار
متنوع اند. زیرا در کشور ما نه تنها زبان فارسی، بلکه زبان
های ترکی، عربی، عبری ، ارمنی، بلوچی، کردی، تالشی،
گیلگی، ترکمنی و غیره در محاورات روزمره مورد استفاده
هموطنان ما است. لذا مواجه شدن با اسامی جغرافیایی
منسوب به این زبان ها نباید شگفت انگیز به نظر آید. علاوه

مبانی توپونیمی

بر زبان های فوق در میان توپونیم های ایران، اسامی آسوری، مغولی، هندی، اردو، عیلامی، اکدی، فارسی باستان و بسیاری زبان های خاموش و فراموش شده نیز به چشم می خورد. تحقیق در مورد این اسامی خود مستلزم فصل و فعالیت جداگانه است.

یکی از وظایف اصلی زبانشناسی بررسی و آشکارسازی جنبه های متفاوت اسامی جغرافیایی ایران است. کتاب حاضر نیز از همین زاویه به تحقیق و پژوهش پیرامون اسامی جغرافیایی ایران پرداخته است. البته موارد دقیقتر بررسی شاخه های مختلف توپونیمی بصورت جامعتر در آینده انجام خواهد شد. در فاصله چاپ نخست این کتاب و ویرایش حاضر دو کتاب از همین مولف در مورد «پژوهش آبنامهای ایران» و پژوهش پیرامون «اسامی پستی و بلندیهای ایران» تدوین و توسط انتشارات سازمان نقشه برداری کشور در اختیار علاقمندان و کارشناسان قرار گرفته است.

توپونیمی و کارتوگرافی

ارتباط میان اسامي جغرافیایی و نقشه داراي تاريخچه بسيار قديمي است. از نخستين نقشه هايي که در دست است مانند نقشه بطلمیوس ، تا نقشه هاي دیجیتالي امروزي متوجه ميشويم که نقشه های بدون نام داراي کاربردهاي خاصي است و آن درك عمومي را که ما از نقشه داريم در ذهن تداعي نمي کنند.

ارتباط میان توپونيمي و کارتوگرافي از مباحث بسيار ضروري در توپونيمي کاربردي و عملي است و شايد توجه ويژه اي مي باشد. ثبت اسامي بر روي نقشه هاي جغرافیایی توسط کارتوگرافها انجام مي گردد . از اين زاويه مسئله را به دو صورت مي توان مد نظر قرار داد يعني ثبت اسامي بر روي نقشه به زبان رسمي و رايج در محل تهيه نقشه که عمده هدف آن براي استفاده کاربران ملي مي باشد. ديگر ثبت نقشه با استفاده از حروف لاتيني براي استفاده کاربران غيربومي و ملي. هر دو روش انجام کارتوگرافي داراي حساسيت و ويژه گيهاي مخصوص به خود مي باشد.

در کارتوگرافی اسامی جغرافیایی از منظر کاربردی به دو گروه متمایز تقسیم میشوند: اگزونیم ها^۱ و آندونیم ها^۲.

اگزونیم ها آن دسته اسامی جغرافیایی را گویند که به زبان غیر رایج و غیربومی باشند. اسامی تگران (تهران) ، ایصفاگان (اصفهان) به زبان روسی اسامی اگزونیم هستند.

آندونیم ها آن دسته اسامی جغرافیایی را گویند که به زبان رسمی و یا زبان رایج در یک منطقه جغرافیایی قرار دارند. کلیه اسامی جغرافیایی موجود در جغرافیای سیاسی کشورمان آندونیم بشمار می آیند.

تاکنون در نشست های متعدد کمیته های "استانداردسازی و نام نگاری اسامی جغرافیایی" سازمان ملل متحد در مورد ایجاد رویه واحد برای تعریف و قانونمند کردن این دو مفهوم تلاشهای بسیاری انجام گرفته و تاکنون به نتیجه واحدی برای تعریف استاندارد و دقیق این دو واحد اسامی نشده اند.^۳ بطور کلی اگزونیم های اسامی جغرافیایی خارج از حیطه زبان رایج و آندونیم ها به اسامی جغرافیایی در جغرافیای زبان اطلاق میشود. لیکن از بعد حقوقی تفاوت میان زبان رایج و زبان رسمی تفاوت ایجاد میکند که میتواند مورد پذیرش گروهی قرار نگیرد. برای مثال کوه سبلان (اطلاق نام

^۱ . exonym

^۲ . endonym

^۳ . The great Toponymic Divide –Reflections on the definition and usage of endonyms and exonyms , Head office of Geodesy and Cartography, Warszawa, ۲۰۰۲ .

رسمی در زبان رسمی) با نام ساوالان (اطلاق نام غیر رسمی در زبان رایج محلی) دارای تفاوت است و براحتی نمیتوان مرز مشخصی برای این تعریف بیان کرد. از طرف دیگر نام تهران برای ما یک واحد اسم آندونیم میباشد زیرا به زبان رایجی و مورد قبول در آن نقطه مکانی میباشد، ولی روس ها همین شهر و نام را «تگران» مینامند. این اسم طبق آخرین تعریف کارشناسان سازمان ملل یک آگزونیم یا نام خارجی است زیرا به زبانی غیر رایج در آن منطقه جغرافیایی که اسم جغرافیایی در آنجا واقع شده است، میباشد. در کشورهایی که زبانهای رسمی متعدد دارند و اسامی جغرافیایی در مناطق رایج زبانهای متفاوت اشکال متعدد دارد موضوع ثبت اسامی برای کاربردهای بین المللی جای سؤال دارد. در ایران نیز از سال ۱۳۸۰ کمیته " نام نگاری و یکسان سازی اسامی جغرافیایی" اقدام به ثبت و یکسانسازی نگارش اسامی جغرافیایی کرده است. در این راستا با استفاده از الفبای لاتین بر مبنای «الفبای فونتیک بین المللی» دستور العمل خاصی جهت لاتین نویسی اسامی تهیه شده است. باید اذعان کرد که علیرغم تلاشهای بسیار گروه های کارشناسی ملی در سطح ملی و بین المللی هنوز سؤالات و مسائل بسیاری در رابطه با ثبت صحیح اسامی جغرافیایی وجود دارد. باید توجه کرد که ایران کشوری چند زبانه است و طبیعی است که اسامی جغرافیایی نیز در این میان نقش خود را دارند و ما با پدیده چنداسمه بودن عوارض جغرافیایی روبرو هستیم. تاکنون تنها راهی که مدنظر بوده است ثبت اسامی به زبان رسمی زبان فارسی میباشد. این موضوع راحتترین راه برای حل مشکل است لیکن دقیقترین

راه نمیباشد و در اینجا اسامی بسیاری که حاوی گذشته ، تاریخ و فرهنگ سایر اقوام در ایران میباشد مورد کم لطفی و گاه فراموشی تاریخی قرار میگیرند.

یکسانسازی و لاتین نویسی اسامی جغرافیایی ایران مورد توجه کارشناسان سایر کشورها نیز میباشد. به همین منظور "کمیته اسامی جغرافیایی" ایالات متحده اقدام به تدوین دستورالعملی در ۸۱ صفحه برای لاتین نویسی اسامی جغرافیایی ایران کرده است. در این دستورالعمل راهنمای خاصی برای لاتین نویسی اسامی کردی ، عربی ، بلوچی ، لری ، قشقایی ، ترکمنی و ترکی نیز در نظر گرفته شده است. در جدول ضمیمه این دستورالعمل جدول مقایسه ای لاتین نویسی اسامی جغرافیایی ایران در شش ستون حاوی راهنمای لاتین نویسی کمیته نام نگاری و یکسان سازی اسامی جغرافیایی ایران ، کمیته اسامی جغرافیایی امریکا، کمیته سازمان ملل و سایرین ارائه شده است.^۱

یکی دیگر از موضوعات مهم در ارتباط میان اسامی جغرافیایی و کارتوگرافی تدوین دستورالعمل درست برای ثبت لاتینی^۲ اسامی است. همانطوریکه میدانید در کشورهای مختلف جهان زبانهای متعدد رایج است که در سیستم نوشتاری خود از خطوط متعدد و بسیار متفاوت از یکدیگر

^۱ .United States Board on Geographiv Names-Foreign Names Committee-Grographiv Names Standardization Policy: Iran Version ۲ , ۳۱ , ۲۰۰۷. P.۷۶

^۲ . romanization

استفاده میکنند. اگرچه الفبای لاتینی در قرن بیستم مورد توجه ملل بسیاری قرار گرفت و کشورهای مانند ویتنام، اسلوواکی، ترکیه و س. علیرغم اینکه زبانهای بسیار متفاوت از یکدیگر را مورد استفاده قرار میدهند از الفبای لاتینی برای نوشتن استفاده میکنند. البته تنظیم این الفبا برای هر کدام از این زبانها لزوم استفاده از اشارات زبانی را اجتناب ناپذیر میکند. استفاده از الفبای لاتینی برای لاتین نویسی زبان فارسی از سالها قبل رایج بوده است. بیشتر در فرهنگهای جغرافیایی ازین الفبا استفاده شده است. لاتین نویسی اسامی جغرافیایی زبان فارسی مورد توجه دیگران نیز بوده است. کمیته اسامی جغرافیایی امریکا برای اولین بار در سال ۱۹۵۷ اقدام به تهیه جدول لاتینی نویسی برای زبان فارسی کرد.^۱ در سالهای اخیر "کمیته نام نگاری و یکسان سازی اسامی جغرافیایی" جدول لاتینی نویسی اسامی جغرافیایی ایران را تنظیم و به کمیته مربوطه در سازمان ملل متحد اعلام کرده است. علیرغم این امر هنوز هم در نگارش لاتین نویسی اسامی جغرافیایی خصوصا در اعلام خطوط و شوارع و راههای درون شهری و برون شهری از وحدت رویه برخوردار نیستیم.

ثبت اسامی بر روی نقشه های محلی یا ملی علاوه بر انتقال داده های مکانی بار انتقال داده های فرهنگی و تاریخی را نیز به دوش میکشد. در برخی موارد بار فرهنگی اسامی جغرافیایی بسیار فراتر از موقعیت مکانی آنهاست مانند

^۱. Romanization system for persian, BGN/PCGN. ۱۹۵۸

اسامي جغرافيايي ثبت شده براي سطح کره ماه و سطح مريخ که تصور مکاني ما در درجه دوم نسبت به مضمون آن اسم است. و يا هنگاميکه ما به نقشه اي نگاه مي کنيم و در روي آن به اسم شهر ؛ طهران؛ برمي خوريم بلافاصله متوجه ميشويم که نقشه ما قديمي است در صورتيکه اطلاعات مکاني آن ميتواند کاملاً دقيق و درست باشد. از طرف ديگر در روي بسياري از نقشه هاي قديمي نام جغرافيايي درست ثبت شده ، ليکن اطلاعات مکاني آن نادرست ميباشد مانند اسامي مندرج در ؛ صورت اقاليم؛ نقشه ضميمه در کتاب مسالك و ممالك اصطخري.

ثبت اسامي بر روي نقشه هاي فرامرزي نيز تاکنون بر اساس زبان رايج کشور مقصد انجام مي گرفته است و بدین جهت اسامي دچار اعراب شده و در اکثر موارد به صورتي که در کشور مبدا مورد استفاده هستند قيد نميشوند. مثلاً در روي نقشه مندرج در کتاب محمد خورشيد افندي؛ که در سال ۱۸۷۷ براي تعيين مرز ميان ايران و دولت عثماني (۱۸۴۸- ۱۸۵۲) به زبان روسي تهيه شده است به اسامي تاوريز (Tavriz) ، تخران (Tekherän) ، عراق عجمي (Irāqe ajami) ، عراق عربي (Irāqe arabi)، خامادان (Khāmādān)^۱ و ساير برمي خوريم که صرفاً براي اهالي روسيه آنزمان تهيه شده و از نظر صحيح نويسي اسامي

^۱. МЕХМЕД ХУРШИД, ОПИСАНИЕ ПУТЕШЕСТВИЯ ПО ТУРЕЦКО-ПЕРСИДСКОЙ ГРАНИЦЕ , СΙΑХЭТ-НАМЭ-И-ХУДУД.

مبانی توپونیمی

جغرافیایی در آن کاستی بسیار است. در نقشه های تهیه شده در هلند ، ایتالیا، فرانسه و عثمانی نیز این گونه مشکلات دیده میشوند.

به همین منظور کمیته " نام نگاری و یکسان سازی اسامی جغرافیایی " سازمان ملل تلاش بسیاری دارد تا در این مورد به بانک اطلاعاتی جامع و صحیحی از اسامی جغرافیایی نایل شود. البته باید اذعان داشت که در این بخش مسائل علمی با مسائل سیاسی درهم می آمیزند و معضل دیگری را برای ثبت اسامی ایجاد مینمایند. از طرف دیگر تغییر پی در پی مرزهای جغرافیایی و بوجود آمدن تشکیلات سیاسی جدید باعث تجدید نظر در اسامی میشوند. دولتها همیشه تلاش میکنند حاکمیت خود را بر اسامی جغرافیایی نیز تطبیق کنند و این امر باعث تغییرات متعدد در اسامی جغرافیایی میشوند.

منابع توپونیمی

در بحث پیرامون موضوع هر علم ، در وهله نخست به منابع اولیه آن نیز توجه می شود. منابع توپونیمی از قدیمی ترین دوران تمدن انسان ، با وی به وجود آمده و در کنار او تا به امروز به یادگار مانده اند. می توان ادعا نمود که انسان قبل از شکل گیری تمدن نیز با گونه ای از اسامی سروکار داشته است. در این مورد باید به مراحل اولیه شکل گیری زبان ها و خط ها توجه نمود^۱. در خطوط هیروگلیف و تصویری استفاده از علائم غیر فونتیک و صوتی برای بیان نام یک شهر ، گویای قدمت توپونیم ها و کاربرد آنها است . منابع توپونیمی شامل دسته های زیر است : نوشتاری ، شفاهی ، معاصر و همجوار.

۱- منابع نوشتاری

منابع نوشتاری^۲ از زمان پیدایش خط و ضبط حوادث و

^۱ برای اطلاعات بیشتر به این کتاب مراجعه کنید:

یوهانس فریدریش ، تاریخ خط های جهان ، ترجمه فیروز رفاهی ، انتشارات دنیا ، تهران ، ۱۳۶۸

^۲ . written sources

رویدادهای گذشته تا کنون موجود و دردسترس است. هنگام بررسی در مورد توپونیمی هر منطقه نه تنها باید از خطوط و نوشته های ظاهرا منسوخ غافل نماند ، بلکه حتی مراجعه و بررسی یادگارهای باستانی ملل همجوار نیز در گردآوری منابع توپونیمی باید مورد نظر قرار گیرد. به این فهرست ، می توان نوشته ها ، خطوط روی البسه ، اشیا ، سکه ها و مهرها را اضافه کرد.

یکی دیگر از منابع غنی نوشتاری برای بررسی توپونیمی آثار قدیم و کلاسیک مولفان باستان است. از منابع تاریخی یونان، رم، چین و هندوستان گرفته تا کتب مقدس آسمانی ، همه آثار قدیم و عهد باستان بدون در نظر گرفتن زبان آنها باید بررسی و تحقیق گردید. برای نمونه آثار غنی پلینی، استرابوی، هرودت منابع سرشاری در مورد توپونیمی ایران اند. کلیه کتب و سفرنامه های قرون میانه و معاصر، کلیه کتب تاریخی و تذکره ها و حتی دیوان اشعار و شفا نامه ها و کتب دینی، منابع عمده گردآوری و تدوین توپونیمی به شمار می روند.

آثار باستانی و اشکال هنری منقوش در آنها نیز از نظر فرهنگی و زبانی ، اطلاعات جنبی توپونیمی را فراهم می نمایند.

با توجه به جوان بودن علم توپونیمی ، در منابع کلاسیک ، آثاری که صرفا به بررسی توپونیمی پرداخته باشند به چشم

نمی خورد. به همین دلیل کلیه یادگارهای نوشتاری بشر را باید در بررسی توپونیمی مورد کنکاش قرار داد.

۲- منابع شفاهی

افسانه ها و داستان های شفاهی مردم در هر منطقه خالی از اسامی جغرافیایی نیست. اشعار عامیانه و انواع گوناگون آفرینش های شفاهی بخشی از منابع شفاهی^۱ توپونیمی به شمار می روند. حتی در داستان های اساطیری هر منطقه به اسامی فراوانی برمی خوریم که از نظر تحقیقات توپونیمی و علم توپونیمی نمی توان آنها را ندیده گرفت. چه بسیار رودها و مناطق مسکونی و جنگل ها که روزگاری در طبیعت جایی داشته اند و سپس از صحنه زندگی حذف شده اند و تنها نام آن ها در ادبیات فولکلوریک به صورت شفاهی مورد استفاده است یا در اطلاق به واحد دیگری محفوظ مانده اند. اسامی جغرافیایی نهفته در ادبیات شفاهی باید گردآوری و مورد تحقیق قرار گیرند.

۳- منابع معاصر

یکی از نابع عمده بررسی توپونیمی داده های مربوط به اسامی نقاط مسکونی است که منابع معاصر^۲ نام گرفته و برای بررسی های آماری گردآوری شده اند. از طرف دیگر نقشه های فراهم شده در یک یا چند منطقه را می توان برای بررسی توپونیمی مورد استفاده قرار داد. امروزه بر اثر زندگی شهرنشینی و گسترش آن، روستانشینی، که یکی از

^۱. Verbal sources

^۲. Contemporary sources

منابع غنی فرهنگی و توپونیمی هر ملت است رو به کاهش نهاده رفته رفته نام های متعدد بسیاری از روستاها و به همراه آن صدها اسم دیگر مربوط به محیط معیشتی و اطراف آنها در آمارهای جدید حذف می گردند. لذا در تحقیقات و گردآوری منابع توپونیمی باید به داده ها و آمارهای سال های گذشته نیز توجه نمود. در اینجا لازم است برخی از منابع در دسترس را ، که در بررسی های توپونیمی ایران قابل استناد و استفاده است و در تهیه این کتاب حاضر نیز بدان ها مراجعه شده است ذکر نماییم .

در مورد اسامی مناطق مسکونی و نقاط ایران تاکنون سه کتاب در خارج از ایران چاپ گردیده است .

۱- Gazetteer of Persia (فرهنگ آبادیهای پرشیا) که در سال ۱۹۱۲ در چهار جلد از سوی انگلیسی ها و بر اساس فهرست الفبایی گردآوری شده است .

۲- Gazetteer of Iran (فرهنگ آبادیهای ایران) که در یک جلد در سال ۱۹۶۰ اداره جغرافیایی وزارت کشور امریکا تهیه و چاپ نموده است. این اطلاعات در سال های اخیر بر روی نرم افزاری به نام GeoName در معرض فروش قرار گرفته است .

۳- "فرهنگ ترکان ایران" که در سال ۱۳۲۴ در ده مجلد پنهان، در خارج از کشور، گردآوری و چاپ کرده است .

سایر منابع مرتبط در ایران نشر یافته که در زیر نام آن ها ذکر شده است:

۱- "مرات البلدان ناصری" ، فرهنگی است که در عصر

قاجار به همت محمد حسن خان اعتماد السلطنه صنایع الدوله در سال ۱۲۹۴ گردآوری گردیده است.

۲- "اسامی دهات کشور" که اداره کل آمار و ثبت احوال وزارت کشور در سال ۱۳۲۳ گردآوری کرده است.

۳- "جغرافیا و اسامی دهات کشور" که اداره کل آمار و ثبت احوال وزارت کشور در سال ۱۳۲۹ گردآوری کرده است.

۴- "فرهنگ جغرافیایی ایران" که اداره جغرافیایی ارتش در سال های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ در ۱۰ جلد گردآوری کرده است.

۵- "فرهنگ آبادیهای کشور" که بر اساس سرشماری ادواری از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۵ مرکز آمار در مجلدات متعدد گردآوری کرده است.

۶- "فرهنگ اقتصادی دهات و مزارع" که جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۰ گردآوری کرده و به چاپ رسانده است.

۷- "فرهنگ اجتماعی دهات و مزارع کشور" که جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۰ گردآوری کرده است.

۸- "فرهنگ جغرافیایی آبادیهای کشور" که اداره جغرافیایی ارتش در ۱۲۰ جلد گردآوری کرده و بخشی از آن را به چاپ رسانده است.

۹- "فرهنگ آبادیهای ایران" تألیف دکتر لطف اله مفخم پایان که در سال ۱۳۳۹ گردآوری شده است.

۱۰- "فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور" که به همت دکتر محمدحسین پاپلی یزدی گردآوری شده و کاملترین فرهنگ در نوع خود است. این فرهنگ حاوی بیش از ۹۰ هزار نام جغرافیایی است.

۱۱- "فرهنگ رودهای ایران" تألیف دکتر لطف اله مفخم پایان که در سال ۱۳۵۲ گردآوری و چاپ شده است.

- ۱۲- "فرهنگ جغرافیایی کوههای ایران" که سرگرد ماشا اله زائری در اداره جغرافیایی ارتش در سال ۱۳۵۷ گردآوری و منتشر کرده است.
- ۱۳- "اسامی کوهها و کوهنامه ایران" که مهندس عباس جعفری گردآوری و در سال ۱۳۶۸ منتشر کرده است.
- ۱۴- "اسامی رودها و رودنامه ایران" که مهندس عباس جعفری گردآوری نموده و در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است.
- ۱۵- "فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان های ایران" که عبدالرفیع حقیقت رفیع گردآوری نموده و در سال ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است.
- ۱۶- "فرهنگ جغرافیایی روستاهای کشور" که سازمان نقشه برداری کشور در ۹ جلد گردآوری و چاپ کرده است. متأسفانه این کار سترگ در میانه راه متوقف و نیمه تمام مانده است.
- ۱۷- "فرهنگنامه تطبیقی نامهای قدیم و جدید مکانهای جغرافیایی" که به همت علیرضا چکنگی در سال ۱۳۷۸ تهیه شده است.
- ۱۸- "شناسنامه جغرافیایی طبیعی ایران" حاوی اسامی کوه ها، رودها و عوارض طبیعی کشورمان که مهندس عباس جعفری گردآوری کرده و در سال ۱۳۶۸ به چاپ رسیده است.
- ۱۹- "موقعیت شهرها و روستاهای ایران" که در سال ۱۳۵۹ به ضمیمه نقشه بزرگ ایران، موسسه گیتاشناسی چاپ کرده است.

۲۰- ضبط قرنб ۲۰۰۰۰ نام آبادی کشور که گویش های آنها بر روی نوار صوتي در طرحي به نام "فرهنگستان" با همکاری فرهنگستان زبان ایران و اداره جغرافیایی ارتش در سالهای ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۷ که هم اکنون در اختیار سازمان میراث فرهنگی کشور است.

یکی از مهمترین و عمده‌ترین روشهای گردآوری منابع توپونیمی تشکیل گروه های تحقیقاتي و آکادمیک و اعزام آنها به مناطق مختلف است. بخش اعظمي از اسامی جغرافیایی شامل اسامي میکروتوپونیم ها (اسامی جغرافیایی که در مجموعه اسامي بزرگتر وجود دارند) در منابع فوق دیده نمی شوند. نام برکه ها، واحدهای آبی کم اهمیت تر، راه های مالرو، بیشه های کوچک، تپه ها، محله ها، کوچه ها و سایر عوارض جغرافیایی کوچک تر در تدوین و گردآوری آمارها مورد توجه قرار نمی گیرند. لذا ضروري است که تیم های خاص آموزش دیده یا دانشجویان گروه های زبان و جغرافیا را با هدف گردآوری اسامي جغرافیایی به مناطق مختلف اعزام کرد. در این مورد نباید از نقش و وظیفه فرهنگستان کشور غافل شد.

این گروه ها باید طبق دستورالعمل مدون و استاندارد به گردآوری و ثبت نام ها اقدام کنند. باید تنوع زبانی سرزمین ما، ایران، مورد توجه واقع شود و هیچیک از این زبان ها و دستورالعمل های خاص آن ها از نظر نیفتند. در اینجا لازم است کارتهای ویژه ای برای ضبط داده ها فراهم شوند. در یک منطقه، حتی الامکان از چندین نفر راجع به نام های

مختلف پرس و جو به عمل آید. هر پرسشگر به جمع آوری بخش خاصی از داده ها موظف گردد. در صورتی که میسر باشد در هر منطقه، از پرسشگر هایی استفاده شود که به زبان آن محل تسلط داشته باشند. اسامی جغرافیایی بومی مانند لهجه های بومی دارای ویژگی های منطقه ای هستند و اگرچه تابع قانونمندیهای کلی زبانی میشوند، لیکن تنوعات بومی نیز نباید از نظر پنهان بماند. برای روشنتر شدن موضوع نمونه ای را صمد بهرنگی آذربایجان شناس و نویسنده شهیر در مقاله ای در باب ثبت اسامی روستاهای آذربایجان اشاره کرده است. وی مینویسد: "از آنجا که کارمندان اداره ثبت به زبان ترکی آشنایی نداشتند هنگام ثبت اسامی محلی، "ساری قیه" (Sārī Qaya) به معنای صخره زرد "آخما قیه" (Āxmā Qaya) به معنای صخره لرزان و اسم فوق را به صورت سارقیه (مکان نزدان) و احمقیه (محل نادانان) ثبت نموده اند و هنوز هم از این اسامی، در آمار رسمی و مکاتبات رسمی به این صورت استفاده می شود.^۱

تحریف اسامی و ضبط نادرست آنها به دو صورت انجام می شود: یکی به صورت ثبت اسم بر اساس شنیدار نادرست یا نفهمیدن مفهوم آن.

در جدول زیر تعدادی از تحریف و خطاهایی که در فوق اشاره شد را مشاهده می کنید.

تلفظ محلی توپونیم	شکل ثبت شده توپونیم
هجاوان (Hejävān)	خوچقان (Xoçqān)

^۱ صمد بهرنگی، مجموعه مقالات، انتشارات شمس، تبریز ۳۴۸، ص ۶۸.

مبانی توپونیمی

شجاع (Šojä)	سوجه (Süja)
انگشت دوان (Angošt davān)	انوس دوان (Unus dāvān)
چشمه کنان	چم چولان (Çamçulān)
شانجان	چنه وان (Çanavān)
یوسف آباد	اوس بابات (Usbābāt)
امیرزکریا	میرزه کره (Mirzakara)
کجاآباد	گوجی وار (Gujivar)

تخروف نوع دوم، ترجمه اسمي از زبان محلي به ساير زبان ها يا زبان رسمي کشور است. به مثالهاي زیر توجه نمایند:

تلفظ محلي توپونيم	شکل ثبت شده توپونيم
آغ کمر (Äğ kemer)	سفید کمر
قارا چمن (Qārāçıman)	سیاه چمن
یئدی ساندیق (Yeddi sândîq)	هفت صندوق

متأسفانه ترجمه هاي بالا نادرست هستند زیرا واژه «کمر» در اسم "آغ کمر" اشاره به طایفه «کیمر» دارد و مفهوم آن «طایفه کم جمعیت کیمر» است و در نام "یئدی ساندیق" معنای "ساندیق" یعنی گمان کردیم، میباشد و ارتباطی با صندوق ندارد..

در اینجا لازم است به تجربه اي عملی در مورد گردآوری و ثبت اسمی جغرافیایی در سازمان نقشه برداری کشور اشاره شود. هنگام تهیه نقشه، برای گویا نمودن عکسهای هوایی، تیم هاي زميني به مناطق مختلف اعزام مي شوند. از وظایف این گروه ها پرسش در مورد نام عوارض موجود بر روی

عکس هوایی و ثبت آن است. برای انجام این کار مهم در سالهای گذشته نه تنها از نشانه های فونتیک بین المللی برای ثبت تلفظ اسامی استفاده نمی شد، بلکه جدول تهیه شده برای این کار نیز ناقص و نارسا بود^۱. برای مثال در دستورالعمل گویا سازی عوارض که در سازمان نقشه برداری تهیه و مورد استفاده می باشد، آمده است: "بر نامگذاری عوارضی که دارای چند نام خاص هستند، نام متداول، در عکس قید گردد و نامهای دیگر در کارت اسامی درج شوند."^۲

در دستورالعمل فوق الذکر بهتر بود که به جای نام متداول، اسم رسمی ثبت گردد، تا از خطا پرهیز شود. از طرف دیگر نحوه ثبت اسامی از نظر املائی در مناطق غیرفارس زبان نادرست و چند گونه است. برای نمونه توجه شما را به چند مثال که از کارت اسامی بلوک های همدان، تبریز و اهر انتخاب شده جلب می نمایم. باید اذعان نمود که با توجه به اینکه گویا کردن عکسهای هوایی تبریز به شعبه آذربایجان شرقی (مرکز تبریز) سازمان نقشه برداری واگذار گردیده و شعبه مزبور نیز از نیروهای بومی سود جسته است خطای ناشی از ندانستن زبان محلی در کارت اسامی و اسامی جغرافیایی تبریز کمتر به چشم می خورد:

شکل ثبت شده	صورت صحیح
-------------	-----------

^۱. دستورالعمل طبقه بندی و نام نگاری عوارض در نقشه ها و پایگاه اطلاعات توپوگرافی ملی، نگارش ۱/۲ (با تجدید نظر کلی و تغییرات اساسی) سازمان نقشه برداری کشور، تهران ۱۳۷۷، ص. ۱۶-۱۷

^۲. همانجا، ص. ۱۱

کوه لوکوز باتاغي (Löküz yätägi)	کوه لوکز باتاقي
کمر داغي (Kimer dāgi)	کوه کمر داغي
قويولی يورد (Quyuli yurd)	قويولي يورد

۴- منابع همجوار

منظور از منابع همجوار^۱ کلیه اشکال توپونیمی است که بدانها اشاره شده و در کشورهای همسایه و همجوار نیز مورد استفاده قرار دارد. باید توجه نمود که در فرهنگ بسامد توپونیمی اسامی جغرافیایی موجود نه تنها در یک کشور، بلکه در منطقه جغرافیایی وسیعتر باید مد نظر قرار گیرد. بسیاری از اسامی جغرافیایی موجود در سرزمین فعلی ایران، محدود به مرزهای کنونی کشور ما نیست و در پهنه ای بسیار دورتر از فلات ایران گسترده اند. یکی از دلایل آن سلطه سیاسی و فرهنگی دولتهای ایران باستان و گستردگی قلمرو حکومت آنها است.

از امتیازات استفاده از منابع همجوار در بررسی توپونیمی یک کشور امکان اصلاح خطاهای موجود در ثبت و ضبط اسامی است. هم چنین بررسی تطبیقی توپونیمی یک منطقه با مناطق همجوار، ارتباطات فرهنگی و تاریخی گذشته آشکار می شود. در عین حال این بررسی به ردیابی مسیر مهاجرت طوایف و اقوام در ادوار گذشته کمک می کند.

در کشورهای همجوار ما نیز در این مورد کوشش های بسیاری شده است. برای مثال در ترکیه از قدیم الایام دفاتر

^۱. Neighbouring sources

مالیاتی و سیاهه روستاهایی که مالیات پرداخت نموده اند، موجود است. حتی در دوره کوتاه مدت تسلط عثمانیها بر بخشهایی از آذربایجان دفاتر مالیاتی تهیه شده است که برای بررسی اسامی جغرافیایی در آن دوره دارای اهمیت خاصی میباشد.^۱ مهمترین منبع در بررسی تطبیقی اسامی جغرافیایی ترکیه کتاب "مناطق اداری و اجرایی ترکیه: روستاها و شهرداری ها"^۲ است که وزارت کشور ترکیه در سال ۱۹۷۸ چاپ کرده است. همچنین می توان از کتاب "روستاهای ما" (Köylerimiz) نام برد که مدیریت کل اجرایی بخش های وزارت کشور ترکیه در سال ۱۹۸۲ چاپ کرده است.

یکی از کارهای قابل توجه در این مورد "فرهنگ اسامی نقاط و مناطق مسکونی" است که کمیسیون "اسامی نقاط ترکیه" در جنب فرهنگستان زبان ترکی (TDK) در سال ۱۹۹۵ منتشر کرده است. در مقدمه کتاب می خوانیم: "اسامی مناطق یکی از مهمترین صفحات تاریخ هر ملت است. ملت هایی که یک منطقه جغرافیایی را موطن خود می کنند، اسامی موطن اصلی خود را با خود همراه می برند و بر مناطق مسکونی جدید خود می گذارند. اگر این کار هم به نظرشان کافی نباشد از نام رنگ ها، گیاهان، حیوانات،

^۱ جهت اطلاعات بیشتر به سایت آرشیو اسناد دولتی (عثمانی) مراجعه کنید.

^۲ Türkiye Mülki İdare bölümleri Belediyeler-Köyler

اشخاص، طوایف، کنیه ها و غیره استفاده کرده برای آن مناطق شناسنامه خودی صادر می کنند.^۱

در نگاهی اجمالی به این نام ها، بسیاری از اسامی مشترک در سرزمین دو کشور به چشم می خورد.

در همسایه شمالی ایران، جمهوری آذربایجان، علاوه بر گردآوری اسامی مناطق مسکونی و توپونیمی محلی، تحقیقات علمی و نظری قابل توجهی انجام گرفته است. در این جمهوری کوچک، نه تنها به توپونیمی به حد کافی توجه شده، بلکه توپونیمی به عنوان یک موضوع مستقل در مدارج عالی و دانشگاه های آن دیار تدریس می شود که جای غبطه دارد. در ادبیات توپونیمی این کشور بررسی توپونیم های ایران نیز جایگاه خود را یافته است. برای مثال در کتاب جامع و علمی جغرافیدان و زبانشناس مشهور آکادمیسین بوداغ بوداغوف به نام "اسامی مناطق مسکونی ترکان" (Türk uluslarının yer adları) نه تنها مکرر به توپونیم های ایران اشاره شده، بلکه در بخشی مستقل به نام "توپونیم های ترکی ایران"^۲ (İranın türk toponimleri) در ۲۰ صفحه توپونیم های شمالغرب ایران مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین در کتاب "مسائل فیلولوژی زبان آذربایجانی" (Azərbaycan dilinin filologiya əsasları) ضمن معرفی آثار سید احمد کسروی و تلاش های وی در بررسی توپونیمی

^۱. Prof.Dr.Tüuncer Gulemsoy, Türkçe yer adları kılavuzu, TDK Yayınları : ۶۱۸, Ankara ۱۹۹۵, s.۹

^۲. Budaqov B.A., Türk uluslarının yer adları, Bakı, Elm, ۱۹۹۴, s.۱۷۵

ایران، به تحلیل و نقد کارهای وی پرداخته اند. در خبرنامه آکادمی علوم آذربایجان مربوط به زبان، ادبیات و هنر در مقاله ای تحقیقی توپونیم های منطقه تالش نشین آن جمهوری بررسی شده است. در این مقاله نام های آشنایی از توپونیم های ایران مانند بیلاور (Bilavar)، قلعه بین (Qalabin)، برزوبند (Barzuband)، سگ دشت، نودژ (Nodez)، سیل کران (Seyl karan)، لنکران (Lankarān)، آستارا (āstārā)، باباکوچه (Bābakuçe)، روارود (Ravārud)، سیاتیک (Siyātuk)، تنگه رود و غیره دیده می شود.^۱ همچنین در اثر تحقیقی بسیار ارزشمند غیاث الدین غیب اله یف، در مورد توپونیمی جمهوری آذربایجان هنگام بحث در مورد زبان توپونیمهای امروزی جمهوری آذربایجان به زبان های ایرانی نیز اشاره شده و توپونیم هایی که منشاء آنها از زبان فارسی و غیره است، مورد بررسی قرار گرفته است. این محقق در بخش دوم کار خود تحت عنوان "توپونیم های ایرانی" (Iran toponimləri) موضوعات "توپونیم های کهن"، اصطلاحات و واژه های جغرافیایی فارسی تشکیل دهنده توپونیم های آذربایجان" و "توپونیم های تاتی، تالشی و کردی" را بررسی کرده است.^۲ وی ضمن تحلیل پالئوتوپونیم های ایرانی که در منابع یونانی و رومی ذکر شده، از واژه منسوخ جغرافیایی "وارا" به معنای قلعه

^۱. Qeybulayev Q.E., *Astara zonasının toponimiyasında Talış dilli coğrafi terminlər haqqında*, ĀDI xəbərləri, AEA, ۱۹۸۴, #۳, s. ۸۳-۸۸

^۲. Qeybullayev Q.E., *Azərbaycan toponimikası*, Bakı, Elm, ۱۹۸۶, s. ۹۵-۱۱۴

مبانی توپونیمی

صحبت می کند و اسامی واراوان (Värāvān)، وارا دیز (Värādz) را از میان اسامی امروزی شاهد می آورد. به نظر وی در توپونیم های "گردمان" (Girdmān)، "داناگرت" (Dänāgert) و "سوگارت" (Sulgärt) کلمه های "گرد"، "گرت"، "گارت" نیز همه از یک ریشه و مشتق از واژه کهن "گرت" به معنای قلعه است.^۱ وی به واژه های "بار" به معنای ساحل و "بش" (بیش) و "دنه" (Dahne) در اسامی آذربایجان نیز اشاره می کند.

در دیگر همسایه شمالی، جمهوری ترکمنستان، علاوه بر گردآوری اسامی جغرافیایی، در زمینه تحقیقات توپونیمی نیز کارهایی صورت گرفته است. از جمله این کارها "فرهنگ توصیفی اسامی جغرافیایی ترکمنستان" (Türkmenistanın geografik atlarının dundirişli sözlüğü) سال ۱۹۸۰ و "زبان زمین" (Yerin dili) سال ۱۹۷۱ و "فرهنگ توپونیمی ترکمنستان" (Türkmenistanın toponimik sözlüğü) سال ۱۹۷۰ است. همه این تحقیقات به همت زبانشناس نامدار ترکمنستان آتانازوف انتشار یافته است.^۲ وی توپونیم های ترکمنستان را به چهار گروه زبانی شامل ترکی (کلیه شاخه های آن)، فارسی، عربی و روسی تقسیم می کند.

^۱. Qeybullayev, *orada*, s. ۱۰۳

^۲. Ataniyazov G., *K vapprosu izucheniya turkmenskoy toponimi, Toponimi tədqiqatların tarixi*, AEA əsərləri, Bakı, Elm, ۱۹۹۲, # ۲۳, s. ۹۲-۹۶

در جمهوری ارمنستان نیز کار گردآوری نام ها و بررسی توپونیم های آن منطقه قدمت قابل توجهی دارد. زبانشناس و توپونیم‌پست معروف ارمنی در مورد اسامی جغرافیایی ارمنستان این طور می نویسد: "توپونیم های ارمنستان به لحاظ منشأ خود به انواع هیتی، هوری، اورارتی، سکایی، ارمنی، فارسی، ترکی، بزرانسی و غیره تقسیم می شود".^۱ از منابع غنی و مهم توپونیمی ارمنستان می توان کتاب "جغرافیای ارمنستان در قرن هفتم میلادی"^۲ را نام برد که در سال ۱۸۷۷ در تفلیس چاپ شده است. همچنین مجموعه بسیار غنی "سالنامه قفقاز"^۳ است که در سال ۱۹۰۸ گردآوری و چاپ شده است. در این کتاب علاوه بر اسامی توپونیمی قفقاز، به نام هایی برمی خوریم که در اثر اهداف سیاسی تحریف شده و جای آنها را اسامی دیگری گرفته است. در زیر پاره ای از توپونیم های تغییر یافته و شکل اولیه آنها برای اطلاع خوانندگان آمده است :

نام اولیه	نام فعلی
بایندور (Bäyändur)	باگاتور (Bägätur)
اردکلی (Ördakli)	لچاشن (Leçäšen)
سامور (Sämur)	ساراپات (Säräpät)
ینی کند (Yeni kand)	قوروان (Qurävän)
ارمودلو (Armudlu)	تاندزوت (Tändzut)
توپراق قلعه (Torpäq qala)	خنابرت (Xenäbert)

^۱. Ensiklopediya Armeyanskoi Imen, N., M., ۱۹۶۸

^۲. Armyanskaya geografiya sidemoy veka

^۳. Kavkazkoy kalendar

استپانکرت (Stepänäkert)	خانکندی (Xän kandi)
یروان (Yerevān)	سعد چخور (Sadçuxur)
یکه قونت (Yekequnt)	ملا بدل (Mollä Badal)
مگراشن (Megrashen)	قازانچی (Qäzänçi)
پاراگار (Pärägär)	شیرآباد (Širäbäd)
نورآگارس (Nurägärs)	شهریار (Šahriyär)
آرگواند (Ärgävänd)	اوزون اوبا (Uzun obä)
آپاغا (Äpägä)	ترکمنلی (Türkamanli)
آیقوان (Äyqävān)	ریحانلی (Reyhänli)
وارداشن (Värdäšen)	محرابلی (Mehrabli)
بامباکاشت (Bämbäkäšt)	ملا بایزید (Mollä Bāyazid)
آیقه شات (Äyqeäšt)	قورد بلاغ (Qurd buläg)

در میان اسامی جغرافیایی معاصر جمهوری ارمنستان، اسامی بسیاری هستند که در میان توپونیم های معاصر ایران رایج هستند مانند مغان (Moğän)، ملا قشلاق (Mollä Qešläq)، پیرلی (Pirli)، رانجبر (Ränjbar)، سنگر (Sangar)، خلیج (Xalaj)، حیدردلی (Heydarli)، شفق، شیرازلی، شاه نظر، شورآباد، چنار، پولاد، چیچکلی (Çiçakli)، سلاح، صابونچی، گرگر (Gargar)، گلستان، افشار، قازانچی (Qäzänçi)، قارامان (Qärämān)، بایندور (Bäyändur)، آلاگوز (Älägöz) و سایر.^۱

در سالهای اخیر و بعد از جنگ جهانی دوم سیاست دولت ارمنستان در ارمنی کردن اسامی جغرافیایی رنگ افراطی

^۱. Mirmahmudova Sitarä, *Ermänistanda türk mänäali yer adları*, Bakı, Yazıcı, ۱۹۹۰, s. ۴-۲۸

گرفته و آنها کلیه اسامی جغرافیایی غیر ارمنی زبان را یا از طریق ترجمه و یا مشابه سازی تغییر داده اند. فرهنگ اسامی جغرافیایی تغییر یافته در ارمنستان اخیر در ۴۵۲ صفحه توسط آکادمیسین بوداغ بوداغ اوف در شهر باکو منتشر شده است.^۱

یکی از مهمترین منابع قدیمی در مورد توپونیمی قفقاز، کتاب "راهنمای الفبایی نقشه پنج ورستی قفقاز"^۲ چاپ شعبه توپوگرافی نظامی روسیه است که در اواخر قرن گذشته (سال ۱۹۱۳) دیاگیریف بنا به سفارش انجمن سلطنتی جغرافیا گردآوری کرده است. محققان مختلف، ضمن بررسی این مجموعه و گردآوری جداول گوناگون حاوی اسامی جغرافیایی، تحقیقات بسیاری را از نظر موضوعات محلی و منطقه ای انجام داده اند.

در کشور افغانستان نیز منابع قابل توجهی از نظر بررسی اسامی جغرافیایی در دسترس است که مهمترین آنها عبارتند از "اطلس قریه های افغانستان" ۱۳۵۳ و "قاموس جغرافیایی افغانستان" که در چهار جلد گردآوری گردیده است.

این منابع و نقشه های در دسترس در تحقیقات تطبیقی اهمیت بسیاری دارند.

^۱. Budaq Budaqov, Qiyaseddin Qeybolloyev, Ermənistanda Azərbaycan mənşəli toponimlərin izahli lüğəti, Bakı, ۱۹۹۸

^۲. Alfavitni ukazatel k pitversnoy karte Kavkazkavo kraya

روش بررسی و اصول توپونیمی

هر شاخه علم، اصول و روش تحقیق خاص خود را دارد که رعایت آن اصول و روش ها ضروري است.

روش هاي تحقيق توپونيمي به دليل ويژگي، داراي خصوصيات متمایزي مختص توپونيمي است که با سایر شاخه هاي علمي تفاوت دارد. توپونيمي هر منطقه مجموعه اي از اسامي است که داراي تعلقات زباني مختلف بوده از قانونمندی های خاص خود (علاوه بر قانونمندی های کلی توپونيمي) پيروي می کند. در مجموعه توپونيمي سرزمین ایران، تاثیر بیش از ۲۰ زبان را مي توان مشاهده کرد. لذا هنگام بررسی مواد توپونيمي قانونمندی هاي اين زبان ها بايد مد نظر قرار گیرد. در عين حال نبايد فراموش کرد که برخي از اسامي جغرافيايي پيشينه چندین هزار ساله دارند که به دوران قبل از اختراع خط برمي گردد. يکي از پيچيدگي هاي روش بررسی توپونيمي، دقيق نبودن يا مبهم بودن برخي اسامي است. ضبط نام ها نه از زبان گویندگان اصلي آن بلکه به نقل و با واسطه بوده، در اين نقل و وساطت تلفظ آن ها دچار تحولات گردیده است. متاسفانه بیشتر کتيبه هاي موجود

باستانی به زبان های اکدی و عیلامی و آسوری بوده و اسامی مطرح در آن ها معرب شده اند و صورت اصلی اسامی با توجه به اینکه به زبان دیگری تعلق داشته اند، بسیار تغییر کرده است. با توجه به این شرایط، در تحقیقات توپونیمی باید قبل از هر چیز از روش های زبان شناسی، جغرافیا و تاریخ سود برد.

زبان شناسان روش های متعددی را برای تحقیقات توپونیمی ارائه نموده اند. به نظر زبان شناس شهیر مورزایف: "هرگاه زبان شناس قصد داشته باشد به طور پویا و قانونمند در زمینه توپونیمی بررسی نماید باید به علم تاریخ و جغرافیا اشراف داشته باشد و تاریخ شناس باید زبان شناسی بداند و عالم جغرافیا برای رسیدن به نتیجه بهتر، باید زبان شناس و تاریخ شناس نیز باشد و لزوماً به شیوه های بررسی رشته های مربوط واقف باشد."^۱

یکی از زبان شناسان معاصر روس، روش های بررسی توپونیمی را به این شکل خلاصه و دست بندی کرده است: "روش تحلیل زبان شناسی، روش آماری، روش جغرافیایی، روش کارتوگرافی و روش تطبیقی-تاریخی."^۲

توپونیمی به عنوان پدیده تاریخی-جغرافیایی با تحولات اجتماعی مرتبط است. هنگام بررسی توپونیمی باید از روشهای تطبیقی علم تاریخ بهره جست. هرگونه کم توجهی

^۱. Murzayev E.M., *Ocherki toponimiki*, Moskva, ۱۹۷۴, s. ۱۷

^۲. Zhuchkevich V.A., *Obshaya toponimika*, Minsk, ۱۹۸۰, s. ۱۰۷

به بررسی تطبیقی-تاریخی ممکن است در توجیه مفهوم و معنای توپونیمی سر درگمی ایجاد نماید. بهتر است در این مورد به یک مثال روشن توجه نماییم. در برخی از کتب تاریخی و جغرافیایی در مورد شهر تبریز به واقعه بیمار شدن زبیده خاتون همسر هارون الرشید اشاره شده و ذکر گردیده است که چون وی در سال ۱۶۵ هجری تب نمود به محل فعلی شهر تبریز رفت و بیماریش شفا یافت و لذا در آنجا شهری بنا نهاد و نام آن شهر را "تب ریز" نهاد. احمدکسروی تبریز را یکی از شهرهای قدیمی جهان یاد می کند و حتی تاریخ ساختمان آنرا قبل از آمدن آریایی ها به ایران می داند.^۱ در بررسی تطبیقی متوجه می گردیم در دوران بسیار قدیمتر شهر تبریز را به عناوینی مثل آماتا (Ämätä)، تاور (Täuri)، تارماکیس (Tärmäkis)، تاواکیس (Täväkis)، تاوریز (Tävriz)، تاوریز (Tävris)، تاورش (Tävresš)، توریز (Toriz)، توریس (Toris)، دبریز (Dabriz) ضبط کرده اند.^۲

در تواریخ آمده است که بخشی از اهالی تبریز که در زمان حمله تیمور، به دستور توختامیش سردار وی، به سیبری تبعید شدند محل مسکونی جدید خود را در دل سیبری، "تربیس" (Tarbis- تربیز یا تربیس نام بومی شهر تبریز است) نام نهادند که اکنون منطقه ای به همین نام بر نقشه ها نقش بسته است. جالب، آن که خود اهالی شهر این نام را به

^۱. منصور خالو، تبریز قدیم از کهنترین ایام تاکنون، انتشارات تلاش، تبریز، ۱۳۶۴، ص. ۱۹-۴۹

^۲. فرهنگنامه تطبیقی نامهای جدید و قدیم، ص. ۱۸۳-۱۸۴

زبان خود "تربیز" می نامند. به نظر برخی از زبان شناسان نام تربیز از کلمه تریش و ترپس (tarpašmak - در زبان ترکی به معنای تکان خوردن و جا به جا شدن) گرفته شده و نشاندهنده زلزله خیز بودن آن منطقه است.^۱

از طرف دیگر در ضبط رسمی اسامی جغرافیایی ایران کلیه کلمه هایی که در مناطق ترک‌زبان دارای پسوند "- اوبا" و "ابه" به معنای خانمان بوده اند، به صورت "آباد" درآمده است و تنها مقایسه تطبیقی تلفظ محلی نشان می دهد که صورت اصلی توپونیم چگونه بوده است. کسروی مینویسد: "در نزدیکی تهران دیهی "خوراوا" نام داشته که در دفترهای مالیاتی کنه آنرا "خورآباد" ساخته اند و اکنون "خیرآباد" می نویسند. در ایران شاید آبادی به نام مهرآباد ۳۰ جا بیشتر باشد، آنچه ما دانسته ایم همه آنها مهر اوا (اوبا م.) بود که در هر کدام جایگاهی برای پرستش مهر برپا بوده است، سپس همه را به تحروف "مهرآباد" خوانده اند.^۲

در میان توپونیمی سرزمین ایران، نام های متعددی وجود دارد که برگرفته از اسامی حیوانات، نام طوایف، اسامی گیاهان و اسامی خاص اشخاص است. به همین جهت توپونیمی کل ایران منابع غنی بررسی انوماستیک و نام‌شناسی در زبان‌شناسی ایران به شمار می رود. تطبیق

^۱ E.Əzizov, Azərbaycan dilinin tarixi dialektologiyası, Bakı, ۲۰۰۰, s. ۵۴

^۲ یحی ذکاء، کاروند کسروی، انتشارات فرانکلین، تهران، ۱۳۵۲، ص. ۴۴۲

روش های بررسی انوماستیک در توپونیمی مناطق ایران نیز نتایج ثمربخشی در پی دارد.

هرگاه به توپونیمهای ایران توجه شود، جایگاه خاص آنتروپونیم^۱ (اسامی جغرافیایی که از اسم خاص به وجود آمده اند) به چشم می خورد. در هر صورت، قانونمندی حاکم بر واژه ها و ترکیب واژه ها را در توپونیمها نیز می توان مشاهده کرد. توپونیمها ممکن است از یک واژه یا ترکیبی از چند واژه باشند.

در زبان شناسی معاصر برای بررسی توپونیمی و اسامی جغرافیایی، در وهله نخست به گردآوری آماری از طریق منابع در دسترس با ارسال گروه های تحقیقی و گردآوری اسامی پردازند و بر روی فیش های کوچک^۲، نام رسمی، تلفظ واژه در محل، و ضبط اشکال مختلف در منابع قدیم را ثبت می کنند. آنگاه با استفاده از روشهای آماری و کمی به دسته بندی دستوری، معنایی و اتیمولوژیک آنها می پردازند. روشن است که در انجام این کارها استفاده از روش های تطبیقی نتایج صحیحتر و علمی تری را ارائه می نماید.

علاوه بر روشهای یاد شده، بررسی اسامی جغرافیایی به دو طریق در زمانی^۳ و همزمانی^۴ نیز شدنی است. در روش در زمانی سیر تحولات اسامی جغرافیایی طی مدت زمان

^۱. Anthroponyms

^۲. Names card

^۳. diachronic

^۴. synchronic

طولانی مورد کنکاش قرار می گیرد، در حالیکه در روش سینکرونیک مجموعه توپونیمی یک کشور یا منطقه در زمان حال بررسی می شود. روش سینکرونیک یا همزمانی را روش افقی و روش درزمانی یا دیاکرونیک را روش عمودی یا پله ای نیز می نامند. در روش افقی علاوه بر جمع آوری اطلاعات آماری، اتیمولوژی^۱ (مفهوم واژه)، بسامد^۲ (دفعات مورد استفاده) و پراکندگی توپونیم^۳ (حیطه جغرافیایی نام) نیز مد نظر قرار می گیرد. بر اساس نتایج حاصل از بررسی های افقی، می توان بانک های اطلاعاتی، اطلس های زبانشناسی^۴ و نقشه های خاص طراحی و تهیه نمود. روش عمودی (درزمانی) پیوستگی بیشتری با باستان شناسی و تاریخ دارد، در حالیکه روش افقی (همزمانی) با جغرافیا و جامعه شناسی مرتبط است.

^۱. etymolog-

^۲. frequency

^۳. geographic areal

^۴. linguistic Atlas

شاخه های اصلی توپونیمی

توپونیمی شاخه علمی جدیدی است که از اوایل قرن بیستم اصول علمی و عملی آن مورد توجه قرار گرفته و مبانی نظری آن در حال تکمیل شدن است. به همین جهت تقسیم بندی های متفاوتی از نظر نوع مورد جغرافیایی و شکل ظاهری آن مطرح شده است.

زبان‌شناسان تقسیم بندی های متفاوتی را پیشنهاد کرده اند. بر اساس نظریات آنان توپونیمی به دو مورد کلی آبی و خاکی تقسیم شده است و با توجه به این که توپونیم موجود در آب باشد یا در خشکی، آن را به دو نوع تقسیم می کنند.^۱ ولادیمیر نیکونوف معتقد است که توپونیمی به چهار گروه تقسیم می شود که عبارتند از:

- ۱. اویکونیم ها (اسامی مناطق مسکونی) ،
- ۲. هیدرونیم ها (اسامی موردهای آبی) ،
- ۳. اورونیم ها (اسامی پستی و بلندی ها)،

^۱. Qurbanov Afət , *Umumui dilçilik* , Bakı, ۱۹۷۷

میکروتوپونیم ها (اسامی جغرافیایی کوچک مقیاس).^۱

به هر صورت در توپونیمی تقسیم بندی های متفاوتی از طرف زبانشناسان بر اساس نوع ، حجم و غیره انجام گرفته است .

بهترین تقسیم بندی در رسیدن از حالت کل به جزء است یعنی در وهله نخست، توپونیم ها به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- ماکروتوپونیم ها^۲ (اسامی جغرافیایی بزرگ منظر یا حجیم) و ۲- میکروتوپونیم ها^۳ (اسامی جغرافیایی کوچک منظر که در درون موردهای بزرگ منظر یا حجیم قرار گرفته است).

علاوه بر تقسیم بندی کلی فوق توپونیمی بر اساس نوع از سه بخش تشکیل می گردد که عبارتند از:

اویکونیم ها^۴ (یعنی اسامی مناطق مسکونی) ؛ هیدرونیم ها^۵ (یعنی اسامی موردهای آبی) ؛ اورونیم ها^۶ (یعنی اسامی پستی و بلندی ها). هر کدام از این موارد ، خود شامل نوع ماکرو و میکرو است .

لازم است ذکر شود که تمام اشکال فوق از قانونمندی های واحدی پیروی می کنند .

^۱. Nikonov V.A., *Vvedeniye v toponimiki* , Moskva, ۱۹۶۷

^۲. macrotoponyms

^۳. microtoponyms

^۴. oykonims

^۵. hydronyms

^۶. uronyms

اویکونیم ها ، هیدرونیم ها و اورونیم ها هر کدام اصطلاحات (ترمینولوژی) مخصوص به خود را دارند. برای مثال در آبنام ها (هیدروتوپونیم ها) کلماتی مانند "رود" ، "آب" ، "کهریز" ، "چشمه" ، "سو" ، "بلاغ" و غیره بیشتر استفاده می شود. و کلماتی مانند "کوه" ، "دره" ، "تپه" ، "جنگل" ، "داغ" ، "داش" و غیره در نامگذاری اورونیم ها رایجتر است. البته بسیار دیده می شود که نام هایی دارای کلمات فوق، در نامگذاری مناطق مسکونی نیز مورد استفاده قرار گیرد. کلماتی مثل "رشت" ، "کوه" و "دره" (۷۰ مثال موجود است) ، "تپه" ، "آباد" ، "ستان" که می توان خاص اویکونیم ها و اورونیم ها دانست، در نامگذاری هیدرونیم ها کمتر به کار می روند.

در بررسی ۲۹۸۰ نام رودخانه از کتاب "رودها و رودنامه ایران"، نام رودهای زیر که در آنها از واژه های مختص به سایرگروه ها استفاده شده، را می توان به عنوان استثنا ذکر کرد : آجی دره (Äji dara)، آستان ، آرموت ارگیل (Armut argil)، اوزون دره (Uzun dara) ، گویجه قیه (Göyje qaya) ، ایلان دره (İlandara)، باکوه ، باهو کلات (Bähukalät) ، بش دره ، تاش بلاغ (Taš bulağ)، تقی آباد ، تنگل شهرک ، تنگل قلعه جوق ، توکوه ، جاری دره ، چاه سنگ ، چاه کند ، چای قره تپه (Çäy qara tapa) ، چم اوزان (Çam uzän) ، چم آغ دره (Çam Ağ dara) ، چم بزه دره ، چم قره قیه ، چم کوره قلعه، چم میره ده ، حسین آباد ، خرم آباد ، خوش دره ، خولین دره، خیرآباد، دره آبداری، دره آب زیر، دره آب کندي (Dara äb kandi)، دره آجم ، دره آبدوان ، دو دره گزنان، دو

ده ، ده شیخ ، ده رود خانم ، راست دره ، رحمت آباد ، رودبار چهار ده ، زی دره سو (Zi dara su) ، سالار دره ، سبزوکه ، سپید دره ، سرچنگل ، سرچال ، سرخ آباد ، سرخه حصار ، سره خاتون ، سفید باغ ، سفید دره ، سه سنگ ، سیاه کوه ، سیف آباد ، شاه بابک ، شاه بهرام ، شاهپور ، شاهکوه ، شاه معلم ، شتران ، شترکش ، شردره ، شریفی ، شصت دره ، شصت کلا ، شکستان ، شکرده ، شوردره ، شهرچای ، شهرستانک ، شهرک ، شهرنو ، عسلشاه ، علی آباد ، علی ظهوران ، عشایر بیلاقی ، قادر آباد ، قره آغاج (Qara ağaj) ، قره دره ، علی زان ، قره قوش (Qāra quš) ، قره قیه (Qara qaya) ، قشلاق ، قلعه بید ، قلعه پدا ، قلعه سیستان ، قلعه دنه ، قلعه وای ، قلعه موئی ، قلعه زرد ، کاج ، کارده ، کاستان ، کاکا رضا ، کاکلستان ، کال آبکوه ، کال پشت کوه ، کال پوستین دوز ، کبوتر دره ، کرکل دره ، کلاک دره ، کند حصار ، کورده ، کولر د ، کوه پست ، گاو ، گرده بیشه ، گل آباد ، لارستان ، مشهد محمد ، می دره ، میانکوه ، میر سعیدی ، ناصرآباد ، نوقون دره (Noqun dare) ، هلی دره سی (Heli darası).

در مورد اسامی پستی و بلندی ها یا اورونیم ها نیز وضع به همین منوال است. یعنی در بین اسامی کوه ها ، تپه ها ، دره ها ، صحرا و بیابان ها نام هایی وجود دارد که بخشی از آن ها کلمه "کوه" ، "دره" ، "تپه" ، "تل" ، "چال" ، "داغ" ، "داش" ، و غیره است. در صورتیکه استفاده از واژه های "رود" ، "نهر" ، "چشمه" ، "کهریز" ، "سو" ، "بلاغ" (bulag) نادر است. برای مثال، ضمن بررسی کتاب "اسامی

کوه ها و کوهنامه ایران" به نتایج جالبی رسیدیم. در این کتاب بیش از ۶۵۰۰ کوه نام برده شده که تعداد ۲۵۸ مورد همراه با کلمه "کوه" و تعداد ۲۳۷ نام همراه با کلمه "داغ" (به زبان ترکی به معنای کوه) است.

اسامی زیر نیز حالت استثنا را دارد: آب انار، آبشار، آب نهر ، آب داغی (Äb dāğı) ، آبریز ، آرموت (Armut)، اوج بلاغ (Üç bulağ)، اوزون بلاغ (Uzun bulağ)، اینجه سو (Inca su) ، بارک آب، بش بلاغ (Beş bulağ) ، بنارود ، چشمه خونی، چشمه (۴مورد) ، چشمه زردآب ، چشمه پادشاه، چشمه ماهی، چشمه آهو، چشمه آراز ، چشمه اسب ، چشمه بقل ، چشمه چاد ، چشمه خیر ، چشمه دراز، چشمه دره ، چشمه دزدی ، چشمه ریزک، چشمه زاغ ، چشمه ساریته، چشمه سبزی ، چشمه سفید (۲مورد) ، چشمه سنجید ، چشمه شیرین، چشمه ضربی، چشمه کره ، چشمه کنار ، چشمه کوره ، چشمه گرگ، چشمه محمد ، چشمه میلن ، چشمه نعمت ، چشمه نول ، چشمه نی، چهار چالاب، چهل چشمه ، خرساب ، داش بلاغ (Däş bulağ)، دبرسو (Dabar su)، دهنه سنگاب ، زرین چشمه، زلابه ، زیرآب ، سفید چشمه ، سی چشمه، شور بلاغ (Şor bulağ) ، شور شیرین، شینا اولوسو داغ (Şitā ulusu dāğ)، علی بلاغی (Âli bulağ)، فولاد چشمه ، قرخ بلاغ (Qîrx bulağ) ، قره بلاغ (Qara bulağ) ، قلعه روآب کوه، کاریز، کاجرود ، کمرآب ، کمربالا آب، کورا بلاغ (Kora bulağ)، گل بلاغ (Gül bulağ)، گندآب (۳مورد)، گورآب (Güräb)، لم بلاغ (Lam bulağ)، ماراب

(۲مورد)، مهرباب، میسوراب، هفت چشمه (۲مورد)، یان بلاغ (Yän buläğ)، یخاب، یدی بلاغ (Yeddi buläğ).

ماکروتوپونیم ها اسامي جغرافیایی هستند که از نظر حجم از دو یا چند بخش میکروتوپونیم تشکیل یافته اند. برای نمونه اسامي شهرها را در نظر بگیریم که در دل خود حاوی اسامي خیابان ها، محلات، منابع آبی و مناطق مسکونی کوچکتراند. موضوع اصلی ماکروتوپونیمی بررسی، گردآوری و تحلیل اسامي جغرافیایی حجیم است.

میکروتوپونیمی همانطور که از نامش پیداست به بحث درباره موارد کوچک اکتفا می کند. اسامي جویبارها، قنات ها، واهه ها، کاروانسراها و سایر مواردی که جزئی و کوچک به نظر می آیند و در داخل ماکروتوپونیم ها قرار دارند موضوع عمده میکروتوپونیمی هستند.

یک روستا ممکن است علاوه بر نام خود دارای نام محله، مناطق مسکونی، مناطق معیشتی و کاری، جویبارها و مزارع باشد. همچنین یک رودخانه ممکن است علاوه بر نام اصلی خود، در مناطق گوناگون، به دلایل مختلف جغرافیایی و تاریخی اسامي دیگری داشته باشد. یک کوه نیز ممکن است علاوه بر نام خود حاوی نام گذرگاه ها، دره ها، پستی و بلندی های کوچکترس و حتی غارها باشد.

بدون ترتیب شاخه های اصلی توپونیمی را می توان به صورت زیر تقسیم نمود:

ماکرواوایکونیم ها (Macrooynonyms)
ماکروهیدرونیم ها (Macrohydronyms)
ماکرواورونیم ها (Macrouronyms)
میکرواوایکونیم ها (Microoynonyms)
میکروهیدرونیم ها (Microhydronyms)
میکرواورونیم ها (Microuronyms)

از طرف دیگر این گونه اسامی از نظر کاربرد واژه های خاص یک گروه توپونیم در سایر دسته ها ، به صورت زیر تقسیم می شود :

هیدرواوایکونیم ها (Hydrooynonyms)
هیدرواورونیم ها (Hydrouronyms)
اویکوهیدرونیم ها (Oyko hydronyms)
اویکواورونیم ها (Oykouronyms)
اوروهیدرونیم ها (Urohydronyms)
اوروایکونیم ها (Urooynonyms)

۱- هیدرواوایکونیم ها - نام هایی که خاص مناطق مسکونی اند و قسمتی یا کل نام آن از هیدرونیم (Hydronym) گرفته شده اند. مثل: آب بخشان (۳مورد)، آب بید (۵مورد)، چم چشمه ، چم رود ، چم گرداب ، جوب بند ، کاریزباغ ، کاریزچشمه ، کاریز ، کاریزدره ، چشمه (۱۶مورد)، آب باریک (مورد۳۲)، آب ترش (۳مورد)، آب تلخ (۲مورد)، آبرود (۶ مورد)، آب انبار ، آب چنار ، شکرآب ، کندآب ، دوآب ، شیرآب، سفیدآب ، دیزآب ، دیزج رود ، کهریز دره ، اسمرود ، تجرود ، کهریز (۳۹مورد)، کهریزک

(۱۲مورد)، کهریز بقازی (kahriz boğazî)، کهریز تراکمه، کهریز توسک، نظرکهریزی، اسماعیل کهریزی (Ismâil kahrizi)، شور کهریز (Şor kahriz)، سو کهریز (Su kahriz)، خرم آباد کهریز، سویوخ کهریز (Soyux kahriz)، نهر (۲مورد)، نهرآباد (۲مورد)، نهرآباد، نهر میان، نهر گوت، نهران (۳مورد)، نهر بادام، جوب آسیاب، جوب بزم، جوب بالدار، جوب بند (۲مورد)، جوب امامقلی، کش آرخی (Keş arxî)، کاریز (۶مورد)، کاریز (۷مورد)، کاریز نو (۱۰مورد)، کاریز کهندل، کاریز کهنه، کاریز سفید، کبود چشمه، بدچشمه، زرد چشمه، کورچشمه، هفت چشمه، سرچشمه، سردرود (۳مورد)، خشک رود (۳مورد)، است رود، کنزرود، مرزرود.

۲- **هیدرواورونیم ها**- اسامی خاص مناطق غیرمسکونی یا پستی - بلندی ها که قسمتی از آن یا کل آن از هیدرونیم تشکیل شده باشد هیدرواورونیم نام می گیرد. مثال های زیر از کتاب "کوه ها و کوهنامه ایران" انتخاب شده اند. آب انبار، آب داغی (Ab dāği)، آبریز، آبشار، آب نهر، آرموت (Armut)، اوچ بلاغ (Üç bulağ)، اوزون بلاغ (Uzun bulağ)، اینجه سو (Inca su)، باریک آب، بش بلاغ (Beş bulağ)، بنارود، چشمه (۴مورد)، چشمه زردآب، چشمه خونی، چشمه پادشاه، چشمه ماهی، چشمه آهو، چشمه اراز، چشمه اسب، چشمه بقل، چشمه چاد، چشمه خیر، چشمه دراز، چشمه دره، چشمه دزدی، چشمه ریزک، چشمه زاغ، چشمه سارپشته، چشمه سبزی، چشمه سفید (۲مورد)، چشمه سنجید، چشمه شیرین، چشمه ضربی، چشمه کره، چشمه

کنار ، چشمه کوره، چشمه گرگ ، چشمه محمد ، چشمه میل، چشمه نعت ، چشمه نول، چشمه نی، چهار چالاب، چهل چشمه، خرساب، داش بلاغ (Däšbulağ) ، دبرسو (Dabar su)، دهنه سنگاب، زرین چشمه، زلابه، زیرآب، سفید چشمه، سر چشمه ، شور بلاغ ، شور شیرین ، شینا اولوسو داغ ، علی بلاغی، فولاد چشمه ، قرخ بلاغ (Qîrx bulağ)، قره بلاغ ، قله روآب کوه، کاریز ، کاجرود، کمرآب ، کمربالا آب ، کورا بلاغ (Korabuläğ) ، گل بلاغ (Gül bulä) ، گندآب (۳ مورد)، گورآب، لم بلاغ (Lam buläğ)، ماراب (۲ مورد)، مهرباب ، میسوراب ، هفت چشمه (۲ مورد)، یان بلاغ ، یخاب، یدی بلاغ (Yeddi buläğ).

۳- **اویکوهیدرونیم ها** - نام های خاص عوارض و موردهای آبی است که قسمتی از آن یا کل آن از اویکونیم (oykonym) تشکیل یافته است. مثال های زیر از کتاب "رودها و رودنامه ایران" انتخاب شده اند: سعیدآباد چای، اسکو چای، اوجان چای (Ujān çay)، لیقوان چای، مهربان چای (Mehribān çay) ، هریر چای (Heriz çay) ، کلیر چای، رازلیق چای (Räzliq çay)، ورزلیقان چای (Varziqān çay)، کال خزرآباد، بیرجند، شاهرود، آستانه، فیروزکوه، باهوکلالت ، یکشنبه، اردکان، تلوار (Telvār) ، پل فسا، الوند، آق اولر ، خرم آباد ، انگوران ، بیاسک، شور همدان ، طالقان رود ، شور فشاپویه ، ابهررود .

۴- **اویکواورونیم ها** - اسامی خاص پستی - بلندی ها است که قسمتی از آن یا کل آن از اویکونیم ترکیب یافته باشد. مثال

های زیر از کتاب "کوه ها و کوهنامه ایران" انتخاب شده اند:
 دیزه داغي (Diza dāgi)، لیوار داغ (dāğ Livār)، اسپي بنار (Aspi binār)، ساري قيه (Sārî qaya)، ماکو، کاجستان، شمس آباد، اردهال، گهروز، نसार، لعل آباد، ماکوان، زیلان، لواسان، زنگلاب، قره داغ (Qara dāğ)، آران (Ärän)، پشکستان، معدن لارستان، هنبونه، شاهپور، چهل چشمه، دربند، مموسني، آق مزار (mazärÄğ)، بناب (Binäb)، آق دربند (Äğ darband).

۵- اوروهیدرونیم ها - اسامي خاص عوارض و موردهای آبی است که قسمتی از آن یا کل آن از اورونیم (Uronym) گرفته شده است. مثال های زیر از کتاب "رودها و رودنامه ایران" انتخاب شده اند. آجي دره (Äji dara)، آستان (Älöstän)، آرموت ارگیل (Armut argil)، اوزون دره (Uzun dara)، اوزون دره گوجه قیه، ایلان دره (İlän dara)، باکوه، باهو کلات، بزدره (Boz dara)، تاش بلاغ (Taş bulāğ)، تلو آباد، تنگل شهرک، تنگل قلعه جوق، توکوه، جاری دره، چاه سنگ، چاه کند، چای قره تپه (Çay qara tapa)، چم اوزان (Cam ozän)، چم آق دره (Cam äğ dara)، چم بزه دره، چم قره قیه، چم گوره قلعه، چم میره دره، حسین آباد، خرم آباد، خوش دره، خولین دره، خیرآباد، دره آبداری، دره آب گندی، دره آب زیر، دره آجم، دره آبدوان، دو ده، دو دره گزنان، ده شیخ، ده رود خانم، راست دره، رحمت آباد، رودبار چهارده، زی دره سو، سالار دره، سبزکوه، سپید دره، سرچنگل، سرچال، سرخ آباد، سرخه حصار، سره خاتون، سفید باغ، سفید دره، سه سنگ، سیاه کوه، سیف آباد،

شاه بابک، شاه بهرام، شاهپور، شاهکوه، شاه معلم، شتران،
 شترکش، شدرده، شریفی، شصت دره، شصت کلا،
 شکستان، شکر دره، شور دره، شهرچای، شهرستانک،
 شهرک، شهرنو، عسلشاه، علی آباد، علی ظهوران، علی
 زان، عشایر بیلاقی، قادر آباد، قره آغاج (Qara ağaj)، قره
 دره (Qara dara)، قره قوش (Qara quş)، قره قای (Qara
 qay)، قشلاق، قلعه بید، قلعه پدا، قلعه سیستان، قلعه دنه،
 قلعه واقعی، قلعه موئی، قلعه زرد، کاج، کارده، کاستان، کاکا
 رضا، کاکلستان، کال آبکوه، کال پشت کوه، کال پوستین
 دوز، کبوتر دره، کرکل دره، کلاک دره، کند حصار، کورده
 ، کولر ده ، کوه پست، گاو ، گرده بیشه ، گل آباد ، میر
 سعیدی، لارستان، مشهد محمد می، دره (Mey dara)، میانکوه ،
 ناصرآباد ، نوقون دره (Noqun dara)، هلی دره سی (Heli
 darasi).

۶- اورواویکونیم ها - اسامی خاص مناطق مسکونی است
 که قسمتی از آن یا کل آن از اورونیم تشکیل شده باشد. مثل :
 دماوند، نهاوند، سبالن (Sabalän) ، سبالن کندی (Sabalän
 kandi) ، ساوالانان (Sävälän)، ساهلان (Sählän) نام کوهی
 است) ، الوند (۵ مورد) .

شاخه های توپونیمی از نظر موضوعی

توپونیمی از نظر مضمون و محتوی موضوعی دارای شاخه های کلی‌تری است که در مجموع کلیه جنبه های توپونیمی را در بر می‌گیرد و علم توپونیمی را تشکیل می‌دهد. دسته بندی شاخه های موضوعی توپونیمی بر اساس متدهای زبان‌شناسی انجام گرفته و دلیل ارتباط آن شاخه ها با زبان شناسی می‌باشد. نیکونوف معتقد است: " نام ، یک واحد زبانی است که تابع قوانین جغرافیا و تاریخ نیست و از اصول زبان شناسی متابعت می‌کند."^۱

توپونیمی از نظر موضوعی بدین صورت شاخه بندی می‌شود: توپونیمی عمومی^۲ ، توپونیمی خصوصی^۳ ، توپونیمی نظری^۴ ، توپونیمی تطبیقی^۵.

^۱. Nikonov V.A., *Puti toponimicheskovo isledovaniya , principi toponimiki*, Moskva, ۱۹۶۴, s.۸۴

^۲. General Toponymy

^۳. Specific Toponymy

^۴. Theoretical Toponymy

^۵. Comparative Toponymy

اگرچه این شاخه ها از نظر محتوي با يکديگر متفاوت اند، ليکن در مجموع علم توپونيمي را تشکيل مي دهند.

۱- توپونيمي عمومي

موضوع اصلي توپونيمي عمومي بررسی و تحقيق درباره قانونمدي ها و روش هاي کلی توپونيمي است که قابل اطلاق در کلیه موارد مي باشند. توپونيمي عمومي با استفاده از تجربيات منطقه اي و محلي نتايج کلی را استنتاج مي کند و به صورت واحد در مي آورد. تقسيم بندي توپونيمي، گردآوری، بررسی جغرافيايي و تاريخی و انطباق روش هاي زبانشناسي بر آن و ارائه رامکارهای عملی براي کاربرد و استفاده از موضوع توپونيمي از اهم مطالب توپونيمي عمومي به شمار مي رود. توپونيمي عمومي در واقع مباني اصلي توپونيمي را پيشنهاد مي نمايد. توپونيمي عمومي در مراکز دانشگاهي در ميان دروس زبانشناسي همگاني مورد بررسی قرار می گیرد.

اهميت کاربردي توپونيمي عمومي را در اين امر مي توان خلاصه نمود که کميته ای خاص در سازمان ملل براي يکسان نمودن اسامي جغرافيايي بر روي نقشه های جغرافيايي ايجاد و گردهمايي هاي متعددي در اين زمینه تشکيل شده است.

۲- توپونيمي اختصاصي

همانطوري که از عنوان آن پيدااست موضوع اصلي توپونيمي اختصاصي گردآوری، بررسی و تحقيق در مورد ویژگی هاي توپونيمي يک منطقه خاص، توپونيم هاي مربوط به يک گروه زباني خاص يا مربوط به يک دوران تاريخی خاص است.

توپونیمی اختصاصی نیز از روش ها و تجربیات و قانونمندی های توپونیمی عمومی پیروی می کند. توپونیمی اختصاصی از نظر کاربردی ، موارد دقیقتری را بررسی و پیشنهاد می کند. توپونیمی اختصاصی از ابتدای قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته و توپونیميست ها در کشورهای متعدد تحقیقات و بررسی های بیشماری را در مورد اسامي جغرافیایی مناطق خود انجام داده اند.

در ایران ، اولین کسی که به طور نیمه علمی به بررسی توپونیمی اختصاصی پرداخت احمد کسروی بود که در سلسله مقالات "اسامي دهات و شهرهاي ايران" به بررسی تطبیقی و زبانشناسی اسامي مختلف منجمله تهران ، شمیرانات ، سمیرم و سایر مشغول گردید .

در سال های اخیر کتب متعددی در مورد اسامي شهرها و مناطق مسکونی به قلم محققان نگاشته شده است . برخی از این کتب عبارتند از :

- ۱- " نام مکانهای جغرافیایی در بستر زمان " ،تالیف مهرالزمان نوبان.
- ۲- "وجه تسمیه شهرها و روستاهای ایران"، مهرانزمان و حسینعلی نوبان.
- ۳- "وجه تسمیه شهرهای ایران" ، جلد اول ، حسین توکلی مقدم.

این کتب از نظر موضوعی به یکدیگر شباهت دارند. البته نباید از نظر دور داشت که این کارها با توجه به اینکه قدم های

نخستین در این زمینه به شمار می روند دارای ارج و قرب بسیاری هستند. آقای توکلی مقدم در جای جای کتاب خود ، به صورت های مختلف توپونیم اشاره می کند و در مورد واژه شناسی توپونیم مطالب جامعی را به خواننده عرضه می نماید. متأسفانه هنوز سایر جلد های این اثر سودمند به زیور چاپ آراسته نگردیده است.

سازمان نقشه برداری کشور از سال ۱۳۸۰ به عنوان متولی "کمیتة نام نگاری و یکسان سازی اسامی جغرافیایی" در ایران انتخاب و همزمان علاوه بر تشکیل گروه های مختلف کاری همه ساله اقدام به برگزاری سمینار و کنفرانسهای ملی و بین المللی با موضوع اسامی جغرافیایی می کند. در این کنفرانسها مقالات علمی از جانب اهل فن و علاقه مندان ارائه میشود که قدمی بسیار مهم در راه شناسایی "توپونیمی" به عنوان یک شاخه علمی در کنار مسائل کاربردی بشمار میرود. سطح علمی موضوعات در سالهای اخیر جدیتر شده است ، لیکن هنوز هم این شاخه نه به عنوان درسی مستقل در دانشگاهها تدریس میشود و نه تاکنون کتبی در سطح دانشگاهی تهیه نشده است. این امر ضعفی جدی برای جامعه دانشگاهی بشمار میرود. متأسفانه هنوز هم کارهای قابل توجهی تاکنون عرضه نگردیده است.

در خارج از ایران نیز در مورد توپونیمی ایران کارهای اندکی انجام گرفته است . بیشتر این آثار گرچه مستقیماً به ایران و توپونیمی ایران اشاره نمی کنند ، لیکن موضوع مورد بحث در چهار چوب اسامی خاص این کشور نیز می گنجد. برای مثال

در کتاب "اسامي مناطق آذربایجان" که کاری است تحقیقی در مورد اسامي پستی - بلندی های آذربایجان می خوانیم : " بدین ترتیب اصطلاحات اورونیمیک را می توان به سه گروه عمده تقسیم نمود .

۱- اصطلاحاتی که منشاء آنها از زبان ترکی است. ۲- اصطلاحاتی که منشاء آن ها از زبان های قفقاز (ساخوری ، آواری، اودینی و لزگی) است. ۳- اصطلاحاتی که منشاء آنها از زبان های ایرانی (تانش و تاتی) است.^۱

همچنین در کتاب "توپونیم های ترکی در افغانستان" به توپونیم های ایران و خصوصا خراسان اشاره می شود. از میان توپونیم های مشترک که در این اثر تحقیقی ذکر می به میان آمده می توان به این اسامي اشاره نمود: چار بولاق (Çär buläğ) ، چارکند (Çär kand) ، یار کوه، چار دره ، شور، بوم، کند، چن، چل، سرای، چگل (Çagal)، گده، بیاندور (Bayändur) ، قیچاق (Qîbçäq) ، تیل، کرچی، داناجی (Dänäji)، سبک، کشک، اورک (Urk)، کنجک (Kanjak)، کلک، نورستان، گلستان، تالقان (tälgän) ، سمنگان، چوپان، ترکمان، خرمان، قزان (Qazan)، توران (Turän)، کرخ، گزستان، سالار (Sälär)، سنجر، آقچه (Äqca) ، کوکچه (Gökja)، خطای (Xätäy)، تنگه، خاتون قلعه (Xätun qala)، عطارباشی، شاه

^۱.MähämmədovN., *Azərbaycan yer adları (uronimlər)*, Bakı, ۱۹۹۳, s. ۲۰.

توت، شاه دره، شاه جان، کلیم بولاغ (Kalim bulāğ)، دولت یار، باش آباد (Bäšäbād)، خواجه سالار، شیخ، گز دره.^۱

۳- توپونیمی نظری

توپونیمی نظری یکی از شاخه های علمی زبانشناسی همگانی است و وظیفه اصلی آن بررسی، تجربه و جمع آوری مبانی نظری توپونیمی می باشد. ارائه راه کارهای عمده علمی و پیشبرد اهداف توپونیمی و تطبیق آن با دستاوردهای علمی سایر شاخه های علمی، به ویژه تاریخ، جغرافیا، سیبرنتیک، انسان شناسی و علوم اجتماعی از وظایف عمده توپونیمی نظری به شمار می رود. با توجه به جوان بودن توپونیمی، توپونیمی نظری وظایف بیشتر و خطیرتری برعهده دارد. گردآوری اسامی جغرافیایی، دست بندی، تهیه آمارهای متعدد، تنظیم جداول مختلف بر اساس انواع توپونیمی و بررسی تطبیقی آنها و استنتاج نظریات علمی از دیگر موضوعات عمده توپونیمی نظری به شمار می رود. توپونیمی نظری در واقع موتور انرژی دهنده سایر شاخه های مرتبط است و بدون تدوین مبانی نظری، پرداختن به سایر شاخه های توپونیمی ممکن است خالی از خطا نباشد.

در کشور ما، متأسفانه در مورد مبانی نظری توپونیمی فعالیتی انجام نگرفته و در این مورد بسیار فقیریم. لازم به ذکر است که پس از چاپ نخست این کتاب در سالهای بعدی به هنگام فعالیت در گروه کاری "کمیتة نام نگاری و یکسان

^۱ Eyvazova Roza, Əfqanıstanda Türk mənşəli toponimlər, Bakı Elm, ۱۹۹۵

سازی اسامی جغرافیایی" نگارنده اقدام به تهیه دو کتاب یکی در مورد مسائل نظری «آبنامهای ایران» و یکی هم در مورد مسائل نظری «اسامی ستی و بلندیه‌های ایران» کرده است^۱. ترجمه نظریات ارائه شده در مورد توپونیمی در سایر کشورها و تألیف کتب حاوی نظریات جدید منطبق بر توپونیمی موجود کشور ما از وظایف خطیری است که چشم به راه همت محققان جوان مانده است.

۴- توپونیمی تطبیقی

توپونیمی تطبیقی، که آن را توپونیمی عملی نیز می‌توان نامید، نسبت به سایر انواع توپونیمی بیشتر مورد نظر قرار گرفته است. از آنجا که نیاز عمده به استفاده از توپونیمی با توجه به ایجاد و ساخت مکانها و سازه‌های بشری یکی از ضروریات زندگی روزمره است. ارائه پیشنهادها و روش‌های استفاده از اسامی از موضوعات عمده توپونیمی تطبیقی یا عملی می‌باشد. نامگذاری جاده‌ها، سدها، ساختمان‌ها و بناها، باغ‌ها، کارخانجات، واحدهای صنعتی، ایستگاه‌های فضایی، ماهواره‌ها، فرستنده‌های رادیویی و تلویزیونی و ... نیاز به ارائه جداول معین اسامی را مطرح می‌سازد. از طرف دیگر گردآوری نام‌های خاص (انسان‌ها) که در توپونیمی به چشم می‌خورد و احیای اسامی مناسب و معرفی آنها از موضوعات

^۱ فیروز رفاهی علمداری، هیدرونیم‌های ایران- پژوهشی در آبنام‌های ایران، انتشارات سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران، ۱۳۸۴ و

فیروز رفاهی علمداری، اورونیم‌های ایران- پژوهشی در اسامی پستی و بلندی‌های ایران، انتشارات سازمان نقشه‌برداری کشور، تهران، (در دست چاپ)

جالب این بخش است. از عمده وظایف توپونیمی تطبیقی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- ۱- تطبیق اسامی جغرافیایی با قانونمندی های زبان
- ۲- ضبط صحیح اسامی جغرافیایی و اصلاح موارد نادرست
- ۳- بررسی ترجمه اسامی جغرافیایی از زبانی به زبان دیگر
- ۴- ایجاد بایک اطلاعات اسامی جغرافیایی^۱
- ۵- بررسی ارتباط میان فعالیت های صنعتی، اقتصادی و کشاورزی با اسامی جغرافیایی
- ۶- منشاء یابی (اتیمولوژی) اسامی جغرافیایی جدید

با توجه به مراتب فوق می توان اذعان نمود که توپونیمی عمومی و توپونیمی خصوصی، توپونیمی نظری و توپونیمی تطبیقی با یکدیگر در ارتباط بوده و متمایز نیستند. لیکن توپونیمی نظری با توپونیمی عمومی و توپونیمی تطبیقی یا عملی با توپونیمی خصوصی ارتباط بیشتری دارند. به هر صورت این قسمت ها در وحدت کلی مجموعه ای علمی به نام توپونیمی را ایجاد می کنند.

^۱ در سالهای اخیر سازمان نقشه برداری کشور اقدام به ایجاد پایگاه داده های اسامی جغرافیایی کرده است که در آدرس زیر در اختیار عموم قرار دارد. در اینجا اسامی جغرافیایی همراه با لاتینی نویسی آنها و س. گردآوری شده است.

تقسیم بندی لغوی توپونیمی

اسامی جغرافیایی ممکن است از یک واحد یا از چند واحد زبانی به وجود آمده باشد. اگرچه ارتباط میان کلمات اسامی جغرافیایی باید بر اساس قانونمندی های زبان باشد، لیکن این بدان معنا نیست که شکل گیری آنها نیز بهمان صورت اتفاق افتاده است. توپونیم ها به عنوان واحدهای آماده، به کار می روند. مثلاً در نام روستای حسین آباد نمی توان چنین پنداشت که حسین و آباد دو واحد مستقل توپونیمی اند که به هم پیوسته و توپونیم حسین آباد را ساخته اند.

به طور کلی، تمایل عمده در استفاده از اسامی تک واحدی است. در بررسی کلی توپونیم های موجود در ایران، در می یابیم که بیشتر آنها از یک واژه به وجود آمده اند.

روند کلی استفاده از کلمات به عنوان اسم را نامگذاری^۱ میگویند. توپونیم ها در بررسی زبان شناسختی ممکن است از اسم، صفت، قید یا سایر واحدهای دستوری به وجود آمده

^۱. Nomination

باشند. لیکن با توجه به این که به عنوان اسم مورد استفاده قرار می گیرند در این وضعیت نوع آن مورد نظر نیست. برای مثال اسامی جغرافیایی مثل سفیدرود، کلانچای، خراسان، هشت رود، سراب، بدون توجه به ساخت و نوع لغوی آن تنها به عنوان یک واحد توپونیم مورد استفاده قرار می گیرد.

واژه های جغرافیایی موجود در اسامی جغرافیایی را در اصطلاح علمی نمکلاتور (Nomenclatur) می گویند. معمولاً اسامی جغرافیایی در نقشه ما بدون نمکلاتور ثبت می شوند مثل تهران، تبریز، اصفهان. لیکن در اینجا ضمن استفاده از علائم خاص^۱ (که راهنمای نقشه نامیده میشود) نوع نمکلاتور را معین میکنند. به همین منظور در این حالت بین زبان شفاهی و زبان کتبی تفاوت اندکی به وجود می آید. در زبان شفاهی هنگام استفاده از اسامی جغرافیایی برای اجتناب از سردرگمی، معمولاً نوع آن را مشخص می نمایند و مثلاً می گویند کوه توچال، شهر قزوین، دره پنجشیر و غیره.

به هنگام بررسی روند ایجاد اسامی جغرافیایی مشاهده میشود که در گذشته استفاده از واژه های جغرافیایی در توپونیم رایج تر بوده و به تدریج در اثر کثرت و تکرار استفاده واژه جغرافیایی یا نمکلاتور از نام جغرافیایی حذف گردیده است.

^۱. legend

از دیدگاه توجه به این موضوع ، اسامی جغرافیایی را می توان به دو دسته تقسیم نمود:

۱- اسامی جغرافیایی بدون نمکلاتور

۲- اسامی جغرافیایی دارای نمکلاتور

نگاهی به آمارها و جداول اسامی جغرافیایی ایران و جهان نشان می دهد که در واحدهای توپونیمی هنوز نمکلاتور مورد استفاده قرار می گیرد. نظیر: پشتکوه، سفیدرود، نوشهر، آذرشهر، قزاق محله (نام محله ای در شهر گرگان)، فیروزکوه، بندرعباس، بندرگرگان.

تحقیق و بررسی در مورد واژه های جغرافیایی مورد استفاده در توپونیم ها از نظر گردآوری اصطلاحات علم جغرافیا و مشخص کردن انواع منسوخ نیز مورد توجه است. در این گونه توپونیم ها ممکن است علاوه بر واژه های جغرافیایی مثل کوه، دره، روستا، شهر، محله و غیره کلمات دیگری نیز باشند که جنبه کلی تری دارند و به نوع اسم اشاره می کنند. گاه پسوند هایی مثل آباد، - او (به عنوان مکان)، استان یا ستان (به عنوان محل)، نیز در اسامی مورد استفاده قرار می گیرد مثل طبرستان، سیستان، بادامستان، گنکان، فیروزآباد. به این پسوندها توپو فورم^۱ یا شکل دهنده توپونیم می توان گفت. اطلاعات مفصلتر در صفحات بعد ارائه خواهد شد. واژه city و town به معنای شهر در زبان انگلیسی ، ville در زبان فرانسه و gorad در زبان روسی نیز در صورتی که

^۱. Topoform

تقسیم بندی لغوی توپونیمی

جزو جدایی ناپذیر اسم باشد توپو فورم است. مثل: کیپ تاون
(Capetown)، منچستر سیتی، (Manchestercity)، پتروگراد
(Petrograd)، استالینگراد (Stalingrad - نام اسبق)، اشویل
(Asheville)، نشویل (Nashville).

تقسیم بندی توپونیمی براساس نامگذاری

همانطوری که در قسمت های قبل گفته شد ، اسامی جغرافیایی انواع گوناگونی دارند. علاوه بر آن در تحلیل ساختاری اسامی جغرافیایی نیز می توان به دو وجه مفهوم و شکل ساختاری و لغوی توپونیم روی آورد. در این صورت هر واحد توپونیم از دو جنبه قابل تقسیم بندی می گردد:

۱- از نظر صرف واژه و ساخت مورفولوژی^۱ ؛

۲- ۲- از نظر مفهوم و استناد مفهومی^۲.

۱- تقسیم بندی توپونیم ها از نظر صرف دستوری و ساخت مورفولوژی- هر واحد توپونیم ممکن است از یک یا چند کلمه تشکیل شده باشد، لذا در قدم نخست، از نظر ساختاری می توان اسامی جغرافیایی را به دو دسته تقسیم می شوند:

الف- اسامی جغرافیایی ساده^۳ بدان دسته از اسامی گفته می شود که دارای یک جزء باشند. در عین حال کلیه نام های

^۱. Morphology

^۲. Semantic

^۳. Simple Geographic Names

جغرافیایی را که قسمتی از آن توپو فورم باشد را می توان به عنوان اسامی جغرافیایی ساده به حساب آورد.

ب- **اسامی جغرافیایی مرکب**^۱ بدان دسته از اسامی اطلاق میشود که دارای دو جزء، سه جزء یا بیشتر باشند. کلیه اسامی جغرافیایی که در آنها از واژه های جغرافیایی استفاده شده جزو اسامی جغرافیایی مرکب اند.

۲- **دسته بندی اسامی جغرافیایی از نظر معنا و مفهوم**-
جالبترین مقوله علم توپونیمی است. اولین بار زبان شناس شهر چک به نام پالیاتسکی (Palyatski) در سال ۱۸۷۳ در اثر خود به نام "تحلیل اتیمولوژی اسامی چک"^۲ به این امر مبادرت ورزید. او اسامی جغرافیایی موطن خود را به دو قسمت تقسیم کرد:

- ۱- اسامی جغرافیایی مرتبط با سازندگان مناطق مسکونی
 - ۲- اسامی جغرافیایی نمودار توپوگرافی
- وی در عین حال به توپونیم های پیچیده توجه نمود و به بافت گرامری اسامی و به بررسی مفاهیم توپونیم ها پرداخت.

فرانس میکلو شچ (France Mikloshich) زبان شناس دیگر چک توپونیم های اسلاو را به صورت زیر در دو گروه دسته بندی نموده است. گروه اول شامل:

- ۱- توپونیم هایی که از اسامی خاص (نام اشخاص) به وجود آمده است.
- ۲- توپونیم هایی که از اسامی عام ایجاد شده است.

^۱. Compound Geograpnic Names

^۲. Etymological analysis of Czech Names

آنگاه وي به دست بندي جزيي تر پرداخته اسامي زیر را جزو گروه اول دانسته است :

- ۱- توپونیم هایی که از اسامي خاص به وجود آمده اند.
 - ۲- توپونیم هایی که از صفت ها به وجود آمده اند.
- وي ، درگروه دوم نیز اسامي را از نظر معنایي دسته بندي و تحلیل نموده و اسامي زیر را جزو گروه دوم دانسته است.

- ۱- اسامي خاک ها
- ۲- اسامي گیاهان
- ۳- اسامي آب ها
- ۴- اسامي حرفه ها
- ۵- اسامي حیوانات
- ۶- اسامي ادوات
- ۷- اسامي رنگ ها
- ۸- اسامي طوایف
- ۹- اسامي بناها
- ۱۰- اسامي حکومت های سياسي

به طور کلی اسامي جغرافیایی را از نظر نامگذاری

(Nomination) به دو دسته تقسیم می کنند:

- ۱- دسته بندي دستوري^۱ ؛ ۲- دسته بندي معنایي^۲ .

^۱. Grammatical classification

^۲. Semantical classification

دسته بندی دستوری

در این گونه دست بندی اسامي جغرافيايي را بر اساس ساختار صرفی (مورفولوژیک) مورد کنکاش قرار می دهند. تنوع کلمات هر زبان در وجه مورفولوژی^۱ و صرف آن باعث ایجاد همان میزان تنوع در اسامي جغرافيايي مي شود. هرچه ساخت صرفی یک زبان محدودتر باشد تنوع اسامي جغرافيايي آن زبان نیز به همان میزان کم مي شود. در دسته بندي دستوري، در قدم اول نام ها را به دو دسته تقسیم می کنند:

- ۱- اسامي جغرافيايي یک جزئي
- ۲- اسامي جغرافيايي دو جزئي و چند جزئي

۱- اسامي جغرافيايي یک جزئي

این گونه اسامي از یک واژه تشکیل یافته اند که معمولا این واژه ها به صورت مستقل انتخاب مي شوند و مورد استفاده قرار می گیرند، لیکن از نظر ساختاری خود به رو دسته زیر قابل تقسیم اند:

^۱. Morphology

- ۱-۱- نام های یک جزئی بدون توپو فورم
- ۲-۱- نام های یک جزئی دارای توپو فورم
- ۱-۱- نام های یک جزئی بدون توپو فورم

تعداد این گونه اسامی در فرهنگ توپونیمی جایگاه خاصی را دارد و اغلب اسامی جغرافیایی که مفهوم آنها روشن نباشد جزو این بخش اند. در عین حال این گونه اسامی قدمت بیشتری دارند. اسامی تک جزئی در ابتدا به همراه واژه های جغرافیایی مثل شهر، رود، کوه و غیره استفاده می شده اند و سپس واژه جغرافیایی حذف شده و اسم به صورت تک جزئی و مستقل به کار رفته است. از طرف دیگر همان طوریکه می دانید هر کلمه ممکن است جزو اعضای اصلی صرفی یک زبان باشد، یعنی هر کلمه ممکن است اسم، صفت، ضمیر، قید، فعل و غیره باشد. لذا اسامی جغرافیایی نیز علاوه بر جنبه کاربردی آن ممکن است به یکی از گونه های فوق تعلق داشته باشند. اسامی جغرافیایی ساده بدون توپو فورم به صورت زیر در ایران رایج است.

اسامی جغرافیایی متشکل از اسم

این گونه توپونیم ها از اسم خاص، اسم عام و اسم ذات ترکیب یافته اند. در اسامی جغرافیایی سرزمین وسیع ایران نمونه های فراوان وجود دارد که در اینجا تنها ذکر چند مثال کفایت می نماید. گلستان، بهارستان (میدان و خیابان)، بابک (روستا)، خزر، بهار (روستا)، بهادر، نجار (۴مورد)، قاسم، خرچنگ (روستایی در ساری)، خرس (واقع در

شاهرود)، خرزهره (واقع در شیراز) ، کیخسرو ، لاغری (۲مورد) .

اسامی جغرافیایی متشکل از صفت

این گونه توپونیم ها از نظر صرف به گونه صفتها تعلق دارند. لیکن در اینجا به صورت مجازی ، به عنوان اسم مورد استفاده قرار می گیرند. این دسته از نظر کمیت قابل مقایسه با توپونیم های متشکل از اسم نیستند و تعداد کمتری دارند . سفید (در میناب)، سست (در اسفراین) ،کلان (۸ مورد) ، خشک ، خرم (۶ مورد) ، کچل (مورد۲) ، گند (۲ مورد)، کهن (۸ مورد)، کهنه (۲ مورد) ، لاغر ، قطور (۲ مورد) ، نمکی (۲ مورد) ، نمکین .

اسامی جغرافیایی مشکل از اسم - فعل

در این گونه اسامی ، توپونیم مشتق از فعل است. این گونه توپونیم ها در مقایسه با سایرین کمتر مورد استفاده هستند: باجگیران (۳مورد) ، بادخور ، بارنده ، پویان ، پوپنه خوار

۱-۲- اسامی یک جزیی دارای توپوفورم

در این گونه اسامی ، به اسم جغرافیایی ، پیشوند یا پسوندی (که بدان توپوفورم گفته می شود) اضافه شده است. توپوفورم به اسم اصلی چسبیده و در این حالت از واژه اصلی جدایی ناپذیر است. لازم است ذکر شود که در روند شکل گیری و نامگذاری مورد جغرافیایی، واژه دارای توپوفورم به صورت واحد و آماده مورد استفاده قرار می گیرد و توپوفورم به صورت مستقل هیچ نقشی از نظر ساختاری در شکل گیری

اسامی جغرافیایی ندارد و آنرا نمی توان به اجزا خردتر تجزیه کرد. نباید از نظر دور داشت که توپو فورم ممکن است به دلیل داشتن مفهوم خاص لغوی در ترکیب یک کلمه مورد استفاده قرار گیرد. برای مثال توپو فورم "لو" و "لی" در اسامی "شاملو" و "جورابلو" به مفهوم طایفه و قبیله دلالت دارد.

سید احمد کسروی در دفتر دوم "اسامی شهرها و دیه های ایران" از بیست پسوند نام می برد که عبارتند از :

۱- وان، آوان، وین، ۲- گان، کان، قان، یان، جان، گین، قین، بین، ین، جین، ۳- هان، هن، ۴- خان، خون، خانا، ۵- دان، ۶- زان، زن، ۷- لان، آلان، لام، ۸- ران، آران، رام، رم، ۹- آن، ین، ۱۰- بان، ۱۱- سان، ۱۲- وار، آوار، ور، ۱۳- وا، آوا، ۱۴- آو، او، ۱۵- گور، کور، ۱۶- زارس، زر، ۱۷- بار، ۱۸- ویل، بیل، ۱۹- ویر، ۲۰- سار، سره. و در آنجا مثال های زیر را ذکر می کند :

"سیاوان (Siyāvān)، شیروان، زووین (Zuvin)، دوین (Dovin)، گلپایگان، اردکان، دیلمقان (Dilmaqān)، فارسجان، گیلیان، اشترین، مامایین، لالین، ماماهان، آرهن، اشتیجان (Aštijān)، همدان، اسپرخون، شرابخانا (Šarābxānā)، زوزن (Zuzān)، رازن (Rāzān)، مارالان (Mārālān)، اسبلان (Asblān)، خیلام، شمیران، جهرم، شمیرام، دیلمان (Dilmān)، رامین، سفیدبان، میسان، سبزوار، شندوار (Šindavār)، لیلاوا (Leylāvā)، میشو (Mišo)، خیابو (Xiyāv)، شمکور (Šamkur)، اسبگور، کردزار، رودبار، دبیل (Dabil)، زوویل (Zuvil)، ارماویر

(Armāvir) ، الویر ، سیسر (Sisar)، سنگسر (Sangsar) ،
ناسار (Nāsār).^۱

وي سپس اضافه مي نمايد كه : " چون اين كلمات همگی در
آخر اسامی آبادی ها مي آیند از اینجا پیداست كه هر کدام با
يكي از كلمه های بوم و میهن و سرزمین و شهر و مانند اینها
هم معنی است و گرنه برای چیست كه در آخر نامهای شهرها
و دیه ها مي آیند؟"^۲

باید اذعان نمود كه پاره ای از نظرات كسروي استناد علمي
دارند ولی برخی نیز خالی از اشكال نیستند. اولاً كلیه مصداق
ها صحت ندارد و در نتیجه مبناي نظري آن نیز درست
نیست. در اسامي "سفیدبان" جزء "بان" پسوند نیست و واژه
"بان" به معنای بام (و شكل قدیمتر آن) است. در اسم "سیسر"
و "سنگسر" نیز "سر" پسوند نیست و واژه ای
مستقل است كه در اسامي جغرافیایی بسیار کاربرد دارد و
معنای آغاز و ابتدا و از نظر جغرافیایی شروع را بیان
میدارد. همانطور كه ملاحظه مي نمایند بیشتر پسوندها و
مصداق آنها به پسوند "-ان" ختم مي شود كه در اسامی
جغرافیایی ایران به معنای جا و مكان مورد استفاده
قرار گرفته است. برخی از پسوندها تکراری و تنها گونه های
مختلف آن در سایر زبان های رایج است. مثل "-خانه" كه
در ترکی "-خانا" مي گردد و "اوا" كه معادل "آباد" فارسی
در انتهای اسامي ترکی است. تنها مطلب مهم در نظریه
كسروي این است كه وي مشاهده نموده در انتهای اسامي

^۱. کاروند كسروی ، ص. ۲۹۱-۲۹۲

^۲. همانجا ، ص. ۲۹۷

پسوند هایی وجود دارید که توپو فورم اند و مفهوم جغرافیایی را می رسانند.

توپو فورم های رایج در اسامی جغرافیایی ایران شامل دو دسته اند: پسوندها و پیشوندها

۱- **پسوندها** - به آخر اسامی اضافه می شوند و علاوه بر مفهوم دستوری در توپونیمی مفهوم مکانی و جغرافیایی را نیز به واژه اضافه می کنند . رایجترین پسوندها در اسامی جغرافیایی ایران عبارتند از:

آباد ، جان ، گاه ، کده ، وان ، ان ، پور ، دان ، لی ، لو ، چه ، جیک ، لر ، بد ، وند ، گان ، کلا ، کلات ، ستان ، ک و غیره . همانطوریکه در مثال ها مشاهده می شود، این پسوندها مفهوم مکان و موقعیت را به کلمه اضافه می کنند. به نمونه های زیر توجه فرمایید :

طبرستان، آلوستان ، بلوچستان ، بهستان ، پونستان ، بادامستان ، آهوگان ، چشمگان ، باغگان ، تیرگان ، چهرگان (Çehrigān) ، پیرگان ، آتشکده ، بنکده ، باجگاه (۲مورد) زیارتگاه ، بارگاه (۴مورد)، پیچگاه ، تالارگاه ، بیجارگاه ، انجیرگاه ، آتشگاه (۷مورد)، زاهدان ، آبادان ، چاله دان ، بره دان ، پشه دان ، بهدان ، چمندان ، جوزدان (۳مورد) ، توتان ، بیدان ، جباران ، افشاران ، چناران ، آهنگران ، آهوان ، فلاوند ، الوند (۵مورد)، الیاسوند ، اشکوند ، افراوند ، جیلاوند ، ترجان ، تیمارجان، آذرجان (Äzarjān) ، دلیجان (Dalijān)، سیرجان ، زنجان ، بازرجان ، اسفرجان ، چلوان ، باشوان (Bäšvān) ، جیزوان ، شیروان ، انوشیروان ، بازبچه ، تکانلوچه ، بلمچه ، باغچه (۲۵مورد)، تنورچه ،

چنارچه ، حصارچه ، تپه جیک (Tapajik)، بچه جیک ،
تکان جیک (Tikānjik) ، باغچه جیک ، پیه جیک (Payajik)
، اوبد ، انابد ، کاخک .

۲- **پیشوندها** - به ابتدای اسامی جغرافیایی اضافه شده و
نوعی مفهوم مکانی را القا می کنند. برخی از این پسوندهای
رایج عبارتند از: میان ، پیش، پس ، با ، بی ، بیش . مثال :
بی کلا ، بیکسان، بی نهر (۲مورد)، بی ابر، بی آب
(۳مورد)، بی آبادی، بی بهره ، پس بندر ، پس باغ ، پس
پشته (۲مورد)، پس چپر، پس حصار، بیش محله ، بیشاسب ،
بیش تاب ، با دره (۲مورد)، با خرم ، باشور، با کندو ، با
مراد آباد ، با مزار، بامرز، پیش ده ، پیشخان (۲مورد)، پیش
دره ، پیشکوه (۴مورد)، پیش کنار (۳مورد)، میانه
(۹مورد)، میاندواب، میاندشت(۸مورد)، میاندرد (۹مورد)،
میاندرد (۱۷مورد)، میانشهر (۳مورد).

۲- اسامی جغرافیایی دو جزئی و چند جزئی

این گونه توپونیم ها بدون توجه به مفهوم آنها صرفاً از لحاظ
دستوری و نحوی مورد نظراند. در یک بررسی آماری
معلوم می شود که اکثر قریب به اتفاق اسامی جغرافیایی
ایران را واحدهای متشکل از دو جزء تشکیل می دهند. در
عین حال توپونیم های سه جزئی و بیشتر نیز به حد وفور
یافت می شود. مثال: آب باریک سفلی ، آب باریک سیاه کمر
، آب باد قهرمانی ، آب سرده آلایی، آتا قورت دویدوخ
(Ätqurtä doydux) - در بنجورد) ، آزارمحمد آخوند، آزار
قلیچ مهراب ، آغل چاه عروس، آغل زرجان خانه ، بالا احمد

چاله پی ، بالا بازار رستم آباد ، بالا آبگرم لاریجان ، بنه ملا محمد حسین ، بنه وار هفت لنگ ، تخت لطیف شاه (در زرند).

اسامی جغرافیایی متشکل از دو یا چند جزء را نیز از لحاظ ساختاری و دستوری به اشکال مختلف می توان تقسیم کرد:

۱- اسامی دارای واژه های جغرافیایی

۲- اسامی فاقد واژه های جغرافیایی

۱- اسامی دارای واژه های جغرافیایی

این شکل توپونیمی از نظر کاربردی و قدمت دارای عمر طولانی تری است. به طور کلی در مراحل اولیه نامگذاری مکان های جغرافیایی، به سبب تفکیک اسامی مشابه از یکدیگر از واژه جغرافیایی که در عین حال نمودار مورد جغرافیایی نیز می باشد، استفاده شده است. واژه جغرافیایی به کلماتی اطلاق می گردد که دارای مفهوم جغرافیایی باشد و موقعیت و شرایط جغرافیایی را منعکس نماید. از طرف دیگر واژه های جغرافیایی که در توپونیم ها مورد استفاده قرار می گیرد وضعیت جغرافیایی واحد مورد نظر را تبیین کرده و اطلاعات جغرافیایی در آن مورد ارائه می نمایند. واژه های جغرافیایی در عین حال نقش ممیز را دارند و در زمانی که چند توپونیم مشابه در یک منطقه مورد استفاده قرار می گیرند ، اسامی مشابه را از یکدیگر تفکیک می نمایند.

بخشی از واژه های جغرافیایی مورد استفاده در توپونیمی سرزمین ما عبارتند از: ده، دهکده ، روستا، شهر، استان، دره، کوه، رود، بندر، مرداب، شهرک، کویر، صحرا،

جلگه، فرات ، باغ، بیشه، قلعه، کلا، بند، غرب، شسل، شمال، جنوب، سفلی، علیا، بالا، پایین، وسطی، تل، تپه، خندق، آغاج (Äğäj)، سو (su)، آب، کهریز، قنات، چای (çäy)، کند (kand)، یورت (yurt)، بلاغ (buläğ)، کلات، بیلاق (yeyläq)، قشلاق (qışläq)، کلاته، قیه (qaya)، دشت و یال (yäl).

برخی از این واژه ها در معنای حقیقی به کار می روند و برخی دیگر تنها به عنوان یک جزء اسم مورد استفاده هستند و هیچگونه ارتباطی میان مفهوم آنها و نوع توپونیم وجود ندارد. مثلا در اطلاق نام "قلعه حسن خان" که نام منطقه مسکونی در نزدیکی تهران واژه "قلعه" در معنای حقیقی مورد استفاده قرار نگرفته است. چه بسیار اسامی دهات و مناطق مسکونی که یک جزء آن کهریز، باغ، قنات و غیره است.

نگاهی اجمالی به فرهنگ توپونیمی ایران نشاندهنده فراوانی این گونه اسامی است. مثال: نوشهر، آذرشهر، تخت جلگه، بندرعباس، فرشبند، تلخندق، قنات کوثر، تنه ده، آغ سو (Äğsu)، قره چای (Qaraçäy)، چشمه کبود (نام ۲۴ روستا)، چشمه نظر سفلی، دهکده شیرکوه، سه یک آب، سیارکلا، شباب بالا، شباب پایین، کوه پشتکوه، رود سفیدرود، اسماعیل کلای بزرگ، اسماعیل کندي، ابری تپه، ارمو کلایه، احمدآباد خاک تپه، اربور دشت، بن ازبک، بند پایین، بند بیشه.

در میان این گونه اسامی جغرافیایی توپونیم هایی نیز به چشم می خورند که هم دارای واژه جغرافیایی اند و هم توپوفورم دارند. مثال : علی آباد پایین ، علی آباد بالا ، کلاته باباچان ، گرد اوه (در بویراحمد) ، میرزا بایلو، باشلان بوشلو - (Bäšlänboşlu) واقع در ارومیه)، بازق چشمه بازق بی (Bäzuq çeşmə Bäzuqbay) (واقع در مشهد).

۲-نام های فاقد واژه های جغرافیایی
اسامی مرکبی که از چند جزء تشکیل شده و هیچکدام دارای واژه جغرافیایی و توپوفورم نبوده و در عین حال از ترکیب چند واژه به وجود آمده اند در مجموعه توپونیمی جایگاه خود را دارند. مثال: بازار جمعه، بویین زهرا، پیربازار، تربت حیدریه، تربت جام، چاه طوس، ایزدخواست، خوشه مهر، درچه پیاز، رباط کریم، دوگنبدان، طاهر گوراب، لشت نشاء ، ماه نشان، مسجد سلیمان، مورچه خورت، چهاردانگه، گنه رشید زغال دان، صندلی شیخ کنعان، هلی خشت سام، واشیان تخت شیر، نو بهار غلام خانه.

در بیشتر اینگونه توپونیم ها بخشی از توپونیم برای توصیف و تبیین و تمایز جزء دیگر از اسامی مشابه بدان چسبیده است. در واقع برای اجتناب از سر درگمی از واژه دوم یا از واژه اول استفاده شده است. مثلاً در "طاهر گوراب" واژه "گوراب" درواقع نشان می دهد که این توپونیم "طاهر" دیگری که وجود دارد نیست بلکه "گوراب" است. "تربت حیدریه" و "تربت جام" در واقع اشاره به مکانی که زمانی

مقدس بوده اند اشاره می کنند که برای توصیف تعلق آن ها با واژه های "جام" (جامی شاعر) و "حیدریه" معین شده است.

توپونیم های دو جزئی از نظر نوع اجزاء تشکیل دهنده آن به شش حالت زیر تقسیم بندی می شوند:

۱- اسم + اسم

۲- صفت + اسم

۳- اسم + صفت

۴- قید + اسم

۵- اسم + قید

۶- قید + صفت

هر دو این بخش ها ممکن است از زبان واحدی باشد یا در هر یک از این حالتها ممکن است بخش اول و بخش دوم هر کدام متعلق به زبان مختلفی باشند. البته این نمونه ها را در مناطقی که زبان های دیگر رایج است ، بیشتر مشاهده می نماییم. تقسیم بندی فوق بر اساس ساختار زبان مورد استفاده تعیین می شود و ممکن است به اشکال دیگری در سایر کشورها برخورد کرد. لیکن تقسیم بندی فوق کلی است و بیشتر زبان های رایج و توپونیم های جهان را دربر می گیرد.

۱- اسم + اسم

از نظر تعداد ، بیشتر توپونیم های چندجزئی را این نوع تشکیل می دهند. در اینجا اسم ممکن است اسم خاص ، اسم عام یا اسم ذات باشد. مثال: بازار ماسال ، باش بلاغ (Bašbulāg)، باش کهریز (Baškahriz) ، باغ انار ، بگجه

خاتون (Bayjaxätun) ، بید عرب ، ملازمان ، ملا یعقوب ،
میرزاخان، میرعبداله ، میرحسن، عثمان دره (Osmändara)
، عرب بازار (Arabbäzär) ، فتحعلی سلطان، تاج خاتون
(Täjxätun) ، شاه ولی (Šähvali)، شیخ جعفر، بیرهادی
(Pirhädi) ، میرزا خلیل، درویش علی، قول حسن
(Qulhasan)، شاه قدم ، پیر قطران (Pir Qaträn) ، خلیفه
کمال ، فقیر سلیمان (Faqir Suleymän).

۲- صفت + اسم

بخش اول این گونه اسم ها صفت و بخش دوم اسم است. در
این گونه نام ها نیز صفت ها و اسم همراه آن به صورت
انواع گوناگون رایج در زبان است. در نمونه های زیر به
توپونیم هایی که هر دو بخش یا یکی از دو بخش از یک زبان
واحد نباشد نیز برمی خوریم. مثال: باریک محله ، باریک کل
، بازکم چای ، بیوک خاتلو ، پست تنگ (Böyükxanlı)
، بیوک قشلاق (Böyükqışlāq) ، سیه کمر، سیه گل، قره قیه
(Qaraqaya) ، تازه کند (Täzäkand) ، دیک داش (Dikdäš)،
ریزآب، پنج کوه ، بانو قشلاق (Bäliqişlāq)، آجی کهریز
(Äjî kahriz) ، آغ آتلیق (Ä ätlîq) ، آغ چای (Äğçäy) ، قارا
کهریز (Qärä kahriz) (۵ مورد)، بالا کهریز (Bäläkahriz) ،
گودگ کهریز (Gödak kahriz) (۳ مورد)، شیرین سو
(Širinsu)، درین سو (Darinsu) ، ایستی سو (Istisu)، قارا سو
(Qäräsü) (۲ مورد)، ینی کهریز (Yengikahriz) (۲ مورد).

۳- اسم + صفت

در این گونه توپونیم ها بخش اول نام جغرافیایی از اسم و بخش دوم از صفت تشکیل شده است. مثال: بیون کهنه (واقع در مشهد) ، قصر شیرین ، سیف خوار ، مالی کوچک ، روشت بزرگ ، باغ دراز ، باغ خندان ، باغ خشک (۴مورد) ، عجم سنگرلی (Ajam sangarli) ، آب ترش ، آبشوران ، دیوآلان (Divälän) ، پالان تۆکن (Pälän tökan) ، گۆز آلان (Gözälän) ، دول آلان (Dulälän) ، حسین آلان (Hüseynälän)

۴- قید + اسم

در این نوع اسامی جغرافیایی قسمت اول از قید و قسمت دوم از اسم به وجود آمده است. مثال : پا تخت ، پا تپه ، پا تاوله ، پاچنار ، سی سر ، بالا سرا ، رو پشته ، روتن ، زیر راه (۲ مورد) ، پشت سرا ، هزار تپه ، هفت سار ، آرخالو (Ärxä zulu) ، آشاقی نینجه (Äšäqi nincä) ، اورته بلاغ (۲ مورد) ، اورتا سو ، اورتا کند ، اورتا قمیش (Ortä qamiš) .

۵- اسم + قید

در این نوع توپونیم ها برخلاف نوع قبلی بخش اول از اسم و بخش دوم از قید عبارت است . مثال : شاخ کنار ، قرنيه دره علیا ، پارچاقلی بالا (Pärçali bälä) ، پارچاقلی پایین.

۶- قید + صفت

در این نوع اسامی جغرافیایی قسمت اول از قید و قسمت دوم از صفت به وجود آمده است . مثال: سی سخت ، هزار چینی،

دسته بندی دستوری

هفت خونی، هشتگرد، بالا بلند (۲مورد) ، اون بیر بیگلی
(Onbir bayli).

دسته بندی معنایی

در این گونه دسته بندی توپونیمها را از نظر معنایی^۱ مورد نظر قرار می دهند. این تقسیم بندی یکی از مباحث شیرین و متنوع توپونیمی است. این تقسیم بندی در هر جامعه، با توجه به فرهنگ، تاریخ، زبان و غیره ساختارهای روبنایی آن جامعه متفاوت است. مثلا کلمات پیر، امامزاده، مسجد، بازار، سلطان، امام، تازه، نو، تاج و غیره، مفاهیمی را ایجاد می نمایند که خاص فرهنگ کشور ما و برخی از همسایگان ما است. احمد کسروی، که پاره ای تحقیقات (زبانشناسی و معنایی) در مورد اسامی انجام داده است، می گوید: "...اگر در آذربایجان (بخوان ایران. مولف) هم به نامهای رودها و کوه ها و آبادیها پردازیم یک رشته از آنها نامهایی است که معنای روشن ندارد... رشته دیگری نامهایی است که ما از راه زبانشناسی پی به معنای آنها برده یا به گمانی درباره آنها رسیده ایم ... رشته دوم نامهایی است که خود معنای روشنی دارد."^۲

^۱. Semantic

^۲. کاروند کسروی، ص. ۲۲۳

وي در مقاله اي تحت عنوان "شناختن نام شهرها و ديه ها و اهميت اين فن" مي نويسد: " همه مي دانيم كه اسامي آبادي هاي ايران بر دو دسته است: دسته اي آن هايي كه هر كدام معني روشن و آشكاري دارد و يقين است كه در زمانهاي دورتر پيدا شده بلكه تاريخ و چگونگي پيدايش برخي در دست است. همچون بارفروش، آهنگران، كوزه كنن، كاغذكنان، ديه نمك، چيتگر، تركان ديه، تلخ اب، مياندواب، سردرود، هشترود، گرمرود، ديه نو، ديه پياز، چهار چشمه، پل شكسته، چشمه كبود، و صدها مانند اينها. دسته ديگر آن هايي كه بازمانده از زمانهاي باستان است و معنيهاي روشن ندارد، همچون ري، ساوه، ساري، تيريز، اردبيل، شوش، نهاوند، قلحك، تجریش، تفرش، ورامين، بوم هين، تارم، كرج و هزارها مانندهاي اينها. دسته نخستين بسيار اندك است ... اما دسته دوم كه بسيار است و شايد بيست يا سي برابر دسته نخستين باشد."^۱

مؤلف كتاب " وجه تسميه شهرهاي ايران" نيز نظر ديگري دارد، و اسامي جغرافيايي را از نظر معنای به صورت زير تقسيم مي كند :

" اسامي جغرافيايي به دو دسته تقسيم مي شود: ۱- نامهايي كه چندان كهن نيستند و در زبان هاي متعارف ساخته شده اند كه آغاز آن به زبانهاي اوستايي، مادي و پارسي باستان (كه حدود سه هزار سال پيش است) بازمي گردد، مانند هربرزييتي (البرز)، هگمتانه (همدان)، و آتورپاتكان

^۱. كاروندكسروی، ص. ۳۷۷-۳۷۸

(آذربایجان). ۲- نامهایی که کهنتر هستند و به بیش از سه هزار سال، باز می گردند که یا آنها به همان صورت باقی مانده، یا تصحیح روشنفکرانه گشته است.^۱

امروزه بیشتر زبانشناسان توپونیمست^۲ (کارشناس اسامی جغرافیایی) اسامی جغرافیایی را از نظر معنا به چهار دسته کلی به صورت زیر تقسیم می کنند:

الف- اسامی جغرافیایی تک واحدی، که معنای آنها روشن است.

ب- اسامی جغرافیایی تک واحدی، که معنای آنها روشن نیست.

ج- اسامی جغرافیایی دو واحدی یا بیشتر، که نیم معنای آنها روشن است.

د- اسامی های جغرافیایی دو واحدی یا بیشتر، که معنای آنها روشن نیست.

البته باید اذعان نمود که بشر هیچگاه اسم بی مسما و بی معنا را به جایی اطلاق نمی کند. به یقین در نامگذاری از واژه هایی استفاده می گردد که در زمان خود مفهوم و مصداق بسیار شفافی داشته اند. البته بر اثر مرور زمان و تحریف اسامی، ممکن است شکل ظاهری توپونیمی برای کاربران آن نامفهوم و مشکل باشد. در اینجا وظیفه زبان شناسان و سایر تلاشگران این عرصه، جمع آوری و گشودن رازهای این گونه کلمات است. از طرف دیگر ممکن است در اثر وضعیت

^۱ حسین توکلی مقدم، ص. ۴-۵

^۲ Topoliguist

های خاص تاریخی، اسامی را به مواردی اطلاق نموده باشند که از نظر زبانی با زبان رایج در منطقه همخوانی نداشته و به تدریج شکل پیچیده و نامفهوم را پیدا کرده باشند. از طرف دیگر باید به خاطر داشت که ثبت اسامی جغرافیایی به صورت علمی در سال های اخیر مورد توجه قرار گرفته و حتی در کتب قدیم دیده می شود که جغرافیدانان و تاریخ نگاران مطالب خود را بر اساس قول و نقل شواهد نوشته و در برخی موارد هنگام ثبت دقیق اسامی دچار اشتباه در ثبت اسامی جغرافیایی شده اند.

امروزه با استفاده از روش تطبیقی در زبان شناسی و بازسازی ساختار واژه^۱ می توان تحریف ها و اشتباهات را تصحیح کرد.

نباید از نظر دور داشت که در هر سرزمین اتفاقات گوناگونی رخ داده که ممکن است در توپونیمی آن سرزمین موثر بوده باشد. برای مثال در دوره هخامنشیان بیشتر کاتبان سنگ نوشته ها، یونانی و بیگانه بودند و در ضبط اسامی به قوانین زبان خود توجه داشته اند. آنها را تقصیری نیست و تنها با استفاده از روش های تطبیقی می توان اصل اسامی را احیا نمود. این موضوع در عصر ما نیز حساسیت خاصی دارد. برای نمونه هنگام ترجمه کتب از زبانی به زبان دیگر باید وسواس به کار برد و اصل واژه را در زبان مبدا به درستی ثبت کرد. برای مثال در ترجمه کتاب "در کرانه های دریای

^۱. Reconstruction

خزر" می خوانیم : "پیش از رسیدن به خرام و بین دو تا سه ایستگاه بعد از آن ، یعنی در موهانلی (Muhānli)، سلاهی (Salāhli) یا سوان لوک (Sevānluk) در دو سمت جاده چندین گورستان دیده می شود.^۱ اصل کتاب ، که به روسی نوشته شده ، ابتدا به آلمانی و سپس از آلمانی به فارسی ترجمه شده و اسامی از نظر املائی و تلفظ تحریف شده اند. زیرا "خرام" (kham) در زبان روسی به معنای بلندی و تپه به کار می رود. "موهانلی" همان "موغانلی" (Mušgānli - یا مغانلی) است و "سوغانلیق" (Soğānliq) در توپونیمی شمالغرب ایران نیز به این صورت رایج است و از نظر مفهوم به معنای محل کاشت پیاز است.

هنگام بررسی اسامی جغرافیایی در منابع رومی، یونانی، هندی، ارمنی، ترکی و عربی و غیره نباید این اصل مهم را به فراموشی سپرد.

معرب کردن اسامی، یکی از مشکلاتی بوده است که از قرون اولیه هجری در توپونیمی ایران تاثیر گذارده است. این تاثیر تا بدان پایه بوده است که مثلاً ضبط یک نام در کتب عربی، به شکل معرب صورت گرفته و سپس حین ترجمه به زبان فارسی، همان اسامی شکل اعراب شده را در واقع صورت اصلی تلقی نموده اند. دکتر ملک زاده دراین مورد مینویسد: "در کتاب فارسی "مسالک و ممالک" که ترجمه ای است متعلق به قرن پنجم یا ششم هجری از کتاب عربی "مسالک و

^۱. گریگوری ملکونوف ، کرانه های جنوبی دریای خزر، ترجمه دکتر امیر هوشنگ امینی، تهران ۱۳۷۶، ص. ۱۹

ممالك" استخري مربوط به قرن چهارم، آمده است که: اقلید (Oqlid) و سرمق (Surmaq) دو پاره شهرند- به پارسی کلید و سرمه خوانند. مطمئناً قرن ها پیش از استخري نام این دو شهر کوچک فارس کلید و سرمه بوده و امروز نیز پس از گذشت قرن ها هنوز مردم آنها را کلید (در لفظ عوام کیلیل) و سرمه (در لفظ عوام سورمه) می خوانند. ... به کار بردن نام های معرب برای نامیدن شهرها و روستاهای ایران به هیچوجه مصلحت نیست و دلیلی ندارد. اگر فرض کنیم ما ایرانیان به هویت تاریخی و جغرافیایی شهرها و آبادیهای کشورمان و به استقلال زبان و فرهنگ خود بی علاقه و از مسائل سیاسی آینده منطقه خود غافل باشیم ، باز به دلایل چهارگانه زیر به کار بردن شکل معرب نامها عاقلانه نخواهد بود:

- ۱- نامهای معرب نازیبا هستند .
 - ۲- نامهای معرب بی معنی هستند.
 - ۳- نامهای معرب غلط هستند .
 - ۴- نامهای معرب گمراه کننده هستند.^۱
- این بخش از توپونیمی در انتظار تحقیقات وسیع و گسترده اهل علم است.

الف- اسامی جغرافیایی تک واحدی ، که معنای آن ها روشن است

^۱ دکتر محمداصغر ملک زاده، نامهای معرب جدال پنهان مردم با تابلوها- بررسی کوتاه درباره لزوم فارسی نویسی نامهای ایرانی شهرها و روستاها، روزنامه همشهری، سال ششم، شماره ۱۵۲، ص. ۱۱

بسیاری از اسامی جغرافیایی دارای معنای روشنی هستند و نام گذاری عارضه جغرافیایی به دلیل تشابه، ممارست، ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با معنا و غیره عواملی دارد که به پاره ای از آنها در زیر اشاره می گردد:

۱- اسامی تک واحدی که از نام قبایل و طوایف گرفته شده اند. این گونه نام ها در کلیه نقاط کشور وجود دارد. توپونیم هایی که معرف نام طوایف و قبایل باشند، ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم با آن طایفه ها دارید. مثال: بیات (Bäyät)، عرب (۵ مورد)، عرب ها (۲مورد)، آبدال (Äbdäl)، عبدال (Äbdäl)، آلیاوت (Älpäut) (۲)، ارمنیان، بیگدلی (Baydilli)، ایلخانلر (Elxänlär)، آبدالار (Äbdällär)، قجر (Qajar) (۳مورد)، قرخلر (Qîrxlar) (۵ مورد)، قز (Qaz)، قزان (Qazän) (۴مورد)، آریان (Äryän)، ایلخچی (Ilxçi) (۴مورد)، کرد (Kord)، کردان (Kordän) (۵ مورد)، کردلر (Kurdlar) (۶مورد)، خزرآباد، خزران (Xazarän)، شاملو (Šämlu)، جورابلو (Juräblu)، گرجی (Gorji).

۲- اسامی تک واحدی که از نام حیوانات گرفته شده اند. این نوع اسامی اغلب ویژگی طبیعی منطقه را به لحاظ زیست محیطی نشان میدهند. مثال: آهو (۳مورد)، آهوان (۳مورد)، اسبان، اسبک، اسبی، اسد، اشترا، اشتراک، باز (۲مورد)، بز (مورد ۲)، بزان، بزج (۲مورد)، توراغای (Turägäy)، قورتلو (Qurtlu)، گویرچین (Goyarçin) (۳مورد)، ایلانلی (Ilänli)، سیچانلی (Siçänli)، قارقا (Qärqä) (۲مورد)، پلنگلی (Palangli)، ر دایلار (Däylär).

۳- اسامي تک واحدی که از نام **گلها** ، **گیاهان** ، **نباتات** و **میوه ها** گرفته شده اند. این اسامي اطلاعات بسیاری غنی را در مورد طبیعت منطقه در خود احتوا میکنند. مثال : آلو (۴مورد)، آلوچه (۲مورد)، آمالو (Älmäli) ، انجیران (۳مورد)،، انگور ، انجیرک (۱۸مورد)، انجیرلو (Anjirlu) (۳مورد) ، انگوران (۴مورد)، انگوری، ایده لو (Idalu) (۱۲مورد)، بابونه ، بادامستان (۱۰مورد)، برگ (۴مورد)، بیدستان (۱۶مورد)، بیدک (۲۰مورد)، قارایوشان (Qärä yošan) ، قارتیکان (Qärtikän)، چنارستان، ایاس، اریکلی (Arikli) ، بادامیار، سرو (۲مورد)، ریحان (۲مورد) ، آرموتلو (Armutlu) (۲مورد)، چنار (۷مورد)، سوغانلو (Soğanlu) (۲مورد)، خیارک، چنارلق (çinärliq).

۴- اسامي تک واحدی که از نام **ابزار و آلات** گرفته شده اند. در برخی از اسامي اشیاء معانی مجازی را میرسانند و یا ارتباط مستقیمی با شئی مورد نظر ندارند. این مثالها عبارتند از : قاشق (۲مورد)، آفتابه (۲مورد)، آهندان، باشماق (Bäšmäq) (۵مورد)، بالابان (Bäläbän) (۴مورد)، قپوز (Qopuz)، بیرق (Beyraq) (۴مورد)

۵- اسامي تک واحدی که نام **اشخاص** را می رساند. در میان این نامها اسامي شخصیت های تاریخی و معاصر را نیز می توان مشاهده کرد. برخی از این اسامي نام سازنده هستند و یا به یادبود آنها این اسامي ساخته شده اند. مثال: قاسم، ابوالمعالی، ابولقاسم، ابولخازن، قاضی (۵مورد)، ابن بابویه، احمد، ابولفتح، ابواسحاق، اتابک (۶مورد)، اسفندیار، اشرف،

اشکان ، افراسیاب ، ازبک (Ozbak) (۴مورد)، الیاس ،
، انوشیروان (۳مورد)، اولاکو ، بابک ، بابکان (۲مورد)،
شبان، بهروز، تاح الدین، پری، زری، لیلان (Leylān)
(۲مورد)، منور، منقوتای (Monqutāy) ، منصور، فریدون،
ابراهیم (۲مورد) ، ارغون (Arğun)، حافظ.

۶- اسامی تک واحدی که اصطلاحات مذهبی را می‌رسانند.
مثل امامزاده (۱۲مورد)، بقعه (۶مورد)، قبله (۳مورد)،
قدمگاه (۱۶مورد)، آتشکده ، اله آباد ، امام (۴مورد) .

ب - اسامی جغرافیایی تک واحدی، که معنای آن روشن
نیست

این گونه اسامی که بخش عظیمی از توپونیم های هر منطقه
یا کشور را تشکیل می دهند، پیوسته ذهن انسان را به خود
مشغول می کنند. اسامی به دلایل مختلف ممکن است از نظر
مفهوم مبهم باشند. در وهله نخست، آن دسته اسامی از نظر
معنا مجهول هستند که تا کنون مورد تحقیق قرار نگرفته اند .
دیگر اینکه اسامی مبهم ممکن است اسامی بسیار قدیمی باشند
که به دلیل منسوخ شدن آن کلمه و خروج آن از دایره کاربرد
زبان، معنی آن مبهم شده است. امکان دارد برخی از این
گونه اسامی در اثر تحروف، صورت اصلی خود را از دست
داده ، لذا در زمره واژه های پیچیده قرارگیرند. از طرف
دیگر پاره ای از این گونه اسامی ممکن است از سایر زبان
ها به شکل نادرست وارد توپونیمی یک منطقه شده باشند و
بدون ترتیب مفهوم اولیه آنان تغییر کرده باشد. اسامی در
عین حال امکان دارد شکل های کتبی و شفاهی یک نام ،

مختلف باشد به طوریکه شکل شفاهی درست و شکل نوشتاری آن نادرست انتقال یابد، یا بر عکس و در زمره اسامی مبهم قرار گیرند. برخی از اسامی پیچیده و مبهم از سایر زبان ها و لهجه ها ترجمه شده و معنی مجازی مورد استفاده در منبع اولیه را از دست داده و معنی آن مبهم گردیده است. ممکن است اسامی مبهم منسوب به زبان های فراموش شده و منسوخ باشند. البته گردآوری اسامی تحت عنوان مبهم و یا اسامی که معنای آنان روشن نباشد امری دشوار است. چرا که ممکن است اسمی که معنایش از نظر یک محقق روشن نباشد، برای خیل بسیاری از علاقمندان روشن باشد.

ج- اسامی جغرافیایی که قسمتی از معنای آنها روشن است
این نوع اسامی از دو یا چند جزء تشکیل شده اند. همانطوری که در بخش های قبل اشاره شد، شاید اطلاق معانی روشن خود کاملاً گویا نباشد. زیرا که کم نیستند اسامی که مفهوم آنان برای ما کاملاً روشن است. به هر صورت اسامی جغرافیایی را از نظر روشن بودن معنا و مفهوم بخشی از آن می توان به صورت های مختلف زیر (۱۵ نوع) دسته بندی کرد. در این گونه اسامی، بخشی از اسم چه جزء اول، دوم یا سوم از کلماتی تشکیل شده اند، که مفهوم لغوی آن روشن و شفاف است. استفاده از این گونه واژه ها یا به دلیل تشابه یا مفهوم مجازی واژه است. البته این بدان معنی نیست که لزوماً مفهوم بخش دیگر مبهم باشد. تنها از نظر دسته بندی یکی از بخشهای آن، " نیمه روشن " را اطلاق می کنیم .

۱- اسامی که یک جزء آن ها گویای رنگ باشد

در این گونه توپونیم ها ، قسمت اول یا قسمت دوم از کلمات
 مبین رنگ ها تشکیل یافته است. بر اساس نظر زبان شناسان
 ، این گونه اسامی قدمت بیشتری دارند. در بررسی اسامی
 موجود در کشورمان اسامی رنگ های سفید ، سیاه ، کبود ،
 سبز ، زرد، زر ، سرخ (در زبان فارسی) و در زبان ترکی
 و توپونیم های ترکی اسامی رنگ های آغ (Äğ) ، قره
 (Qara) ، یاشیل (Yäşil)، ساری (Sārî) و گوی (Göy) را به
 عنوان بخشی از توپونیمی می بینیم. مفهوم رنگ صرفاً
 ماهیت ظاهری اسم را مشخص نمی نماید. رنگ ها در
 فرهنگ های مختلف معانی گوناگونی دارند. در میان ترکان
 و چینی ها، رنگ گویای سمت ، کمیت و کیفیت است. همان
 طوری که در میان هندیان مفاهیم مقدس را بیان می کنند. در
 فرهنگ ایران و شرق رنگ ها ، بار معنایی متعددی دارند و
 به همین جهت در توپونیم ها به طور گسترده به کار رفته اند.
 مثال : سفید رود، سفیدکوه (۴مورد) ، سفیدآب (۷مورد)،
 سفید تور شرقی، سفید تور غربی ، سفید قبا، سفید چشمه ،
 سفید دانه ، سفیددشت (۵مورد)، سفید سنگ، سفید نهال، سفید
 کهریز، سیاه دره (۱۱مورد)، سیاهدشت (۸مورد)، سیاه
 سر (۴مورد)، سیاه سیاه، سیاه قرآب، سیاه بیشه، سیاه افشار،
 سیاه بیجار، سیاه اسطوخ (۴مورد)، سیاه اشکفتو (Siyah
 aškəftu) ، سیاه پیران ، کبود چال، کبود چشمه ، کبود دره
 (۴مورد)، کبود کلايه، کبود گنبد (۵مورد)،
 سبزآب (۴مورد)، سبز بلاغ (Sabz bulāğ) ، سبز پوشان
 (۲مورد)، سبز چاه، سبز علیخان، زردکوه ،
 زردآب (۳مورد)، زردکمر، زرد شمع، زرد رود، زرد تل،
 زرد خشو، زرد خونی ، زرد چال ، زرد خانه، زر چای،

زرچیستان، زر چوبیه، زر بیچار، سرخ کلات، سرخ آب
 (۳مورد) ، سرخ چاه، سرخ دره (۳مورد)، سرخ ده (۵
 مورد) ، سرخ رز، سرخ رود ، سرخ بید ، سرخ کوه
 (۴مورد) ، سرخ کلا (۴مورد)، سرخ کلات، قره تپه (Qara
 tapa) (۱۹مورد)، قارا توپراغ (Qārā toprāg)، قره چوبان
 (Qaraçobān)، آغ گول (Äggöl)، قره خان (Qara xān)،
 ساری قامیش (Sārî qāmîš) (۳مورد)، قزل داغ (Qızıl dağ)
 (۳مورد) ، گوی داش (Göy dāş)، آلابولاغ (Älä bulāğ)
 (۲مورد) ، یشیل باش (Yaşılbaş) .

۲-اسامي که یک جزء آن ها گویای کیفیت عمومی باشد

در این گونه توپونیم ها بخشی از اسم که واژه هایی مثل
 "نو"، "تازه"، "کهنه"، "جدید"، "قدیم"، "زیبا"، "کهن"
 و نظایر آن را دربر دارد، در مورد وضعیت ظاهری توپونیم
 اطلاعاتی می دهد و بخش دیگر را تبیین می نماید. این گونه
 اسامي اغلب از نظر پراکندگی و موقعیت جغرافیایی بسیار
 نزدیک به یکدیگراند. مثال : تازه آباد (۶۳مورد) ، تازه شهر
 ، تازه قشلاق ، تازه قلعه (۶مورد) ، تازه کور (Tazakand)
 (۷۵مورد)، نوآباد (۱۵مورد)، نو بهار (۲۱مورد)، نوییجار،
 نودشت، نودوز (Noduz) ، نوچمن، نوده (۵۵مورد) ، نوده
 کهنه، نوده گناباد ، کهنه آغاز ، کهنه ده (۷مورد) ، کهنه
 حصار (۴مورد) ، کهنه قلعه (۸مورد)، کهنه
 کند (Kohnakand) (۳مورد)، کهنه لاهیجان، کهنه نسا، کهنه
 میانداب (Kohna Miyändāb)، کهنه گوراب (۲مورد) ،
 جدیدآباد، جدید ده ، کهن آب (۹مورد)، کهن آباد (۲مورد)،
 کهن بید، کهن بیدسر، کهن چنار، کهن رود، کهن ملا، کهن

ملک، کهن مور، قدیم آباد (۲مورد)، قدیم خان، قلان نو، قلا نو، آسیاب کهنه، آغداش جدید (Äğdaş jadid)، آغداش قدیم (Äğdaş qadim)، ینی کند (Yeni kand)، تزه کند شاهوردی (Tazakand Šähverdi)، تزه کند دیوانلیق (Tazakand divānlîq)، ینگه آرخ (Yengi ärx)، اسکي بغداد (Aski Bāğdād)، اسکي دره (Askidara)، کهنه باروت (Köhna bārit)، کهنه کند (Köhna kand) .

۳-اسامي که یک جزء آن ها گویای اعضای بدن باشد

در این گونه اسامي جغرافیایی، نام اعضای بدن یکی از قسمت های توپونیم است. کاربرد این واژه ها در اسامي جغرافیایی هم به مفهوم حقیقی و هم به مفهوم مجازی در نظر است. بر اساس باور زبان شناسان از آنجا که نخستین واژه های ابداعی بشر کلمات نشاندهنده اعضای بدن بوده، در این صورت این گونه اسامي جغرافیایی نیز قدیمتراند. توپونیم هایی که در آنها از کلمات "چشم"، "سر"، "دست"، "پا"، "پاچه"، "کمر"، "ساق"، "ابرو"، "صورت" در زبان فارسی و معادل آنها در زبان ترکی، مثل "باش" (bāš)، "ال" (al)، "گوز" (Göz)، "پل" (bel)، "قاش" (qāš) و غیره استفاده شده باشد، در اغلب نقاط ایران دیده می شود. مثال: اق پیچوک، ساق آباد، ساعد آباد، دست شاه، دست کنده کلا، دست خضر، دست خرد (۲مورد)، دست به زانو، دست جان، سر چشمه (۲۷ مورد)، سرچاه (۴مورد)، سر زال، سرچنار، سر چوقا، سرچین، سر حوض بالا، پاتخت (۲مورد)، پا تپه، پا تاوه (۸مورد)، پاپشت، پا تل (۳مورد)، پا درب، پا دربند بالا، پادربند پایین، پا زرد، پا سنگر، پا سنگ بالا، پا سنگ پایین،

پا قلعه (۱۷مورد)، پا کوه (۸مورد)، پامزار، پا کم (۷مورد) ، پاچه گاو، پاچه کنار، پاچه لک، پاچه دار بلوط، پاچه چله (۲ مورد)، کمر آب (۴مورد)، کمر رود، کمر زرد، کمر سبز (۲مورد)، کمر سر (Kamar sar)، کمر سرخ، کمر سفید (۳مورد)، کمر سیاه، کمر سوراخ، چشم خونی، چشم دره، چشم شاه، چشم قوله، قره بورون (Qara burun)(۲مورد)، قره قاش (Qara qāš)، آغ بورون (Äğ burun)، قارا سقل (Qara saqqal) (۲مورد) .

۴-اسامي که یک جزء آن ها گوياي مقدار و کمیت باشد

در این دست ه از اسامي، واژه هایی مثل "کم" ، "زیاد" ، "بیش" و غیره وجود دارند و مفهوم کمیت را می رسانند. گاهی اعداد مورد استفاده قرار می گیرند. در بیشتر مواقع این گونه اسامي یا به هم نزدیک اند و یا در یک منطقه قرار دارند. لازم به ذکر است که استفاده از برخی از اعداد در فرهنگ کشورهای گوناگون موید و کمیت نیست و معنای اسطوره ای دارد. از طرف دیگر برخی از اعداد مفهوم تقدس را نیز تداعي می نمایند. مانند عدد سه، هفت، چهل در فرهنگ اسلامی. لذا ممکن است در یک اسم جغرافیایی عددی به کار رفته باشد که مفهوم آن کمیت نباشد. مثال: چهار باغ (۱۸مورد)، چهار برج (۱۷مورد)، چهار ده (۱۴مورد)، چهار بیشه (۸مورد)، چهل چشمه (۶مورد)، چهل دختران (۳مورد)، چهل گزی (۴مورد)، چهل کره (۲مورد)، پنج آب (۲مورد)، پنج خروس، پنج کوه، پنج انگشت (۲مورد)، پنجاه تومانی، دو آب (۱۹مورد)، دو اسب، دو تپه، رو حوا ، دو دانگه (۷مورد)، دوازده امام

(۵مورد)، سه دره (۳مورد)، سه ده (۶مورد)، سه سر، سه قلعه (۲مورد)، سه چشمه، سی پاره، سی پریان، سی جیران (Si jeyrān)، سی جوال، سی زر، سی سر، سی صد، یک لنگه (۵مورد)، یک یاغی، یک برجی، یک مور، یک ماله (۲مورد)، ده باغ (۶مورد)، ده آواز، ده امام، ده امامزاده، ده امامی، ده پیر (۲مورد)، شش آب (۲مورد)، شش جوان، شش کلاله، شش گور، شصت پا، شصت دره، شصت پیچ، شصت شبی، هفت چشمه (۲۲مورد)، هفت تپه (۲مورد)، هفت امام، هفت تاش، هفت تن (۲مورد)، هشت پر، هشترو، هشت پیمان، هشت جفته، هشت تیکه، هفتاد رود، هفتاد میش، هشتاد جفت، هشتادون، نود راز، صدبار، صد دروازه، صد گل، هزار دره، هزار تپه، هزار جریب (۳مورد)، هزار رود، قز قبری یک (Qîz qabri yek)، قز قبری دو (Qîz qabri do)، قز قبری سه (Qîz qabri se)، قز قبری چهار (Qîz qabriçahar)، یددی بولاغ (Yeddi bulağ) (۳مورد)، قرخ بولاغ (Qîrx bulax) (۹مورد)، آزانبار (Äzānbār)، مین آباد (Minabad)، الی قشلاق (Ali qışlaq)، دورت آعاج (Dört Altınş Altı) (Ältmîş altı)، تک بولاغ (Tak bulağ).

۵- اسامی که یک جزء آن ها گویای حجم باشد

در این گونه نام ها کلماتی به کار رفته اند که مفهوم حجم را بیان می کنند. اینگونه کلمات در بیشتر مواقع دال بر تعدد نام اند. در میان توپونیم های ایرا، به نام هایی وجود دارند که یک بخش آنها "ریز"، "درشت"، "خرد"، "خرده"، "کلان"، "باریک"، "باریک"، "نازک"، "قطور" و غیره هستند. مثال: بزرگ آباد (۲مورد)، بزرگ بیشه محله،

باریک کلا، باریک محله، باریکه بالا، باریکه پایین، باریک
 آبسر، باریک آب (۴مورد)، خرد دریا، خرد محله (۳مورد)،
 خرده بولاغ، خرده چشمه، خرده قشلاق، ریز وند بالا، ریز
 وند پایین، قطور بولاغ، قطور لار (۲مورد)، روند کوچک،
 روند بزرگ، جیبر بزرگ، جیبر کوچک، ریز آب (۵
 مورد)، ریزآباد (۲مورد)، ریز سر، ریزتوت، اولو ببیگ
 (Ulu bay)، اولو قشلاق (Ulu qışlaq)، بویوک بولاغ
 (Böyük bulāğ)، بویوک گوروان (Boyuk gorāvān)،
 کیچیک قیزقلعه (kiçik qîzqälä)، کیچیک قارینجا (kiçik
 qārinjä)، ایری داغ (İridāğ)، خرده قشلاق (Xirdä qışlaq).

۶-اسامي که یک جزء آن ها گویاي خصوصیت فیزیکی یا شیمیایی باشد

در این گونه اسامي بخشی که معنای خصوصیت فیزیکی را
 دارد مورد استفاده قرار گرفته است. کلماتی مثل "گرم"،
 "سرد"، "تلخ"، "تر"، "شیرین"، "خشک"، "چرب"،
 "ترش" و غیره دیده می شوند. این گونه اسامي در هیدرونییم
 ها یا اسامي منابع آبی بیشتر دیده می شوند. مثال : شیرین آباد
 (۱۳مورد)، شیرین آب (۴مورد)، شیرین بلاغ (Şirin bulag)
 (۷مورد)، شیرین چشمه (Şirin ceşma)، شیرین سو (Şirin
 su) (۳مورد)، شیرین کند (Şirin kand) (۲مورد)، آب
 شیرین، تلخ آب (۳۳مورد)، آب تلخ (۲مورد)، تلخ خزانه،
 تلخ بخش، آب سرد (۹مورد)، سردآب (۱۷مورد)، سرد
 رود (۲مورد)، گرم آب (۳۰مورد)، گرم خانه، گرم دره
 (۸مورد)، گرم دشت، گرم رود، خشک رود (۱۰مورد)،
 خشکتاب، خشکسر، خشک آباد (۴مورد)، ترش آب

(۴مورد)، آب ترش (۳مورد)، ترش انبه، ترش شوک، ترآباد (۲مورد)، ترآب (۶مورد)، ترجان، یاغلی بلاغ (Yäğlı bulāğ)، یاغلی ماراما (Yäğlı mārāmā)، آبشور (۵مورد)، آبشوران، قوروچای (çäy Quru)، قورو بولاغ (Quru bulāğ)، سویوخ کهریز (Soyux kahriz)، ایستی سو (Isti su)، ایستی باغچا (bāğčā Isti)، آحو کهریز (Āji kahriz)، شیرین درق (Širin daraq).

۷- نام هایی که یک جزء آن ها گویای اندازه و بعد باشد

اسامی که یک جزء آن ها معنای بعد و اندازه را بدهد، در مجموعه توپونیمی کم نیستند. در اینجا کلماتی مثل "دراز"، "کوتاه"، "بلند"، "طویل"، "اوزون" (uzun)، "گوده" (gövdä)، "دیک" (dik) و سایر مورد استفاده قرار گرفته اند. مثال: دراز محله (۲مورد)، دراز لات (Derāz lāt) (۲مورد)، دراز آب (۳مورد)، دراز دره (Derāz darre) (۲مورد)، کوتاه دره، بلند پرچین، بلند پی، بلند دشت، طویل دراز (Tavil derāz)، اوزون تاش (Uzun täš)، اوزون قشلاق (Uzun qışlāq)، اوزون قویو (Uzun quyu) (۲مورد)، گوده کهریز (Gövdä kahriz) (۲مورد)، دیک داش (Dikdāš)، اوزون دراز (Uzun dirāz)، اوزون قیه (Uzun qaya).

۸- اسامی که یک جزء آن ها گویای شکل ظاهری یا خارجی باشد

در نامگذاری شکل خارجی و بیرونی توپونیم نیز نقش دارد. اسامی بسیاری در ایران وجود دارند، که در آنها کلمات "راست"، "پهن"، "کج"، "گرد"، "کروی"، "سوراخ"،

"صاف"، "هموار"، "ایری" (ayri)، "یاستی" (yästî)، "دلیک" (dalik)، "گرده" (girda) و سایر به کار گرفته شده است. مثال: راست گویان، راست کردن، راست آباد، راست آب، پهن آباد، پهن آب محله، پهن حصار، کج روستا، کج درخت (۲مورد)، کج کلاه، کج گردن، کج ناخن، گرد آب (۱۵مورد)، گرد آباد، گردآلو (Gerd Älu)، گرد چشمه، گرد سایه (۲مورد)، کمر سوراخ (kamar suräx)، هموار کنده (Hämär kandi)، یاستی بولاغ (Yästî buläğ) (۲مورد)، یاستی کند (Yästî kand) (۲مورد)، یاستی قلعه، ترس کوه (Tars kuh)، ایری داغ (Ayri däğ)، ایری بوجاق (Ayri bujä)، یومورو داش (Yumuru däš)، گرده سنگ (Girda sang)، گرده گرو، گرده گل، دوزکند (Düz kand) (۳مورد)، دوز قشلاق، دوزآغل (DüzÄğıl)، دلیکلی داش (Dalikli däš)، دلیک داش (Dalik däš) (۳مورد)، دلیک یارغان (Dalikyärgän) (۳مورد).

۹-اسام که یک جزء آن ها گویای قصور و کمبود باشد کمبودها و نارسایی های فیزیکی مخصوص انسان، انعکاس خود را در این گونه اسامی جغرافیایی پیدا می کنند. در توپونیم های موجود ایران، واژه هایی مثل "کور"، "کچل"، "شل"، "لنگ"، "تاس" و غیره در این مفهوم به چشم می خورد. باید توجه نمود که برخی از اسامی اگرچه از نظر حرف نویسی (Transliteration) مشابه هستند، لیکن از نظر آوایی به علت استفاده مشترک در دو زبان مختلف فارسی و ترکی دارای تلفظ و در نتیجه آوانگاری متفاوت هستند. مانند صفت "کور" (Kur) و "شل" (Šal) فارسی که به صورت

"کۆر" (Kör) و "شون" (Šil) در زبان ترکی تلفظ و باید ثبت شوند، لیکن در اکثر منابع مورد استفاده به غلط ضبط شده اند. مثال : کچل (Kaçal) (۲مورد) ، کورآد (Kör Äd) ، کور چشمه (Kur çeşme) (۴مورد)، کور ده (Kur deh) (۳مورد)، کورخانه، کور غیاث بیگلو، کۆر بلاغ (Kör bulā) (۴مورد)، کچل منگان، کچل آباد (Kaçalābād) (۶مورد)، کچل احمد، لنگ آب، لنگرود (Langrud) ، شل دره (Šal darre) ، شل دره سی (Šil darasi) ، شل محله (Šal mahalle) (۲مورد)، کچل داغ (Kaçaldäg) ، کچل درق (Kaçaldäräq) ، کچل لالو (Kaçal lallu) ، تاس توقار (Täs tuqär) ، تاس کند (Täs kand) ، کورملا (Kör mollä) ، کور عباسلو (Kör Abbäslu) ، کۆسه احمد کۆسه کندی (Kösä Ahmad kösa kandi) ، قطور بلاغ (Qotur bulā) .

۱۰- اسامی که یک جزء آن ها موقعیت جغرافیایی را نشان

دهد

در این گونه توپونیم ها، کلمات گویای موقعیت جغرافیایی بعنوان یک جزء مورد استفاده هستند. واژه هایی مثل سفلی، علیا، وسطی، بالا، پایین، جنوب، شرق، غرب، شمال، پا، پای، پس، پیش، میان، وسط، روبرو، زیر، بن، پی، بر، چپ، راست و غیره جزئی از نام این گونه توپونیم ها هستند. مثال : پیشکوه، پیش دره، پیش کنار، رپیک بالا، رپیک زیر، رجباب بالا، رونیز بالا، رونیز پایین، آغ دره وسط، آغ دره بالا ، آغ دره پایین، آنی بالا، آنی پایین، آنی وسط، اپووار پایین، اپووار سفلی، احمیر علیا، احمیر سفلی، اسفورین چپی، اسفورین راستی، زیر پل، زیرکوه، زیر کوه

شالو، زیر پا، زیر پر، زیر بند، یاریم قیه وسط، یاریم قیه بالا، یاریم قیه پایین، درون کلا شرقی، درون کلا غربی، هلودر وسط، هلودر بالا، هلودر پایین، کلاب پشت (۲مورد)، اشرف آباد شرقی، گونی کندی، گوری جنوبی، گوری شمالی، بید شمال، پس باغ، پس آوه، پس پشت (۲مورد)، پس آباد، پشت تپه، پشت بند (۲مورد)، پشت آب (۲مورد)، پشت دربند (۲مورد)، پشت قلعه (۲مورد)، روبیات، رو تک، رو پشت، پا قلعه (۱۷مورد)، پاسنگ بالا، پاسنگ پایین، پامزار، پای املزاده، پای افزار، پای استان، پای پل علیا، پای پل وسطی، پای پل، پای کوه، پی سرا (۲مورد)، پی قلعه، پی کوه (۴مورد)، پی گذار (۳مورد)، پی گنبد، بن بید، بن چنار، بن آسیاب، گونه فارشی (Güna qarşı)، قانلی گوزنی (Qanlı gūzey)، آغ گونئی (Äğgüney)، گلی گوزنی (Güllü güzey)، قزل گونئی (Qizıl güney)، باش کهریز (Baş kahriz)، اورتا قشلاق (Orta qışlaq)، اورتا کور (Orta kand) (۴مورد)، اورتاسو (Orta su)، قانشر بلاغ (Qanşar bulāğ).

۱۱- اسامي که یک جزء آن ها گویای آلات جنگی باشد

اصطلاحات حربی، نظامی، جنگی و کلمات معرف آلات و ادوات جنگی در این گونه اسامي دیده می شود. کلماتی مثل "سرباز"، "سپر"، "طبل"، "شمشیر"، "خنجر"، "توپ"، "نیزه"، "شلاق"، "سردار"، "قامچی" (qāmçı)، "یساول" (yasāvul)، "قیلنج یا قیلچ" (qilinj- qiliç)، "قوپوز" (qopuz)، و بسیاری کلمات دیگر که در قدیم مورد استفاده بوده است و امروزه تقریباً منسوخ شده اند به عنوان بخشی از این گونه توپونیم ها مورد استفاده قرار می گیرد. مثال: میدان

توپخانه، توپ آغاچ (Top ägäj)(۲مورد) ، توپچی کندی
(Top kandi)، توپ قره (Top qara)(۲مورد)، میدان سرباز،
پاشا بیگ، پاشا بیگلو، پاشا کلا (Päšä kala)(۴مورد)،
خنجر آباد (۴مورد)، خنجر بلاغ (Xanjar buläğ) ، خنجرخان
(Xanjar xän) ، خنجر قشلاقی، شمشیر گرد، شمشیر خانی،
شمشیر بالا، شمشیر پایین، پسردان (۲مورد)، سپرغان، نیزه
رود، نیزه دوان ، نیزه بالا، نیزه پایین، طبل دیر، طبل
شگین، طبل گاه، تیراندازه ، تیراندازی ، تیرافجان، تیر
شهاب، تیر کلا(۴مورد) ، تیر کمان، تیر کج، تبرآباد، تبر
کوه، تبر کلای گل رودبار، گرز دره ، منجنیق چی
(Manjaniqçı) ، یساوول باشی (Yasävul bāšî) ، قلیچ خان
کندی (qiliç xän kandi) ، آغ کند باروق (Äğ kand bāruq)،
شورجه باروق (Šorjā bāruq) ، قوپوز (Qopuz) ، دلیک
یارغان (Dalik yärğan)، باش باتمانقیلیچ (Baš bātmān)
(qilic) ، قیلنج قشلاقی (qilinj qîšlāqı) ، قامچی قیه (Qāmçı)
(qäyā) ، قرجه آربات (Qaraja ärbät).

۱۲-اسامی که یک جزء آن ها گویای لقب باشد

اسامی بسیاری هستند که در آنها از القاب استفاده شده یا
بخشی از آن مفهوم لقب را می رسانند. در این گونه اسامی
القابی مثل "سلطان"، "شاه"، "خان"، "خاتون" (xātun)،
"امیر"، "بیگ"، "درونش"، "ملا"، "آخوند" ، "زاهد"،
"چاوش" (čavuš) ، "پیر" و غیره به چشم می خورد. مثال:
شاه آباد (۶۳ مورد)، شاه بلاغ (Šäh buläğ) (۱۰مورد) ،
شاه بلاغی (Šäh bul) (۵مورد)، شاه بداغ (Šäh budäğ)
(۵مورد) ، شاه تپه (۴مورد)، شاه پسند (۶مورد) ، شاه باغی

(Šāh bāgī) (۳مورد)، شاه اجاق (Šāh ojaq)، شاه افرا، سلطان آباد (۹۷مورد)، سلطان کوه، سلطان کندي، سلطان سرا، سلطان ساق (Sultān sāq)، سلطان بلاغ (Sultan ُbulā)، سلطان دره، امیر آباد (۱۸۵مورد)، امیر سرا (۲مورد)، امیرکلا (۴مورد)، امیر کوه (۲مورد)، امیر ده (۴مورد)، امیر بنده، امیرکندي، درویش آباد (۷مورد)، درویش کلا (۲مورد)، درویش گرمز، درویش غیل، درویش بقال، درویش امیر، آخوند محله (۴مورد)، آخوند قشلاق، آخوند ملک، آخوندان، بیگ بلاغي (Bay bulāg) (۳)، بیگ کندي (Bay kandi) (۲مورد)، بیگ وردی (Bay verdi)، بیگ درونش، بیگ دره (Bay darre)، بیگ خاتون (Bay xātun)، خاتون آباد (Xātun ābād) (۲۰مورد)، خاتون دره (Xātun darre)، خاتون کندي (Xātun kandi)، خاتون باغ (Xātun bā)، خاتون استی (Xātun asti)، خان آباد (۳۷مورد)، خان امیر (۲مورد)، خان امیران، خان بلاغي (۲مورد)، خان باغي (Xān bağī) (۳مورد)، خان تپه، خان چشمه، خان چای، پیرآباد (۵مورد)، پیر آغاج (Pir āğāj)، پیر آغاجی (Pir āğāji)، پیر بیشه، پیر چوپان (pir çobān)، پیر بنو، پیر باغي (Pir bāgi)، پیر بdaq (Pir budāg) (۲مورد)، چاوش قلی (ävüş quli)، چاوشان (۳مورد).

۱۳- اسامي که در آن ها یک جزء تکرار شده باشد
واژه هاي موجود در این گونه اسامي معمولاً مانند کلمات
نشاندنده صداهاي موجود در طبیعت هستند. قدمت این گونه
اسامي با توجه به نظر زبان شناسان در مورد منشاء زبان که
یاشي از تقلید اصوات زبان است، نسبت به سایرین بیشتر

است. مثال: خرخر (۶ مورد)، پس پس ، چرچر (۲مورد)، کرکر (۲مورد)، کره کره، بادباد، پس پس، بربر (۳مورد)، بالا بالا ، چه چه ، خورخور (۳مورد)، بوربور (۴مورد)، توتو (۲مورد)، حق حق، چپ چپ، هال هال، هال هال سفلی، هال هال علیا، جقل جق علیا، جق جق سفلی، زر زر ، فارفار، سورسور، (کوه) هول هول، (کوه)گورگور (کوه) تک تک، (کوه) چیر چیر(کوه) جاق جاق، (کوه)، چک چک، شرشر.

۱۴- اسامي که یک جزء آن ها گوياي مفهوم مجازی باشد

در این گونه توپونیم ها ،کلمات در معنای حقیقی مورد استفاده نیستند و در معنای مجازی به کار می روند. مثال : دست به زانو، دوه بویونو (Dava boyunu) (به ترکی گردن شتر معني میشود در اینجا به معنای در از و بیقواره مورد استفاده است)، (کوه) سم خر، (کوه) شتر گردن ، (کوه) گردن باریک، (کوه) کافردوغ ، (کوه) کاسه ماست، (کوه) دم کلاغ، (کوه)کچل احمد، (کوه)نره خر کوه، (کوه) گاوخسبان، (کوه) گوش خر، (کوه) گوش خري، (کوه)گوي خري، (کوه) یال خري، دوه بوینو (Dava boynu)، قارني یاریخ (Qärnî yärîx) (۲مورد) .

۱۵-اسامي که یک جزء آن ها گوياي حرفه و شغل باشد

اسامي حرفه و مشاغل خاص ادوار گذشته ، در این گونه اسامي جغرافیایی بخشی از توپونیم را تشکیل می دهند. مثال : خراط کلا (Xarät kalä) (۲مورد) ، خراط محله (۲مورد)، درزي دشت، درزي کلا (۸ مورد)، درزي کوتي، درزي

گواهر، درزي محله (۳مورد)، درزي ولی (Darzi Vali)،
درزي نقيب كلا ، چوستدوزلار (Çostduzlär)، کرناچي
(Kornäçi)، توپچي محله (Topçi mahalle).

۱۶- نام هایی که یک جزء آن ها گویای نوع عارضه باشد
در این نوع اسامي کلمه ای که نوع عارضه را بیان میکند
میتواند ارتباطی با نوع واقعی عارضه نداشته باشد. مثلا در
نام (کوه) کوه دماوند کلمه کوه مستقیما به نوع عارضه اشاره
میکند ، لیکن در نام (شهر) فیروزکوه کلمه کوه ارتباطی با
عارضه کوه ندارد. اسامي که در آنها اصطلاحات جغرافیایی
استفاده شده اند عبارتند از: ده شیخ (۲۲ مورد شامل نام
روستا ، کوه، رودخانه و محله) ، نوشهر (۴ مورد)، سیاهکوه
(۷ مورد) ، تازه کند (۱۸ مورد).

د- اسامي جغرافیایی دو واحدی یا بیشتر که معنای آنها
روشن نیست

در میان اسامي جغرافیایی، هستند اسم هایی که از چندین
واژه ترکیب شده اند و مفهوم هیچکدام از آن واژه ها روشن
نیست. این یک اصل کلی است و ممکن است در یک زبان و
منطقه خاصی صدق ننماید، لیکن از قواعد عام توپونیمی به
شمار می رود. البته تعدد اینگونه نام ها با بررسی در مورد
آنها ارتباط مستقیم دارد. در کشور هایی که تحقیق در مورد
منشاء، معنا و دسته بندی های اسامي جغرافیایی گسترده
دارد تعداد اسامي نامفهوم کمتر است. از طرف دیگر قدمت،
تاریخ گذشته یک کشور و منطقه نیز ممکن است در مفهوم یا
نامفهوم بودن اسامي تاثیر گذارد. وجود زبان های خاموش و

تمدن های فراموش شده نیز در نامفهوم ماندن اسامی می تواند موثر باشد. لذا مثالها در این بخش می توانند نسبی باشند. اسامی زیر از این نمونه ها هستند: دوجارسریزان، دیماجانکش، دوبلوتان زراسوند ، بیندار کلای یوشیب .

عناصر تشکیل دهنده اسامی جغرافیایی

برخی از اسامی جغرافیایی از عناصر محیطی تشکیل یافته اند و به نوعی نشان دهنده شرایط جغرافیایی، اقلیمی و زیست محیطی هستند. گردآوری و بررسی اسامی جغرافیایی از این طریق نه تنها برای زبان شناسان و جغرافیدانان مثمرثمر است، بلکه برای محققان سایر علوم و از آن جمله برای زیست شناسان، متخصصان علم کشاورزی، گیاهشناسان و مردم شناسان می تواند جالب باشد. توپونیم ها را با توجه به نوع عناصر تشکیل دهنده آنها به شرح زیر دسته بندی می نمایند:

۱- اتنوتوپونیم ها^۱

این گونه اسامی از نام طوایف و قبیله ها (اتنونیم ها) به وجود آمده اند. شاید بدون اغراق یکی از بخش های مهم توپونیمی بررسی اتنوتوپونیم ها باشد. در اینجا نه تنها با نام طوایف موجود، بلکه با نام طوایفی مواجه می شویم، که هویت تاریخی خود را از دست داده و به بایگانی تاریخ سپرده شده

^۱. Ethnotoponyms

اند. طوایفی مثل "خزرها" (Xazar)، "کاسپی ها" (Kaspi)، "سکاها" (Sakä) و غیره امروز دیگر وجود خارجی ندارند، لیکن نام آنها بر روی روستاها، کوه ها و دره ها به یادگار مانده است. گردآوری این نام ها و تحقیق درباره آنها از موضوعات بسیار جذاب علم توپونیمی است. با نگاهی اجمالی به توپونیم های امروزی ایران، می توان به عنوان نمونه به این اتنوتوپونیم ها اشاره کرد: بیات (Bäyät) (۵مورد)، بلوچی (۴مورد)، بلوچها، بلوچ خانه، بلوچ آباد (Baluçäbäd)، بهارلو (Bähärlu)، بیگللی (Baydilli)، عرب (Ärab)، ابدال (Abdäl) (۲مورد)، ابدال آباد (Äbdäläbäd)، ابداللر (Äbdällär)، ابدالان (Abdälän)، آلپاوت (Älpäut)، مرگیت (Margit)، خلج (Xalaj) (۱۴مورد)، خلج آباد (Xalajäbäd) (۵مورد)، خلج دره (۲مورد)، خلج عجم (Xalaj ajam)، خلج کرد (Xalaj Kurd)، خلخال آباد (Xalxäläb)، خلخال (Xalxäl) (۵مورد)، خلخالیان (۴مورد)، خلیفه لو (Xalifalu) (۵مورد)، ذوالقدر (Zolqadr) (۲مورد)، ارمنیان، ارمنی جان (Armanijan)، ارمنی بلاغ (Ermani buläğ).

۲- زووتوپونیم ها^۱

اسامی جغرافیایی که در آن ها نام های حیوانات و پرندگان (زوونیم ها) وجود دارد. در فرهنگ توپونیمی ایران، استفاده از نام های حیوانات و پرندگان بسیار رایج است و حتی اسامی نامانوسی مثل ساس نیز به کار رفته است.

^۱. Zootoponyms

استفاده از اسامی حیوانات نه تنها ممکن است براساس شباهت باشد، بلکه نشان دهنده موقعیت زیست محیطی منطقه نیز هست و دال بر وجود یا فراوانی زیست آن جاندار در منطقه است. در توپونیمی سایر کشورهای جهان نیز نمونه های مشابه به چشم می خورد.

اسامی جغرافیایی برگرفته از نام حیوانات : قوچ آباد (۲مورد)، قوچ تپه، قوچ حصار (۲مورد)، قوچان (۳مورد)، قوچ خر، قوچ پلنگ، قوچ دره، قوچک، پلنگ سر، پلنگ ده، پلنگ کلا، پلنگ آباد (۸ مورد)، پلنگ دره (۶ مورد)، پلنگ او (۳ مورد)، پلنگی، شیرآباد (۱۹ مورد)، شیر آشیان، شیران (۴ مورد)، شیرآوند، شیرحصار (۲ مورد)، شیرخان، شیرشتر، شیرسوار، گوراب، گوران (۸ مورد)، گون فارس، گاو (۲ مورد)، گاوان (۴ مورد)، گاو تپه، گاو پشته (۲ مورد)، گاوان کلا (۲ مورد)، گاوآباد، گاو بازها، گاو میش آباد (۴مورد)، گاو میش بان، گاو میش (۲ مورد)، گاو میشان، گاو کوه، شغال آباد، شغال تپه (۴ مورد)، شغالک، گوسالگاه، گوسفند سرا، گوسفند گویه، آهو (۳ مورد)، آهو تپه، آهوان (۵ مورد)، آهو دشت (۳مورد)، آهوچر، خران (۶ مورد)، خرکش (۲مورد)، خرکی کرد، خرکال، خرکان، خرس آباد (۳مورد)، خرسانک (۳ مورد)، خرسان، خرس دره، خرگوش، خرگوش آباد، خرگوش خونی، خرگوشی، اسبی، اسب فروشان، اسبو کلا (۶مورد)، اسب آباد، اسبو، اسب گیر، اسبان، اشترآباد، اشترجان، اشترک، اشترانکوه، اشترکان، اردک، اردکلی (۳مورد)، اردکان (۲مورد)، ازدها بلوچ، ازدهاتو، ماهی آباد، ماهی خر، ماهی دزد، ماهی دشت، ماهی رود، ماهیان، آهو قلعه، آلا جوجه (Älä juja)،

گچی قشلاقی (Keçi qîşlâqî) ، قورت تپه (Qurt tapa) ،
 قورتلو قشلاق (Qurtlu qîşlâq) ، دوه میدانی (Dava meydâni) ،
 آت باتان (Ät bātān) ، قابان باسان (Qābān bāsān) ، دوه
 باتان (Dava bātān) ، جیران بولاغی (Jeyrān bulā) ، پلنگلی
 (Palangli) (۲ مورد) ، دوشانلی (Došanli) (۳ مورد) ،
 گویرچین (Göyarçin) (۳ مورد) ، ماراللی (Mārālli) ، قورت
 یمز (Qurt yemaz) ، دوشان تپه (Došan tape) ، دایلار
 (Däylār) ، کیچیک دانالی (Kiçik dānāli) ، آساغی قاطر
 گوتورن (Äšägi qätîr götüran) .

اسامی جغرافیایی برگرفته از نام پرندگان: کبکی (مورد ۲) ،
 کبک آباد (Kabkābād) (۲ مورد) ، کبک گیري ، کبوتر آباد
 (Kabutarābād) (۳ مورد) ، کبوتران (۲ مورد) ، کبوترخان
 (Šāhinābād) (۶ مورد) ، کبوتر کوه ، کبوتر دره ، شاهین آباد
 (۳ مورد) ، شاهین تپه ، شاهین دژ ، شاهین قلعه ، طوقی ،
 طوقی بالا ، طوقی (۲ مورد) ، طوقی زار ، باز (۲ مورد) ،
 باز قلعه ، بازگیر (۵ مورد) ، بازه کلاغ ، کلاغ آباد (۲ مورد)
 ، کلاغ خان ، کلاغ نشین ، کلاغ آشیان ، بلبل (۲ مورد) ، بلبل
 آباد (۲ مورد) ، بلبلک ، بلبلی ، بلبلر ، سار (Sār) (۲ مورد) ،
 سارآباد ، ساران (۴ مورد) ، ساسر ، سیغیرچین (Sığırçin) ،
 قارقا (Qārqa) (۲ مورد) ، لاچین دره سی (Lāçin darası) ،
 تور اغای (Turägäy) ، ککلیک بولاغ (Kaklikbuläg) ، لاچین
 (Lāçin) .

اسامی جغرافیایی برگرفته از نام حشرات مورچه خورت
 (Murçe xort) ، (کوه) لامورچه ، (کوه) گذار مورچه
 خورت ، (دره) مورچه ، تنگ ساسقلی ، (دره) پشه

ریزی، (کوه) تیر پشه چه، (روستا) پشه لر، مگس سنگ، مگس کمر، مگس آب (۲ مورد)، مگس کور، تنگ پشه، کلوت پشه ای (۵ مورد)، لای پشه ای (۲ مورد).

۳- فیتوتوپونیم ها^۱

اسامي جغرافیایی را گویند که از نام گیاهان و نباتات به وجود آمده باشند. این گونه اسامي در میان اسامي جغرافیایی از تنوع چشمگیری برخوردارند. فیتوتوپونیم ها گستردگی گونه های گیاهی را نشان می دهد و می تواند موضوع تحقیقات جداگانه در مورد اسامي محلی گونه های گیاهی باشد. این اسامي متشکل است از اسامي گیاهان، نباتات، گل ها و میوه ها و به طور کلی انواع و اقسام رستنی ها. مثال: توپونیم های برگرفته از گونه های درختی: بلوط حصار، بلوطستان، بلوطک (۴مورد)، بلوط سبوع، بلوط بش ه (۲مورد)، چنار (۴۲مورد)، چناران (۱۸مورد)، چنارستان (۱۱مورد)، چنار سوخته (۹مورد)، چنار یاز، چنارک (۷مورد)، چنار دره، سرو (۷مورد)، سروستان (۶مورد)، سروبید، سروکلا، سروآباد، سروآغاجی، بن بید، بن چنار، بید (۴مورد)، بیدآباد (۴مورد)، بیدان (۱۳مورد)، بیدبلند (۲مورد)، بید دره (۲مورد)، بیدستان (۱۶مورد)، بیدک (۲۰مورد)، بیدکج (۲مورد)، بیدهند (۳مورد)، چال چنار، سپیدار، کاج (۵مورد)، کاج آباد (۲مورد)، کاج درخت، کاجان (۳مورد)، شمشاد سرا، یوخاری چنار (Yuxarı çinar)

^۱. Phytotoponyms

، چنارلیق (çınarlıq) (۲ مورد)، سويدلو (Soyudlu)، چنارلی (çınarlı).

توپونیم های برگرفته از گونه های گل ها و نباتات: بنفشه تپه، بنفشه کوه، بنفشه دره، بنفشه درق (۳ مورد)، بنفشه ده (۳ مورد)، بیدمشک، ریحان (۶ مورد)، ریحان آباد (۵ مورد)، ریحانه، ریحانلو، بی ریحان، سوسن، (۲ مورد)، سوسن آباد (۴ مورد)، سوسنگان، سوسنگرد، سوسن وار، نرگس (۳ مورد)، نرگس آباد (۲ مورد)، نرگسی (۱۰ مورد)، نرگس زمین، جعفری (۳ مورد)، زرشک (۳ مورد)، زرشک کوه، زرشکی، زرشک دره، سبزه ده، سبزی (۴ مورد)، سبزه میدان، زیره خان، زیره جیگ، پونه، پونستان، یوخاری ریحانلی (Yuxârî reyhânli)، سوغانچی (Soğançı).

اسامی برگرفته از انواع میوه ها یا درختان میوه: به جایی (۲ مورد)، به ده، بهدان (۷ مورد)، بهدشت، به جین، زردآلو (۶ مورد)، توت آغاجی (Tutägâji) (۲ مورد)، توتچی، توت (۱۰ مورد)، توتستان (۲ مورد)، توت خوری، آلو قلعه، آلو کلاته، آلوچه قشلاق، آلوچه سیلان، ترنج، ترنجی، مگلابی، باداملی (Bädämlî)، آرموتلو (Ärmütlu)، اریکلی (Arikli)، انجیرلو (Anjirlu)، ایده لی (Idali)، گزلو افشار (Gözlü Afşar)، ایده لی خان (Idali xân)، گردگان (Girdakân).

۴- آنتروپونیم ها^۱

اسامی جغرافیایی هستند که از نام های اشخاص به وجود آمده باشد. شاید به جرات بتوان گفت که حدود ۳۰ درصد توپونیم

^۱. Anthrotoponyms

ها ی موجود ایران از نام اشخاص تشکیل یافته است. روشن است که برخی از این اشخاص پایه گذاران منطقه ای مسکونی بوده اند یا منطقه به دلیلی منتسب به نام آنهاست. زمانی که شخص آبادکننده آن محل باشد به انتهای نام وی پسوند "آباد" اضافه می گردد. برخی از این اسامی یادآور شخصیت های تاریخی هستند. به طور یقین برای روشن شدن این توپونیم ها، که بسیار فراوان نیز هستند، بررسی و تحقیق جداگانه و مفصل لازم است. به دلیل تنوع این گونه اسامی تنها به ذکر نمونه های اندکی از آنان اشاره می شود. علاقمندان می توانند به فرهنگهای مختلف در دسترس مراجعه کنند. مثال: باقرآباد، باغ نرگس، پیربداغ، رضا آباد، علی آباد.

۵- هیدروتوپونیم ها^۱

اسامی جغرافیایی که در آن از هیدرونیم استفاده شده باشد. در برخی از هیدروتوپونیم ها اسامی خاص نقاط آبی مثل رودخانه ها یا برکه ها و امثال هم بر مناطق مسکونی و عوارض جغرافیایی گذارده می شود. در بیشتر هیدروتوپونیم ها واژه هایی مثل "آب"، "رود"، "چشمه"، "کهریز"، "کاریز"، "جوی" یا "جوب"، "سو" (su)، "بلاغ" (buläg)، "چای" (çäy) و "آرخ" (ärx) جزو جدایی ناپذیر توپونیم هستند. در برخی از اسامی برای مثال "چشمه علی" واژه "چشمه" گویای ماهیت و نوع توپونیم است و در اینجا مقصود محلی است که آب در آن جاری است، لیکن در پاره

^۱. Hydrotoponyms

ای از اسامی خصوصا اسامی نقاط مسکونی واژه های معرف هیدرونیم گویای نوع توپونیم نیست. مثل "آب سردارس" که نام محله ای در تهران است. در ادامه تعدادی از توپونیم هایی که نام روستاهای کشورمان هستند و در آنها از کلمات فوق استفاده شده ذکر می گردد. باید قید نمود که این گونه اسامی دارای بسامد فراوانی هستند. برای مثال در نام بیش از ۸۰۰ روستا واژه "چشمه"، در بیش از ۱۲۰۰ روستا کلمه "آب" و بیش از ۱۰۰۰ روستا کلمه "رود" به عنوان بخشی از نام روستا به کار رفته است^۱. مثل: آب باریک (۳۲مورد)، آب ترش (۳مورد)، آب تلخ (۲مورد)، آبرود (۶ مورد)، آب انبار، آب چنار، شکرآب، کورآب، دوآب، شیرآب، سفیدآب، دیزآب، دیزج رود (Dizajrud)، اسمرود، تجرود، کهریز (Kahriz) (۳۹مورد)، کهریزک (۱۲مورد)، کهریز بقازی (Kahriz boqāzi)، کهریز تراکمه، کهریز توسک، کهریز دره، نظرکهریزی، اسماعیل کهریزی، شور کهریز، سو کهریز، خسه آباد کهریز، سویوخ کهریز (Soyux kahriz)، نهر (۲مورد)، نهرآباد (۲مورد)، نهرآشور، نهر میان، نهرگوت، نهران (۳مورد)، نهر بادام، جوب آسیاب، جوب بزم، جوب بالدار، جوب بند (۲مورد)، جوب امامقلی، کش آرخی (Keš ārxī)، کاریز (۶مورد)، کاریزک (۷مورد)، کاریز نو (۱۰مورد)، کاریز کهنل، کاریز کهنه، کاریز سفید، کویر چشمه، بدچشمه، زرد چشمه، کورچشمه، هفت چشمه، سرچشمه، سردرود (۳مورد)، خشک

^۱ برای مطالعه بیشتر در اینمورد به کتاب زیر مراجعه کنید:

هیدرونیم های ایران- پژوهشی در آب نام های ایران، انتشارات سازمان نقشه برداری کشور، تهران ۱۳۸۴

رود (۳مورد)، است رود، کنز رود، مرز رود، آغ کهریز (Äğ kahriz) ، ساری سو (Särî su)، اورتاسو (Ortä su)، آرا کهریز (Ärä kahriz) ، پاش چای (Päšä çäy) ، قارا چای (Qärä çäy)، عباس بولاغ (Äbbäs buläğ) ، کش آرخ (Keš .ärx)

۶- کاسموتوپونیم ها^۱

آن دسته اسامی جغرافیایی هستند که از نام اجرام سمایی (Cosmonyms) به وجود آمده اند. در این گونه اسامی ، نام های ستارگان، ماه، خورشید و سایر اجرام سمایی مثل ثریا، پروین ، بهرام ، سیروس، خورشید، ماه و سایر به عنوان بخشی از نام جغرافیایی مورد استفاده قرار می گیرند. در این نوع اسامی نیز به دلیل فراوانی و استفاده مکرر تعیین منشاء آن کمی پیچیده میباشد. در این نوع اسامی ماه و خورشید به عنوان نماد قدرت، زیبایی و درخشندگی مد نظرند. مثال : ماه زمین، ماه نشان، ماه بانو ، ماه پری ، ماه دوست ، ماهدشت، ماه فرخان، خورشید (۲مورد)، خورشیدآباد (۴مورد)، خورشید کلا (۲مورد)، خورشیدان، آسمان، آسمان آباد (۳مورد)، آسمان جرد، آسمان چال، آسمان دول ، آسمان بلاغی (Äsemän bulä)، آسمان گر ، چاه بهرام (۲)، قمر کندي (Qamar kandi) ، قمرلک (Qamar lak)، قمرقان (Qamar qän)، سماء (۶مورد)، گوندوغدي (Gündogdi) (۲مورد)، گونتآباق (Güntäbäq)، گون دره (Gün dara) (۲مورد)، گون پاپاق (Günpäpāq)، گون گورمز (Gün

^۱. Cosmotoponyms

(görmaz، آیوزلو (Äyyuzlu)، آیدوغمش (Äy dogmuš) (۲مورد)، آیدقدی (Äydoōdi)، آی قلعه سی (Äyqalasi) .

۷- میتوتوپونیم ها^۱

این دسته از اسامی جغرافیایی از اسامی اساطیر و قهرمانان (Mythonyms) به وجود آمده اند. البته به دلیل استفاده وسیع از اسامی اساطیر و قهرمانان در نامگذاری اشخاص، تعیین دقیق این که توپونیم مورد نظر دقیقاً از همان منشاء است یا خیر، دشوار است. اما به دلیل قانونمند بودن این گونه نامگذاری در سایر جوامع می توان به این نتیجه رسید. برخی از اسامی اساطیری رایج ایرانی عبارتند از سروش، میترا، هرمز، آناهید، ناهید، مرداد، بهمن، خ. رشید، کاه، آرش و سایر که در اوستا و کتیبه ها از آنها نام برده شده است. مثل: مهر (Mehr) (۳مورد)، اهوران (Ahurān)، ایاز (Ayāz) (۳مورد)، ایرج، سلم (۳مورد)، تور (Tur)، توران (۵مورد)، توران ترک (Turān Turk)، توران فارس (Turān Fārs)، توران شاه (Turān Šāh)، توران کلا (Turān kalā) (۲مورد)، شاه تور (Šāh Tur)، شاه رستم (Šāh Rostam)، زال، زال دره، سام جان، سام لیلی، افراسیاب (Afrāsiyāb)، سمبوران (Sāmburān)، سام آباد (Sāmābād)، سهراب (Sohrāb) (۲مورد) سهراب آباد (Sohrāb ābād)، سهراب ویرو، گونئی (Günāy)، آی تمیر (Äy tamir)، آی دمیر (Äy damir)

^۱ Mythotoponyms

۸- توپونیم های یادمان^۱

این دسته از اسامی جغرافیایی از نام شخصیت های مشهور و اسامی منتسب به موارد مشهور به وجود آمده اند. امروزه این بخش توپونیمی فعالتر از سایر بخش ها است. مثلاً استفاده از نام استانبول بر روی خیابان، نام آفریقا بر بزرگراه، نلسون ماندلا بر بخشی از خیابان آفریقا و غیره به علت معروف بودن اسم اولیه است. در اینجا نامگذاری دوم جنبه یادمانی (memorial) دارد. این گونه اسامی به دو دسته تقسیم می شوند: یکی دسته ای که دارای قدمت هستند و دوم دسته ای که جوانترند و در واقع جایگزین گروه اول می شوند یا در دوران متاخرتر به کار گرفته می شوند. استفاده از توپونیم های یادمان در نامگذاری میکروتوپونیم ها و به ویژه برای مناطق مسکونی بیشتر رایج است. برای مثال در مشرق زمین نام "اسکندر" در اشکال مختلف دیده می شود. مثال: بازگیرخان میرزا، گنبد قابوس، بهزاد فرخ، بی بی حکیمه، بید عایشه، بی بی زوبیده (Bibi Zobeyde)، بی بی مریم، پهلوی دژ (آق قلعه)، رضائیه (ارومیه)، حاجی آباد صمصام، حاجی ژاژ خان، شاهپورآباد، شاه بهرام، سعدوقاص (Sâdvaqās)، سعدی (۸مورد)، حافظ (Häfez) (۲مورد)، حافظ آباد (۳مورد)، حافظیه، فردوسی (Ferdosi) (۵مورد)، فردوسی (۳مورد)، فرخی (Faroxi) (۴مورد)، سلطان محمد (Soltän Mohammad) (۲مورد)، سلطان احمد (Soltän Ahmad)، شاه عباس، شاه سلیم (Šäh Salim)، شاه قطب الدین (Šäh Qotbeddin)، شاه فیروز

^۱. Memotoponyms

(Šāh Firuz) ، شیخ خزل (ŠeyxXazāl) (۲مورد)،
طهماسب قلی (Tahmāsebzqoli)، غازان (Gāzān)، شنب
غازان (Šanab Gāzān) ، اولاکو (Olāku) ، بندر امام خمینی
(Bandar Emām Xomeyni) (بندر شاه سابق) ، ستارخان
(Satārxān) .

۹- توپونیم های دینی^۱

این گونه اسامی از اصطلاحات مذهبی و واژه های منتسب
به دین یا کلماتی که مفهوم دینی را تداعی می نمایند
(Theonyms) به وجود آمده اند. در این گونه توپونیم ها نه
تنها نام مقدسان ، بلکه اماکن متبرک و غیره بر مناطق
مسکونی و غیره گذارده می شود . برای مثال نام سن ژان
(saint John) در بیش از ۱۵۰ روستای فرانسه استفاده شده
است. استفاده از نام مقدسان بیشتر برای نامگذاری مناطق
وقفی، مکانهای زیارتی و امثالهم است. لیکن این بدان معنا
نیست که از نام مقدسان در سایر مکان ها استفاده نمی شود.
برای مثال پس از انقلاب اسلامی نهادن اسامی معصومین و
مقدسین بر کوچه و خیابان و میادین مرسوم گردید. مانند
"میدان امام حسین"، "میدان حر" و غیره. برخی از توپونیم
هایی که در آنها از اسامی و اصطلاحات مذهبی استفاده شده
عبارتند از: امام (۴مورد)، امام آباد (۳مورد)، امام حسن
(۴مورد)، امام رضا (۲ مورد)، ده امامی، امام زاده
(۱۱مورد)، ده امام، ده امامزاده، امامزاده حسن ، امامزاده
باقر، امامزاده جعفر (۲مورد) ، امامزاده اسماعیل ، امام

^۱. Theotoponyms

عباس، امام عبدالله (۲مورد)، امامزاده قاسم (۶مورد)، امامزاده عبدالله (۳مورد)، مسجد (۳مورد)، مسجدلو (۶مورد)، مسجد سلیمان، مسجدبردی، مسجد پیش، الله، بقعه (۶مورد)، الله آباد (۷۰مورد)، الله داد (۲مورد)، الله وردی (۴مورد)، الله یار (۵مورد)، الله کلا (۲مورد)، الله دره (۳مورد)، قبله (۳مورد)، قدمگاه (۱۶مورد)، آب قبله، آب مکه، خانقاه (۳۹مورد)، خانقاه شیخ، خانقاه سادات، خانقاه اجاق، دیر، دیر علی، دیرستان (۲مورد)، دیر مولی، سادات (۹مورد)، سادات محله (۱۱مورد)، سادات کلا، ساداتیه، زیارت (۲۷مورد)، زیارت علی، زیار کلا (۲مورد)، زیارتگاه (۶مورد)، زیارتگاه حضرت سلیمان، زیارتگاه شاه اشرف، کلیسا (۴مورد)، کلیسا کندي (۲مورد)، کلیسا کندسیر، معبد، رمضان قلعه (۲مورد)، اجاق (Ojäq) (۲مورد)، اجاق کندي (Ojäq kandi) (۲مورد)، قبله مسجد، اجاق قلی (Ojaq quli)، قبله بلاغی، قبه، قبر آقا، قران آباد، قران کلا، قدمگاه دحضرت امیر، قدمگاه دوازده امام (۲مورد)، قدمگاه خضر، قدمگاه علی، پنج تن، پیر (۷مورد)، پیرآباد (۶مورد)، پیرامام، پیر اسحاق، پیر موسی (۲مورد)، پیر میکائیل (۲مورد)، پیر شهید، پیغمبر، پیغمبر اشمویل، پیغمبران، گنبد (۱۶مورد)، گنبد صوفي، گنبد سیدمحمد، گنبد نبی، محراب، محرم آباد، دب الغدير، اسلام آباد (۹مورد)، اسلامیه (۵مورد)، دین آباد، دیندارلو (۲مورد)، دین محمدی

۱۰- توپونیم های عاریه^۱

اسامي جغرافيايي که در اثر مهاجرت يا به تبع مهاجرت به وجود مي آيند. در تاريخ ها آمده که سلاطين کهن، براي حفظ موقعيت خود مردم را ناگزير به اسکان در مناطق ديگر نموده اند تا از اين رهگذر، جلوي پيشروي يا هجوم ، يا شورش سايرين گرفته شود. به همين سبب نامگذاري نقاط جديد به اسامي مکان هاي مسکونی و نقاط قبلي ، تداعي کننده حيات گذشته ملتها بوده است. براي مثال پس از کوچ ارامنه از مناطق شمال غرب ايران به اصفهان به دستور سلاطين صفوي، ارامنه محل زندگي جديد خود را جلغا ناميدند که از نام محل زندگي قبلي آنها نشأت می گیرد. يکي از دلایل وجود اسامي مشابه در نقاط مختلف و بسامد يک توپونيمي همين پديده است. اين گونه اسامي پس از تحقيق جداگانه و تعيين جداول تقدم و تاخر شاهد مدعاي فوق در خصوص مهاجرت اجباري خواهد بود. در متون تاريخی مربوط به قرون اوليه و ميانه اسلام به شواهد بسياري در اين مورد اشاره شده است.

۱۱- پاتروتوپونیم ها^۲

اسامي جغرافيايي که از نام خانوادگي اشخاص به وجود آمده است. اين گونه اسامي از نظر تعداد ، تعداد قابل توجهي را تشکيل مي دهند. در اين جا تنها به ذکر چند نمونه بسنده مي شود. مثال: سيدعلي کيا سلطان، سيد محمدی، سيد هاشمي،

^۱. Emmigrotoponyms

^۲. Pathrotoponyms

شقاقي پالا، شقاقي پايين ، شول شیرمحمدي، شہسوار توکلی ، شیخی نیا ، شیلین حضرتی، عموي (۳مورد)، غلامی، غفاری، فاضلي ، غياثي (۲مورد)، غياثوند (۲مورد) ، فتح الهي ، سلطاني ، فرجي ، فریدوني ، میرخسروي ، میراحمدي ، میرزا حسني ، میرزا حصاري.

۱۲- اویکوتوپونیم ها^۱

اسامی جغرافیایی که از اسامی مناطق مسکونی موجود و یا مناطق مسکونی غیرموجود و قدیمی به وجود آمده باشند را اویکوتوپونیم میگویند. مثل: شهرک اکباتان ، شهرک قدس .

۱۳- هوموتوپونیم ها^۲

اسامی جغرافیایی مشابه را هوموتوپونیم گویند. بسامد این نوع توپونیم ها که در کلیه کشورهای جهان مشاهده میشوند بسیار زیاد است. جدول مقایسه ای زیر توپونیمهای مشابه در کشورهای جهان^۳ را ترسیم میکند .

کشور	توونیم مشابه	بسامد
ایران	Hoseynabad	۴۶۸
اندونزی	Krajan	۴۴۸
مکزیک	San Antonio	۴۱۵
روسیه	Aleksandrovka	۴۰۶

^۱. Oykotoponyms

^۲. Homotoponyms

^۳. Dogla R.Caldwell & James A. Shine, An Analysis of Toponymic Homonyms in Gazetteers: Series A.N.^۱ at <http://Purl.oclc.org./coordinates/a1.pdf>

عناصر تشکیل دهنده توپونیمی

۳۷۰	Santa Maria	اسانیا
۲۵۷	Boa Vista	برزیل
۲۵۴	La Esperanza	کلمبیا
۲۳۰	Saint-Martin	فرانسه
۲۲۰	San Isidro	فیلیپین
۱۹۰	Yenikoy	ترکیه
۱۷۲	Tanambao	ماداگاسکار
۱۵۰	Santa Rosa	رو
۱۳۲	Nova Wies	لهستان
۱۲۹	Ywathit	برمه
۱۲۵	Ban Mari	تایلند
۱۲۵	San Antonio	ونزوئلا
۱۲۲	Mikhaylovka	اکراین
۱۰۲	Joao	موزامبیک
۹۷	Berg	آلمان
۹۶	Taiping	چین
۹۰	Nova Ves	چک
۸۹	Sinhung-ni	کره شمالی
۸۶	San Jose	کوبا
۸۳	Ujtelep	مجارستان
۸۲	Tarkhanwala	پاکستان

در این نوع اسامی ارتباطی میان عارضه و نام آن وجود ندارد و يك نام میتواند برای چند عارضه متفاوت جغرافیایی بطور مشترك مورد استفاده قرار گیرد. مثل نام دماوند و کرج و جاجرود.

زبان توپونیمی و توپونیم های ایران

همانطوری که قبلاً نیز به اختصار اشاره شد، یکی از بحثهای مربوط به جغرافیای توپونیمی، نقش زبان در آن است. عامل مهم در تعیین حدود و ثغور جغرافیای زبان، خود زبان است. بررسی اجمالی توپونیم های کشورهای جهان نشان می دهد که بیشتر کشورها از این نظر چند زبانه^۱ هستند. یعنی به دلیل استفاده از زبان های متعدد در آن کشورها منشاء توپونیم های آنها متأثر از زبان های متفاوت است. این امری طبیعی است، زیرا از یک طرف مرزهای سیاسی در طی قرون گذشته ناپایدار بوده اند، از طرف دیگر مرزهای طبیعی و خصوصاً مرزهای زبانی پایدارند یا حرکت و جابجایی آن بسیار آرام و کند است. نگاهی اجمالی به مرزهای کنونی کشور ما مؤید این امر است. در چهار سوی ایران در هر جا که حاکمیت سیاسی-جغرافیایی ایران به پایان می رسد، گستره زبان های محلی در آن سوی مرزها مشاهده می شود.

^۱. multilingual

توپونیم ها از نظر استفاده از زبان به دو گروه تقسیم می شود: اکزونیم ها ^۱ (اسامی که از زبان های غیر رایج در آن منطقه به وجود آمده اند) و آندونیم ها ^۲ (اسامی که از زبان رایج رسمی یا زبان بومی رایج در آن منطقه به وجود آمده اند).

ثبت اکزونیم ها امروزه دارای اهمیت بین المللی است. در کلیه کنفرانس های سازمان ملل متحد در مورد اسامی جغرافیایی مسائل گوناگون اسامی بیگانه مورد بحث قرار گرفته و دستورالعمل های عملی برای ثبت اسامی توسط کشورهای مختلف پیشنهاد شده است.

رولند هاینمان می نویسد: "اکزونیم ها بخشی از اخبار روزانه ما را اشغال کرده اند، نام هایی مانند میلند (Mailand)، فلورانس، پاریس، لندن، قاهره، تریپولی، اصفهان. اینها بخشی از نام هایی است که طی قرون شکل گرفته اند و دیگر به هیچوجه قابل تغییر نیستند."^۳

تاکنون نظام یکسانی برای ثبت و تلفظ اکزونیم ها پیشنهاد نگردیده است. برای مثال نام کشور ژاپن در زبان مردمان آن سرزمین Nihhon گفته و تلفظ می شود. آنها همین نام را

^۱. Exonyms

^۲. Endonyms

^۳. **Heinemann Roland**, *The pronunciation of geographic names in radio and television*, - 2nd International Symposium on Geographical Names, Verlag BKG, Frankfurt a Main, ۲۰۰۰, p. ۷۱

هنگام ثبت با حروف لاتین Nippon می نویسند در حالی که به انگلیسی آنرا Japan می خوانند. اکنون اگر ما بخواهیم به پاس احترام خیابانی را به نام آنها به لاتین بنویسیم کدام املا را باید انتخاب کرد؟ آیا در کشور هایی که از حروف لاتین استفاده می کنند ثبت اسامی خارجی به همان حروف و به زبان خودشان کافی است؟ در اینجا لازم است ذکر گردد که نخستین کنفرانس یکسان سازی اسامی جغرافیایی در سال ۱۹۶۷ آغاز به کار کرد.^۱ از آن سال تا کنون در سالهای مختلف نمایندگان کشورهای جهان برای ایجاد این نظام واحد گرد هم آمده اند، لیکن تاکنون به نتیجه قانع کننده و واحدی از نظر علمی نایل نشده اند.

آندونیم ها یا اسامی رسمی و بومی نیز مشکلات خاص خود را دارند. تبدیل این اسامی به حروف لاتین و اعلام آن به کاربران خارجی برای درج در نقشه های گوناگون مشکلی است که تاکنون حل نشده است. یک دلیل آن وجود گونه های متفاوت نوشتاری برای اسامی رایج در نقاط مرزی است. برای مثال ضبط اسامی به زبان کردی رایج در ایران و کردی رایج در کشورهای همجوار و هم چنین املا اسامی ترکی رایج در ایران و ترکی رایج در آن سوی مرزهای همجوار دارای حساسیت خاصی است. امروزه سازمان ملل متحد و کمیته های آن در این راه قدم هایی برداشته و پیشنهادات و نام های اعلام شده از طرف اعضای خود را به سایرین ابلاغ می کنند. در ایران ، متسفانه ، این موضوع

^۱. محمد حسن گنجی، گزارش مختصری از سوابق فعالیت نامهای جغرافیایی در جهان و ایران ، ارائه شده به سازمان نقشه برداری کشور، تهران، ۱۳۷۹

مهم تاکنون به سازمان یا تشکیلاتی سپرده نشده بود و اخیراً سازمان نقشه برداری کشور با ایجاد "کمیته نام نگاری و یکسان سازی اسامی جغرافیایی" موظف به این امر مهم شده است. تا با جلب گروه های مختلف کارشناس و زبانشناس نسبت به اصلاح و ثبت صحیح اسامی گام بردارد.

کشور ایران به دلیل تمدن قدیمی و تاریخ کهن خود پذیرای زبانهای گوناگون در کنار زبان فارسی بوده است. در برخی از مقاطع زمانی، زبان فارسی حاکمیت سیاسی خود را در پهنه جغرافیایی خود از دست داده است. برای مثال در دوره صفویان زبان رسمی ترکی شده و حتی سلاطین نامدار این سلسله مثل شاه اسماعیل به ترکی شعر سروده و صاحب دیوان گشته اند. به این دلیل استفاده از زبان های متعدد در مناطق مختلف ایران و در دوران گذشته تثبیت گردیده است. با توجه به اینکه اسامی جغرافیایی هر منطقه ارتباط مستقیم با زبان های رایج در آن منطقه دارد، در نتیجه مشاهده توپونیم های مربوط بدان زبان ها شگفتی اور نیست.

در توپونیمی ایران از دور زمان دو گونه زبان به کار رفته است: اول زبان های زنده و فعال، دوم زبان های خاموش و منسوخ. زبان های خاموش، آن دسته زبان هایی را می گویند که دیگر مورد استفاده نیستند و تنها رد آنها را در اسامی جغرافیایی و کتیبه ها می توان پیدا کرد. بررسی و کاوش این زبان ها و توپونیم های مخصوص آنها موضوعی مستقل و پر بها است. به یقین در میان توپونیم های ایران اثر زبان

های سومری، اکدی، عیلامی و زبان های ماقبل تاریخ پیدا می شود .

دسته دیگر توپونیم ها آن اسامی هستند که از زبان های زنده و فعال سرچشمه گرفته اند. رایجترین توپونیم های این گروه ، به طور عمده مربوط به زبان فارسی هستند. توپونیم های زبان فارسی در سرتاسر ایران و خارج از مرزهای ایران گسترده است .

پس از آن توپونیم های ترکی از جایگاه خاصی برخوردارند. پراکندگی توپونیم های ترکی را در شمالغرب و شمالشرق، در بخش های شمالی و مرکزی ، در استان های همدان ، خراسان ، گلستان ، آذربایجان ، زنجان ، مرکزی، تهران، کهگیلویه و بویراحمد و غیره می توان ملاحظه کرد. بررسی ۹۰ هزار اسم نقاط مسکونی در کتاب " فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور" نشان می دهد که حدود ۳۰ درصد توپونیم های ایران مربوط به زبان ترکی یا متأثر از این زبان است.

در استان خوزستان و مناطق جنوب کشور و سواحل دریای عمان و خلیج فارس به علت زندگی ایرانیان عرب زبان و همجواری با مناطق عرب نشین، بسیاری از اسامی جغرافیایی منشعب از زبان عربی است. از طرف دیگر ، با توجه به مسلمان بودن بیشتر ساکنان مناطق ایران و ارتباط عمیق کهن با فرهنگ و تمدن عرب و اسلام استیلای طولانی

اعراب بر کشور، اسامی جغرافیایی عربی در سایر مناطق ایران نیز وجود دارد.

در مناطق شمالی کشور در استان های گیلان و مازندران، در کنار توپونیم های فارسی، ترکی و عربی اسامی جغرافیایی بسیاری حضور دارند که از زبان تالشی، گیلگی و مازندرانی سرچشمه گرفته اند. حتی بر اثر دخالت روسها در این مناطق، تعدادی اسامی روسی نیز وجود دارد که بعدها تغییر پیدا کرده اند. ملکونوف در این مورد می نویسد: "در غرب جزیره آشوراده باریکه شبه جزیره مانند ممتد است که به اسامی پوتمکین، اورو سکاله (به معنای قلعه روس ها. م.) و میانکاله معروفند."^۱

در همان کتاب این اسامی جغرافیایی روسی آمده است: واسکا (Väskä)، میچکا (Miçkă)، سورکا (Surkă) .

در مناطق غربی ایران، در مناطق کردنشین، اسامی جغرافیایی کردی جایگاه خاص خود را دارد. در بخش های شمالی کردستان و بخش های جنوبی آذربایجان غربی، اسامی آسوری که نشاندهنده زندگی ایرانیان نسطوری در این مناطق است، نیز به گوش می رسد. اصغر نظریان در مقاله تحقیقی خود، که به منطقه قراچه داغ پرداخته اسامی جغرافیایی به زبان های مختلف را مشاهده کرده و می نویسد: "به غیر از اقوام ترک وجود ارمنیان و آشوریان در آذربایجان بدون شک به دوره های خیلی قدیمی می رسد... با

^۱. گریگوری ملک. ن. ف، کرانه های جنوبی دریای خزر، ترجمه امینی، ص.

توجه به مطالب فوق و نقشه پراکندگی روستاهای قره داغ سه گروه از اسامی روستاها در مکان های جغرافیایی تداعی می گردد ۱- اسامی ترکی ۲- اسامی فارسی ۳- اسامی ایران قدیم^۱.

اسامی ارمنی نیز در جنوب و غرب آذربایجان غربی مشاهده می شود. همچنین در محله ها و مناطق شهری میکروتوپونیم های ارمنی به چشم می خورد.

در جنوب شرق ایران توپونیم های منطقه، اسامی بلوچی را نشان می دهد. سیستان یکی از قدیمترین مراکز تمدن بوده است، لذا در این منطقه وجود پالتوتوپونیم و مزوتوپونیم امری عادی است.

در مناطق مرکزی و غیره اسامی جغرافیایی ناشی از مذهب زرتشتی مطرح است. برخی از محققان معتقدند که نام قدیم دریاچه ارومیه یعنی ("چیچست" çičest و "چست" çest) واژه های زرتشتی است. البته باید توجه نمود که خود واژه "ارومیه" یا صورت بومی آن "اورمو" (Urmu) از ترکی کهن گرفته شده است. وجود اسامی مشابه مثل "اورومچی" (Urumçi) و "اروم" (Urum) در آسیای میانه و ترکستان مؤید این امر است.

اسامی عبرانی یا عبری که نشان دهنده قبول مذهب یهود از جانب برخی از ایرانیان قدیم و زندگی آنها تا عصر کنونی

^۱. اصغر نظریان ، همانجا، ص. ۸۹.

است نیز در مجموعه توپونیم های ایران جای خود را دارد. بعضی از مذاهب اقلیت، در طی تاریخ از منطقه ای به منطقه ای مهاجرت کرده اند. لذا اسامی منسوب به آنها نیز یا مهجور و منسوخ شده اند یا تغییر یافته اند.

امروزه علاوه بر زبان های فوق، به دلیل گسترش مناسبات سیاسی و بسط علائق میان ملت ها اسامی منسوب به آنها به صورت یادمان مورد استفاده قرار می گیرد. این گونه اسامی، به طور عمده به صورت میکروتوپونیم مشاهده می شوند. مثل اسامی "میدان کندي" (Kennedy)، "بلوار الیزابت" (Elizabeth)، "خیابان شارل دوگل"، "خیابان روزولت" (Rosevelt)، "خیابان جردن" (Jordan)، "نوفل لوشاتو" (Nofelle le Chateau)، و سایر که بعد از انقلاب اسلامی پاره ای تغییر یافتند و برخی همچنان مورد استفاده هستند. مثل خیابان افریقا، خیابان ایتالیا، خیابان فرانسه، خیابان گاندی، خیابان استانبول، خیابان سئول و غیره.

به طور کلی زبان شناسان معتقدند که در مجموعه توپونیم های ایران تاثیر ۲۲ زبان و نیم زبان را می توان مشاهده نمود. اهمیت بررسی این موضوع، آن است که در این اسامی حالت های قدیمی دستوری این زبان ها را می توان مشاهده و مطالعه کرد. برای مثال وجود واج^۱ «ج و ق» در انتهای اسامی ترکی در زبان معاصر ترکی دیده نمی شود و در روند تبدیل هجاهای بسته به هجای باز که از ویژگیهای

^۱. phonem

دستور تاریخی ترکی است در اسامی جغرافیایی به یادگار مانده است. مثال : "ساوج" - ساوه (Sävaj-Säve)، "اوج" - آوه (Ävaj-Äve)، "درق" - دره (Darraq-Darre)، "ایوق" - ایوه (Ivaq-Ive)، "چهارسوق" - چهارسو (Çärsu- Çärsuq) (و یا چارشی) ، "ساروق" - ساری (Säruq-Säri) و غیره .

تحقیق و بررسی توپونیم های ایران از نظر وابستگی زبانی و آشکار نمودن مفهوم و قانونمندی های آن باید توسط متخصصان آن زبان ها یا به صورت گروهی توسط زبان شناسان انجام گیرد. باید ذکر نمود که در این مورد تاکنون تنها چند مقاله به تعداد انگشتان دست نوشته شده است.

مشاهدات ما نشان میدهد که اسامی جغرافیایی ایران از منظر زبانی به چند گروه به شکل زیر تقسیم میشوند:

الف: اسامی تک زبانه ؛ ب: اسامی دو زبانه ؛ ج: اسامی سه زبانه.

الف : **اسامی تک زبانه**. آن دسته اسامی جغرافیایی هستند که یک جزء و یا اگر چندجزئی هستند همه اجزای آن اسم جغرافیایی از یک زبان منشاء گرفته اند. بیشتر اسامی مناطق زبانی از اینگونه هستند. یعنی اسامی جغرافیایی مناطق فارسی زبان از زبان فارسی ، ترک زبان از زبان ترکی ، عرب زبان از زبان عربی ، کرد زبان از زبان کردی و الخ. ایجاد شده اند. قورت قیه سی (ترکی)، طاطارقات یخمز (ترکمنی)، طارش (مازندرانی)، طبالواندن (گیلیکی)، گاکوژان (کردی)، خضافیات (عربی).

ب: **اسامی دو زبانه**: آندسته اسامی هستند که هرکدام از اجزای آن از یک زبان جدا منشاء میگیرند. اینگونه اسامی میتوانند از ترکیب زبانهای متفاوت رایج در ایران باشند. رایجترین انواع اینگونه اسامی جغرافیایی از ترکیب زیر باشند:

فارسی+ترکی: سیوق چشمه، سیاه کوچن.
فارسی+کردی: کوره کانی، سراب دوکال.
فارسی+گیلگی: شالدوز کلا، شال درگا.
فارسی+مازندرانی: امیرکلا، دیوکلا.
فارسی+بلوچی: طایفه قلندرزایی.
فارسی+ترکمنی: بوتاجه پایین.
فارسی+عربی: رباط خاکستر.

ج: **اسامی سه زبانه**: اینگونه اسامی که تعداد آنها بسیار اندک است معمولاً از دو جزء بیشتر هستند که هرکدام از جزء آن از یک زبان جدا منشاء گرفته است. حسین آباد سارولی،

سخن پایان

همانطور که در بحثهای سرتاسر کتاب روشن می گردد، توپونیمی یا اسامی جغرافیایی امروزه پا را از ضرورتی علمی فراتر گذاشته و به علت ماهیت بین المللی کاربردی آن، به الزام ملی و فراملی تبدیل شده است.

توپونیمی به سبب ارتباط با فرهنگ و روش معیشتی مردم، دارای پیشینه ای طولانی است. لیکن بررسی های علمی در مورد آن عمری کوتاه دارد. امروز چهارچوب و مبانی نظری توپونیمی عمومی و توپونیمی اختصاصی تدوین گردیده و علاوه بر استفاده از آنها در مراکز علمی و آکادمیک، قانونمندی ها و دستورالعمل های اجرایی آنها نیز مشخص شده و در مراکز ملی و بین المللی به مورد اجرا گذاشته شده اند. در کشور ما نیز این موضوع باید در سطح دانشگاهی و اجرایی مطرح شود و مسائل آن مورد کنذوکاو قرارگیرد.

در این کتاب مسائل نظری و بحث های ضروری علمی در مورد اسامی جغرافیایی به صورت عام مورد بررسی

قرار گرفت و در بخشی نیز دسته بندی های موجود با ذکر مثال هایی از اسامی جغرافیایی ایران ارائه گردید. لیکن هنوز جای تحقیقاتی مشابه آنچه در سایر کشورها انجام شده خالی است. از طرف دیگر هنوز توپونیمی در سطح دانشگاهی به صورت یک واحد درسی مطرح نیست، در حالیکه در سایر کشورها سالهاست که به عنوان جذابترین موضوع تحقیقی رساله های دکترا مورد استقبال استادان و دانشجویان قرار گرفته است.

از طرف دیگر با توجه به اینکه نقشه در زندگی روزمره و طرح های زیر بنایی جای خاص خود را یافته است و اسامی جغرافیایی در ارتباط مستقیم با نقشه قرار دارد، لزوم تدوین دستورالعمل های دقیق و روشن و جامع ضرورت عینی یافته است. در عین حال باید مشکلات موجود در ثبت اسامی جغرافیایی شناسایی و اشتباهات موجود اصلاح گردند تا در گام های بعد بتوان ضوابط و چهارچوب فعالیت های علمی آنها را تدوین کرد. به این منظور باید از توان علمی زبان شناسان، جغرافیدانان، تاریخ نویسان و کلیه متخصصان استفاده کرد. ایجاد گروه های کاری با اهداف خاص به منظور کسب نتایج مشخص علمی و عملی جزو ضرورت های زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور ما است.

واژه نامه توصیفی توپونیمی

با توجه به نوپا بودن علم توپونیمی و احساس کاستی در مورد واژگان علمی آن در این پژوهش برای راهگشایی و مشوق علاقمندان اصطلاحات مورد نیاز همراه با معانی و یا معادلهای پیشنهادی ارائه شده است. بسیار خرسند می‌شویم اگر خوانندگان ما را از نظرات خود در مورد اصطلاحات علمی توپونیمی آگاه نمایند. به‌دلیل عدم وجود معادل برای اکثر اصطلاحات مفهوم آنها به صورت تشریحی در اینجا قید شده است. نویسنده ضمن تدوین مجدد این کتاب، اصطلاحاتی را برای معادل‌های خارجی اصطلاحات مناسب تشخیص داده و به‌کاربرده است. برای مثال: یادنام (Eponym)، آبنام (Hydronym)، راه نام (Odonym)، جاینام (Oykonym)، میکروآبنام (Microhydronym)، رودنام (River's name)، ماکروآبنام (Macrohydronym)، سدنام (Dam's name)، آبنام نامه (Gazetteer of Hydronyms) و سایر.

English- Persian انگلیسی- فارسی

A

Abbreviation

اختصار ، شکل کوتاه واژه

Abionym

به اسامی موارد بی‌جان طبیعی یا ساخته دست بشر مثل توپونیم‌ها، کاسمونیم‌ها و آسترونیم‌ها. متضاد آن بایونیم گفته می‌شود (متشکل از واژه یونانی *abios* به معنای زندگی و *onim* به معنای نام).

Abnormal

نابهنجار

Aboriginal toponymy

اسم جغرافیایی محلی

Absolute form

صورت قطعی

Absolute neutralization

خنثی سازی مطلق

Abstract noun

اسم معنی

Abyssal hills

برآمدگی در عمق دریا

Abyssal plain

گستره ای با شیب آرام در عمق دریا

Accent

تکیه ، لهجه، ته لهجه

Accentual contrast

تباين تكيه اي	Accord
انطباق ، تطبيق از نظر زباني يا دستوري	Accumulation
تراكم	Acrophony
خط واج نگار	Acronym
نام جغرافيايي كه به صورت مخفف يا اختصارى مورد استفاده قرار گيرد . مثل UK,USA (متشكل از واژه يوناني akros به معناى خارجى،ظاهرى و كنارى و onim به معناى نام).	Active lexicon
واژگان فعال	Active oronym
اورونيم فعال يا مورد استفاده	Active toponym
اسامى جغرافيايي فعال، اسامى جغرافيايي كه بيشتر استفاده ميشود	Advisory Committee on Undersea Features names Database: (ACUFND)
كميته مشورتي پايگاه داده هاي اسامي زير دريا	Adapted name
نام گزيده شده	Address
آدرس، عنوان (مكان رايانه اى كه يك مورد خاص در آنجا ذخيره مى شود).	Adequate
كافي	Adonym
اسامى زمين هاى زراعى و غيرزراعى مثل باغ، صحرا، بيابان، مزرعه، جنگل و باغچه	Adverbial group
گروه قيدي	Affinity

قربانیت ، خویشاوندی

Affix

وند

Agglutination

پیوند

Agglutinative

پیوندی (زبان) ، گروه زبانهای مثل ترکی، ژاپنی و س.

Agglutinative languages

زبانهای پیوندی

Agoronym

شامل نام اماکن عمومی شهرها مثل میادین، خیابانها و....
(متشکل از واژه یونانی *agor* به معنای بازار، میدان و خیابان و
onim به معنای نام).

Agrammatism

بی دستوری ، تابع قواعد زبان نبودن

Agronym

اسامی زمینهای کشاورزی و زراعی را گویند (متشکل از
واژه یونانی *agros* به معنای مزرعه و زمین کشاورزی و
onim به معنای نام).

Allograph

نویسه گونه

Allomorph

تکواژ گونه (دو یا چند گونه مختلف واجی که معرف یک واج
باشند. مثلا es در کلمه boxes و en در oxen گونه های
مختلف جمع هستند).

Allonym

نام مترادف ، اشکال گوناگون و مختلف یک نام که به صورت
رسمی و یا غیررسمی به کار می روند (متشکل از واژه یونانی
allos به معنای سایر و غیر و *onim* به معنای نام)

Allophone

واج گونه

Alphabetic

الفبایی ، مربوط به الفبا

Alphabetic conversion

تبدیل الفبایی (الفبایی که در تبدیل اسامی مورد استفاده است.
اصطلاح مکمل برای الفبای نوشتاری و الفبای آوایی)

Alphabetic notation

نشانه گذاری الفبایی

Alphabetic script

نوشتار الفبایی، خط الفبایی (آوایی و غیر تصویری)

Alphabetic sequence

توالی الفبایی، ترتیب الفبایی، زنجیره الفبایی

Alphabetic sequence rules

قواعد ترتیب الفبایی (اسامی)

Alphabetic transcription

آوانویسی الفبایی

Alphabetic writing

خط الفبایی ، نوشتار الفبایی

Alphabetization

الفبایی کردن (ثبت نام های شفاهی)

Alphanumeric

نمایه رقمی، آلفانومریک (نمایه برای مثال در یک رایانه برای
اعداد و حروف، در مفهوم عمومی تر اشارات دستوری و علائم
ریاضی و سایر نمایه ها.)

Alternative hydronym

آبنام مترادف

Alternative name

نام مترادف يك عارضه جغرافیایی

Alternative oronym

اورونیم مترادف

Alternative oykonym

اویکونیم مترادف

Analogical derivation

اشتقاق قیاسی

Analogical form

صورت قیاسی

Analogous

همانند

Analphabetic

غیر الفبایی

Analysis

تحلیل ، بررسی

Analytic languages

زبانهای تحلیلی

Animal name

نام حیوانات

Anomalous

خلاف قاعده

Anthrohydronym

آبنام‌هایی که از نام اشخاص به وجود آید

Anthroponymic hydronym

آبنام‌هایی که از نام اشخاص به‌وجود‌آید

Anthroponym

اسامی خاص انسان

Anthroponymy

شاخه علمی که نام اشخاص را تحقیق کند

Anthroponym

اسامی نقاط مسکونی که از نام اشخاص به‌وجود آمده است

Anthropotoponym

اسامی جغرافیایی که از نام اشخاص به‌وجود آمده است

Anthropotoponymy

علمی که اسامی جغرافیایی برگرفته از نام اشخاص را بررسی می‌کند

Antonym

متضاد (به لحاظ مفهوم)

Appellative

واژه دومی که مشخصات نام را مشخص میکند

Applied methodology

روش شناسی کاربردی

Applied onomastics

نامشناسی کاربردی

Applied semantics

Applied Toponymy	معناشناسی کاربردی
Applicable	توپونیمی کاربردی
Approved name	اطلاق پذیر
A priori	نام تأیید شده یا رسمی عارضه جغرافیایی
Apron	پیشین
Apronym	شیب آرام در لایه های کف دریا
Arbitrary	نام شیب آرام در لایه های کف دریا
Archaism	دلخواهی
Archipelagic apron	باستانگرایی، واژه های قدیمی و منسوخ
Area	شیب آرام کف دریا با سطح ملایم که معمولاً در اطراف جزایر واقع است
Areal linguistics	منطقه ، ناحیه
Arrangement	زبانشناسی ناحیه ای
Article	آرایش ، ترتیب واژه ها در ترکیب نحوی
Artificial name giving	حرف تعریف
Artificial name	نام گذاری تصنعی
Articulation	نام ساختگی ، نام عوامانه و رایج نادرست

مبانی توپونیمی

فراگویی، تولید(آوا)- حرکت اندام تنفسی برای ایجاد اصوات
گفتاری با استفاده از اندام حنجره

Aspect

جنبه

Association

تداعي

Associative

همابندي، جانشيني

Associative meaning

معناي متداعي، معنای همابندي

Astiohydronym

هیدرونیم‌هایی که از اسامی شهرها ساخته شوند

Astio-onym

پستی و بلندیهایی که از اسامی شهرها ساخته شوند

Astio-onym

اویکونیم که از اسامی شهرها ساخته شوند

Astionym

اسامی شهرها (از واژه یونانی *aste* به معنای شهر و شهری و *onim* به معنای نام)

Astionymy

شاخه علمی که اسامی شهرها را بررسی می‌کند

Astronym

اسامی اجرام سماوی، ستارگان، کهکشان، شهاب و ... (از واژه یونانی *astur* به معنای ستاره و *onim* به معنای نام)

Astronymy

علمی که اسامی اجرام سماوی را بررسی می‌کند

Astrotoponym

۱- اسامی جغرافیایی که از اسامی اجرام سماوی به وجود آمده است؛ ۲- منطقه کم عمق ساحل و مناسب برای کشتیرانی

Asymmetrical

نامتقارن

Asynchrony

ناهمزمانی

Attitude

نگرش	Attribute
صفت	
Australian National Place names Survey: (ANPS)	
سازمان ملی پژوهش جاینام های استرالیا	
Authority names	
اسامی قانونی	
Autonym	
نامی که توسط یک طایفه ایجاد و مورد استفاده قرار میگیرد. مثل کلمه "Deutschen" که توسط آلمانها برای خودشان ساخته شده است	
Autonomous onomastics	
نامشناسی مستقل و مربوط به یک ناحیه در داخل یک مجموعه دیگر	
Auxiliary	
کمکی	

B

سازه پایه	Basic constituent
Basic letter	
حرف اصلی	
Basic vocabulary	
واژگان پایه	
Basin	
گودال یا فرورفتگی در کف دریا	
Batch processing	
پردازش یکجا (اصطلاح مکمل آن پردازش متقابل)	
Bationym	
اسامی عوارض و پستی بلندیهای زیرآب (از واژه یونانی baty به معنای عمق و onim به معنای نام)	
Bidialectal	
دو لهجه ای	

Bilingual

دوزبانه

Bilingual community

اجتماع دوزبانه

Bilingualism

دوزبانگی

Bilingual names

نامهای دو زبانه که تمام اجزای آن از یک زبان نباشد

Bilingual society

جامعه دوزبانه

Bionym

اسامی خاص موجودات زنده مثل انسان، حیوان و گیاهان. (از واژه یونانی *bios* به معنای زندگی و زیست و *onim* به معنای نام)

Biscriptual

خط دو جهته (مثل خطوط هجایی قدیمی که از بالا به پایین و یا بطور افقی قابل نگارش است)

Board of Geographical Nomenclature: (BGN)

کمیته اصطلاحات جغرافیایی (در کشور کانادا)

Board on Geographic Names (U.S.): BGN

کمیته نامهای جغرافیایی آمریکا

Borrowing of names

وام گیری نامها

Borrowing of names

اقتباس کردن نام عارضه از عارضه دیگر

Braille writing

خط بریل

C

Calligraphy

خوش نویسی

Canadian Geographical Names Service: (CGNS)

خدمات رسانی نامهای جغرافیایی کانادا

Canadian Permanent Committee on Geographical Names (CPCGN)

کمیته دائمی نامهای جغرافیایی کانادا

Cardinal lettering

حرف اصلی

Categorization

مقوله بندی

Category

مقوله

Citation

استناد

Classification of names

دسته بندی نامها

Change

تغییر

Character

نشانه (نماینه گرافیکی که به عنوان یک واحد در نوشته مورد استفاده است.)

Charactonym

اسامی شخصیتها (در آثار ادبی)

Chrematonym

نام موسسات فرهنگی، اقتصادی-سیاسی و تجاری

Choronym

نام محلی یک عارضه جغرافیایی

Class

طبقه

Classification

طبقه بندی ، دسته بندی

Classifier

دسته بندی کننده ، بخشی از نام که امکان دسته بندی آنرا میدهد

Closed classes

طبقات بسته

Closed syllable

هجای بسته

Code	مدل، کد
Coded representation	گونه کد شده ، شکل کد شده اسامي (در کتیبه هاي باستانی)
Codification	مدل سازي
Cognate	همزاد
Cognition	شناخت
Cognitive	شناختي
Co-hyponym	هم معنا شمول
Coined names	نام هاي ساختگي ، جعل نام با جابجايي يا اعراب حروف
Collection of names	گردآوری نامها (جغرافیایی)
Collective	اسم جمع
Collocation words	کلمات هم آي ، کلمات هم نشيني
Colloquial language	زبان محاوره ، زبان رایج در يك منطقه جغرافیایی
Combination	ترکیب
Combinatory change	تغییر ترکیبی
Combinatory phonetics	آواشناسي ترکیبي
Combinatory variant	گونه ترکیبي
Commemorative place name	

جاینام یادواره یا نام عارضه ای که به یاد کسی یا چیزی بر آن عارضه گذاشته شده باشد.

Committee on Geographical Names in Australia:
(CGNA)

کمیته نامهای جغرافیایی استرالیا

Common dialect

گویش مشترک

Common noun

اسم عام

Communication

ارتباط

Communication system

نظام ارتباطی

Community

اجتماع

Comparative phonetics

آواشناسی تطبیقی

Comparative reconstruction

بازسازی تطبیقی، بازسازی با روش مقایسه ای

Compilation of Gazetteers

گردآوری نامنامه

Complex toponym

نام جغرافیایی پیچیده

Componential semantics

معناشناسی تحلیلی

Composite name

نام مرکب. مثل سفیدرود، زایندهرود.

Composition

ترکیب

Compound name

نام مرکب که چسبیده نوشته شود.

Compound toponym

نام جغرافیایی مرکب که چسبیده نوشته شود

Computer file

پرونده رایانه ای	Computer program
برنامه رایانه ای	Computer record
پرونده رایانه ای	Comonym
اسامی روستاها، قصبه و دهات (از واژه یونانی <i>comon</i> به معنای روستا و ده و <i>onim</i> به معنای نام)	Comonymy
بررسی اسامی دهات و روستاها	Comparative linguistics
زبان‌شناسی تطبیقی	Comparison
مقایسه	Comparative toponymy
بررسی تطبیقی اسامی جغرافیایی	Complexity
پیچیدگی	Component of name
اجزای مختلف نام	Composite name
نام مرکب که چسبیده نوشته شود	Compound name
نام مرکب که چسبیده نوشته نشود	Compression of information
ترکم اطلاعات	Computer format
فرمت رایانه ای	Computer menu
فهرست امکانات رایانه	Computer program
برنامه رایانه	Computer record
ذخیره رایانه ، آرشیو رایانه	

Conceptual agrammatism	بي دستوري ادراكي
Conditional probability	احتمال شرطي
Configuration	پيكربندي ، تركيب اسامي و نامها
Conjunction	حرف ربط
Connection	اتصال
Connotation	مفهوم ضمنی ، معنای ضمنی
Consonant	همخوان، بیصدا
Consonant alphabet	الفبای همخوانی، الفبای بیصدا
Consonant letter	حرف همخوان، حرف بیصدا
Consonant script	نوشتار بیصدا که در آن برای واگه حرف خاصی نباشد
Consonant system	نظام همخوانی
Constituent	سازه
Contemporary toponyms	توپونیم های معاصر، توپونیمهای رایج
Context	بافت ، بافت زبانی یا ساخت زبانی
Continuant	پیوسته (آوا)
Continuation	استمرار، پیوستگی ، تسلسل
Contrast	تباين

Conventional

قراردادی ، متعارف

Conventional name

اسامی متعارف رایج در یک منطقه که میتواند جدا از نام رسمی باشد

Conventional sign

نشانه قراردادی، علائم قراردادی

Conversion

تبدیل (منظور تبدیل يك نام به نام دیگر)

Conversion alphabet

الفبای تبدیل (الفبای مورد استفاده در تبدیل اسامی عمدتاً باستانی به الفبای رایج)

Conversion script

خط تبدیل (خط تبدیل شده در اسامی بسیار قدیمی)

Conversion table

جدول تبدیل

Core

هسته

Correspondence

تطابق

Cosmonym

نام اجرام فضایی (از واژه یونانی *kosmos* به معنای آسمان و فضا و *onim* به معنای نام)

Cosmohydronym

آبنام‌هایی که از نام اجرام سماوی گرفته شده است

Cosmooronym

اورونیم‌هایی که از نام اجرام سماوی گرفته شده است

Cosmoonym

اوکیونیم‌هایی که از نام اجرام سماوی گرفته شده است

Cosmotoponym

اسامی جغرافیایی که از نام اجرام فضایی ساخته شده است

Countable

شمارش پذیر، قابل شمارش

Countability

County registry	شمارش پذیری
Creole	ثبت اسامی یک ناحیه
Creonym	زبان (مادری) آمیخته
Critical toponyms	اسامی که از چند زبان مختلف ساخته میشوند
Cryptography	اسامی جغرافیایی جنجال برانگیز که مورد مناقشه هستند
Cultural classes	رمزنگاری
Cultural feature	طبقات فرهنگی
Cultural interference	عارضه جغرافیایی با کاربرد فرهنگی مثل آثار باستانی و قدیمی.
Cultural names	تداخل فرهنگی
Cultural transmission	اسامی مربوط به مکانهای فرهنگی
Culture	انتقال فرهنگی
Cuneiform (writing)	کلیه عوارض مصنوع بشر در رو و زیر زمین که در نقشه منعکس میشوند
Cuneiform character	(نوشتار) خط میخی
	نویسه میخی

D

Dam's name	نام سدها، سدنامها
------------	-------------------

مبانی توپونیمی

Data	داده ، اطلاعات
Database management system (DMS)	سامانه مدیریت داده ها
Data dictionary	واژه نامه داده ها
Data directory	راهنمای داده ها
Data element	عناصر داده ، اجزاء داده
Data field	زمینه داده
Data item	واحد داده
Data portability	جابجایی داده ، امکان استفاده از داده در سامانه های مختلف
Data store of toponyms	ضبط اطلاعات مربوط به توپونیم ها
Dead language	زبان مرده
Deappellative name	نامگذاری اسامی
Deconstruction	شالوده شکنی
Default value	ارزش پیش داده شده
Defective alphabetic script	نوشتار الفبایی ناقص
Definitive	کلمات تعریفی
Demonym	نام معرف ساکنین يك مكان مثل تركها که مردم بومی ساکن ترکستان ، یا کردها ساکن در کردستان هستند.
Dendronym	

Dendronymy	اسامي درختان
Denotation	علم و مبحث مربوط به اسامي درختان
Denotated object	مفهوم صريح ، معنای صريح
Denomination	عارضه جغرافيايي با مفهوم روشن
Dependent	نامگذاري
Derivation	وابسته
Derivational	اشتقاق ، شکل گرفتن از واژه ديگر
Derivational combination	اشتقايي
Derivational contrast	ترکيب اشتقايي
Derivational prefix	تباین اشتقايي
Derivational suffix	پيشوند اشتقايي ، پيشوند مشتق
Derivative index	پسوند اشتقايي ، پسوند مشتق
Derived name	نمايه اشتقايي
Descriptive semantics	نام اشتقايي ، نام اشتقاق شده، نام متعدد با منشاء واحد
Descriptive term	معناشناسي توصيفي
Designation	اصطلاح تشریحي (زمانیکه در زبان مقصد معادل آن اصطلاح وجود نداشته باشد)، واژه رایج برای بیان نوع عارضه در نقشه.

مبانی توپونیمی

نام عادی معرف نوع عارضه. نام جغرافیایی همیشه با اصطلاح جغرافیایی همراه نیست و در صورتی که در نام باشد نوع عارضه را بدرستی نشان نمیدهد.

Descriptive linguistics

زبان‌شناسی توصیفی

Descriptive onomastics

نام‌شناسی تشریحی

Descriptive toponomastics

علم نام‌شناسی جغرافیایی تشریحی

Deviant

انحرافی

Diachronic

در زمانی

Diachronic phonology

واج‌شناسی در زمانی

Diachronic semantics

معناشناسی در زمانی

Diacritic

علائم، نشانه اضافی روی حروف برای ساخت حرف جدید

Diacritical mark

علائم شرطی که به حروف الفبا اضافه میشوند

Diacritical sign

علائم اضافی که به حرف الفبا افزوده میشود

Diagram

نمودار

Dialect

لهجه، گویش

Dialectal

گویش‌شناختی

Dialect area

ناحیه گویشی، منطقه تحت تسلط یک لهجه

Dialectal diversity

تنوع، گونه‌گونی لهجه‌ای

Dialect atlas

Dialect borrowing	اطلس لهجه ها
Dialect geography	قرض گيري گویشي
Dialect mixture	جغرافیای لهجه ، جغرافیای گویشي
Dialectologist	آمیزش گویشي
Dialectology	گویش شناس
Dictionary of toponyms	گویش شناسي
Dictionary of toponymic terms	فرهنگ توپونیمی
Digital data base of geonames: (DDBGN)	فرهنگ اصطلاحات توپونیمی
Digital toponymic data base	سامانه رقمي داده هاي نام هاي جغرافیایي (سررنج)
Diglossia	سامانه رقمي داده هاي توپونیمی
Diglossic	دوزبانگونی
Digraph	دوزبانگونه
Diphthong	دو حرفي مثل ch که معرف واج چ است.
Diphthongization	واکه مرکب
Disconynuous constituent	دو واکه شدگی، حالت قرار گرفتن دو واکه در پی هم
Displacement	جزء گسسته
Dissyllabic	جایجایی

Diatnce	دو هجایی
Disthography	فاصله
Distinction	قواعد املائی
Distributional environment	تمایز
Distributional equivalence	محیط توزیع
Distributional inclusion	تشابه توزیعی ، تشابه پراکندگی نامها در مناطق مختلف
Distributional linguistics	شمول توزیعی
District registry	زبانشناسی توزیعی
Doctrine	ثبت اسامی یک بخش
Domestic geographic name: (DGN)	آموزه
Donor language	اسامی جغرافیایی داخلی
Donor script	زبان عاریه دهنده
Dominant	نوشتار عاریه دهنده ، خط عاریه دهنده
Drimonym	چیره ، غالب ، حاکم
Drimohydronym	اسامی مناطق جنگلی و بیشهزارها (از واژه یونانی <i>drimos</i> به معنای بیشه، بیشه زار و <i>onim</i> به معنای نام)
Drimooronym	هیدرونیم‌هایی که از اسامی بیشهزارها درست شده است
	اورونیم‌هایی که از اسامی بیشهزارها درست شده است

Drimooykonym

اویکونیم‌هایی که از اسامی بیشه‌زارها درست شده است

Dromonym

اسامی راه‌های زمینی، هوایی و دریایی (از واژه یونانی *dromos* به معنای راه و *onim* به معنای نام)

Duration

کشش

E

Eclesionym

اسامی مکان‌های عمومی یا مقدس مثل مسجد و کلیسا (از واژه یونانی *ekklysi* به معنای مکان همایش و *onim* به معنای نام)

Efficiency

کارایی

Element

عنصر

Ellipsisonym

اسامی که اصطلاحات جغرافیایی از آنها حذف شده باشد

Elonym

اسامی مرداب و باتلاق‌ها را گویند

Emphasis

تاکید

Endohydronym

آبنام به زبان‌های رایج یک منطقه

Endooronym

اورونیم به زبان‌های رایج یک منطقه

Endooykonym

اویکونیم به زبان‌های رایج یک منطقه

Endonym

اسامی بومی و محلی، اسامی متعلق به زبان رایج آن منطقه.

Entry

مدخل

Environment

محیط

Epexegetic name

نامی که مردم به یک عارضه می‌دهند (نوعی صفت اضافه) و اطلاعات بیشتری را به آن اضافه می‌کند. مثلاً در شعری دماوند «دیو سپید پای در بند» خوانده شده است. نام مجازی

Eponym

اسامی که از نام اشخاص، افراد (قهرمانان و افراد سرشناس) به وجود آید. یادنام (منشعب از واژه یونانی eponymos به معنای نامگذاری)

Epotoponym

توپونیم یادمان، اسامی جغرافیایی که از نام خاص به وجود آید

Equation

تعداد

Ergonym

نام موسسات و یا شرکتهای بازرگانی

Ethnohydronym

آبنام‌هایی که از نام طوایف و قبایل تشکیل شده است

Ethnooronym

اورونیم‌هایی که از نام طوایف و قبایل تشکیل شده است

Ethnooykonym

اویکونیم‌هایی که از نام طوایف و قبایل تشکیل شده است

Ethnolinguistics

نژاد زبانشناسی، زبانشناسی نژادها

Ethnology

نژادشناسی

Ethnonym

اسامی طوایف و قبایل

Ethnotoponym

اسامی جغرافیایی که از نام طوایف درست شود

Etiquette

اتیکت، برچسب

Etionym

شکل و مفهوم قدیمی اسامی

Ethymological

ریشه شناختی	
Etymological meaning	مفهوم ریشه شناختی ، وجه تسمیه، پیشینه معنایی واژه
Etymological onomastics	نامشناسی پیشینه واژه
Etymological transparency	شفافیت پیشینه واژه
Etymologically opaque	شفاف از لحاظ مفهوم
Etymology	علم ریشه‌یابی اسامی ، ریشه شناسی ، وجه تسمیه
Euphony	خوش آهنگ
Exocentric	خارج از مرکز
Exonym	اسامی رایج در یک منطقه که به زبان رایج همان منطقه مربوط نباشد . (متشکل از واژه یونانی ekzo به معنای راه و onim به معنای نام)
Exohydronym	آبنام هایی که خارج از حدود جغرافیایی زبان به کار می‌روند
Exoronym	اسامی پستی و بلندی که خارج از حدود جغرافیایی زبان به کار می‌روند
Exotoponym	نام جغرافیایی خارجی (که به زبان رایج منطقه نباشد)
Exoykonym	اسامی نقاط مسکونی که خارج از حدود جغرافیایی زبان به کار می‌روند
Extralinguistic	برون زبانی ، عوامل غیرزبانی
Extrasystemic	برون نظامی ، فراسوی نظام (زبانی)
Exteraterrestrial feature	

عارضه غیرزمینی، عارضه سایر کرات
Exteraterrestrial name
نام غیرزمینی، نام جغرافیایی سایر کرات

F

False generic element
اصطلاح جغرافیایی که نوع عارضه را نمی‌رساند. مثل واژه
مونده در نام کشور مونته‌نگرو.

Family name
اسامی خانوادگی

Family of languages
خانواده زبانیها

Feature
مشخصه، مختصه، عارضه

Feature Class
نوع عارضه

Feature Classification:(FC)
دسته‌بندی عارضه

Feature Designation Code
کد دو تا پنج رقمی که نوع عارضه‌ای را که دارای نام است
نشان می‌دهد

Feature name
نام عارضه طبیعی

Feature type
نوع عارضه

Field
حوزه، زمینه

Field name
نام حوزه

File format
فرمت پرونده

Firmware
سخت‌افزار، ابزار رایانه

First-order administrative division code

کد دو حرفی که معرف تقسیمات اداری- جغرافیایی است

Flectional languages

زبانهای تصریفی

Font

حروف ، حرف مورد استفاده در سخت افزارها

Foreign geographic name

اسامی جغرافیایی خارجی

Foreign Names Information Bulletin: (FNIB)

بولتن اطلاعات نامهای خارجی

Foreign Names Committee : (FNC)

کمیته نامهای خارجی مستقر در USBGN

Formal

رسمی ، صوری

Formal aspect

جنبه صوری

Formal association

تداعی صوری

Formal categories

مقولات دستوری

Formalization

صورت سازی

Formal pronunciation

تلفظ رسمی

Formal supposition

اطلاق صوری

Formant

سازنده

Format

اندازه و ترتیب عمومی سند نوشته یا چاپ شده را گویند.

Formation

صورتبندی

Formative

صورت ساز

Formulation

فرمولبندی

Free combination

ترکیب آزاد، ترکیب بدون الزام دستوری

Free variant

گونه آزاد

Frequency

بسامد یا تعداد دفعات استفاده از یک نام، مثلاً نام حسین آباد که ۲۰۰ بار تکرار شده است

Full form

صورت پر، شکل کامل (نام)

Full name

نام کامل

Full title

عنوان کامل، نام کامل

Functional

کارکردی

Functional variant

گونه کارکردی

Fusion

ادغام

G

Gazetteer

نامنامه رسمی، سیاهه اسامی جغرافیایی

Gazetteer index

فهرست اسامی جغرافیایی، سیاهه نامنامه رسمی

Gazetteer of Hydronyms

آبنامه، هیدرونیমে. فهرست رسمی آبنام‌های یک منطقه یا یک کشور

Gemination

تشدید

Gender

Genealogy	جنس (دستوري)
Generalization	تبارشناسي
Generalized	تعميم
General phonetics	تعميم يافته
General phonology	آواشناسي همگاني
General semantics	واج شناسي همگاني
General toponymy	معناشناسي همگاني
Generic element	توپونيمي عمومي؛ شاخه‌اي که قوانين عام را بررسي مي‌کند.
Generic term	بخشي از نام جغرافيايي که از اصطلاح جغرافيايي تشکيل شده
Generic element	بخشي از نام جغرافيايي که اصطلاح جغرافيايي است و نوع حقيقي عارضه را نشان دهد.
Generic process of names	فرآيند شکل گيري نام
Genesis of name	منشاء نام
Genetic classification	طبقه بندي وراثتي
Genitive (case)	حالت (اضافه) ملكي
Genocide of names	قلع و قمع اسامي جغرافيايي (تغيير قهري اسامي)
Geographical common word	اصطلاحات مرسوم جغرافيايي

Geographical coordinates	مختصات جغرافیایی (منظور طول و عرض جغرافیایی است)
Geographical dialect	گویش جغرافیایی ، لهجه جغرافیایی
Geographical dictionary	فرهنگ جغرافیایی
Geographical distribution	توزیع جغرافیایی، پراکندگی جغرافیایی
Geographical entity	عنصر جغرافیایی، واحد جغرافیایی
Geographical feature	عارضه جغرافیایی
Geographical linguistics	زبان‌شناسی جغرافیایی
Geographical name	اسم جغرافیایی
Geographic Information System: (GIS)	سامانه اطلاعات جغرافیایی (ساج)
Geographic Names Information System: (GNIS)	سامانه اطلاعات اسامی جغرافیایی
Geographic Names Standardization (GNS)	یکسان سازی اسامی جغرافیایی (یاج)
Geographic Reference File-Names:(GRFN)	علامت جغرافیایی نام فایل
Geographic Names Data Base: (GNDB)	بانک اطلاعاتی اسامی جغرافیایی
Geographical Names Board of Canada: (GNBC)	کمیته اسامی جغرافیایی کانادا
Geonames	اسامی جغرافیایی (مرکب از دو واژه جغرافیا و نام است)
GeoName	مخفف نام جغرافیایی
Glossary	واژه نامه، مجموعه واژه های مختص يك علم

Glossonym	نام زبانها ، گونه های متفاوت يك زبان
Glottopolitics	سیاست زبانی
Grammatical analysis	تحلیل دستوری
Grammatical category	مقوله دستوری
Grammatical change	تغییر دستوری
Grammatical distinction	تمایز دستوری
Grammatical feature	مشخصه دستوری
Grammatical gendre	جنسیت دستوری
Grammatical interference	تداخل دستوری
Grammatical level	سطح دستوری
Grammatical metalinguistics	فرازبانیهای دستوری
Grammatical rule	قاعده دستوری
Grammatical variant	گونه دستوری
Grammatical word	کلمه دستوری
Grammar	دستور زبان
Granted Hydronym	هیدرونیم های عاریه شده از یک توپونیم یا نام دیگر مربوط به منطقه ای دیگر
Grapheme	

نویسه

Graphic form

شکل نگارشی، شکل خطی

Graphic noise

نقشه خطی مبهم، انباشتن اطلاعات تصویری روی نقشه

Graphic sign

علائم تصویری مثل علائم رانندگی

Graphization

خط سازی

Group

گروه

Group naming

نامگذاری گروهی

H

Hardware

سخت افزار

Hawaii Board on Geographic Names:(HBGN)

کمیته نامهای جغرافیایی هاوایی (امریکا)

Heathen name

اسامی گرفته شده از پرستش اشیاء

Historical

تاریخی، قدیمی

Historical linguistics

زبانشناسی تاریخی

Historical name

نام تاریخی یا قدیمی عارضه

Historical semantics

معناشناسی تاریخی

Historical source

منبع تاریخی و قدیمی

Historical stratification of names

لایه بندی تاریخی نامها

Historical onomastics	نام شناسی تاریخی
Historical toponomastics	مبحث نام شناسی تاریخی اسامی جغرافیایی
Historical toponyms	توپونیم های قدیمی
Historical word	واژه تاریخی
Hodonym	راه نام ، اسامی گذرگاه های درون شهری
Homograph	اسامی با املا مشابه و تلفظ متفاوت ، هم خط
Homography	همخطی
Homohydronym	هیدرونیم مشابه مانند سدکرج و رود کرج
Homonym	اسامی مشابه مانند هراز (کوه، رود و جاده)
Homophone	هم آوا، نام هایی که تلفظ مشابه و املا متفاوت دارند
Homophonous form	صورت هم آوا
Homophony	هم آوایی
Hydroformant	بخشی از آبنام که نوع آبنام را نشان میدهد مثل نهر، رود
Hydrogeographical Formant	بخشی از اورونیم که به عنوان اصطلاح هیدروجغرافیایی به کار می رود
Hydrographic feature	عارضه آبنگاری
Hydronymic feature	عارضه آبی ، عارضه جغرافیایی مرتبط با آب
Hydronym	

آبنام	
Hydronymical topoform	اصطلاح مربوط به آبنام که نوع آبنام را معین می‌کند. مثل سد، رود، چشمه که به نام می‌چسبند
Hydronymic feature	عوارض آبی
Hydronymist	کسی که به‌صورت حرفه‌ای درباره آبنام‌ها تحقیق کند
Hydronymy	علمی که موضوع آن هیدرونیم است
Hydrohydronym	هیدروآبنام ، هیدرونیمی که از هیدرونیم دیگر به وجود آید
Hydronym	آبنام ، هیدرونیم. ، عوارض جغرافیایی که با آب مرتبط است را گویند
Hydro-object	هر نوع موردآبی طبیعی یا مصنوع دست بشر را گویند
Hyphen	نیم خط
Hyphenation	تیره گذاری در اسامی مرکب
Hyphenization	تیره گذاری بین دو نام
Hypocoristic	نام ، لقب برای اشیاء یا موجودات ، نام خودمانی
Hyponymy	شمول معنایی
Hypotext	پسامتن ، پس متن
Hypothetical	فرضی
Hypothesis	فرضیه

I

Iconic sign	نشانه تصویری
Identical names	نامهای مختلف یک عارضه جغرافیایی
Identification	برابرسازی ، تقابل
Ideogram	اندیشه نگار
Ideographic script	خط اندیشه نگار
Ideography	معنی نگاری ، اندیشه نگاری
Idiolect	گویش فردی
Implicit	ضمنی ، غیر صریح
Independent element	عنصر ناپیوسته ، عنصر مستقل
Indicator	شاخص
Indigenous language	زبان محلی ، زبان بومی
Indigenous name	نام محلی ، نام بومی
Induction	استقرا
Inductive	استقرایی
Infinitive	اسم مصدر ، اسمی که از مصدر فعل بعمل آید
Inflexional index	نمایه تصریفی

Inflexional suffix	پسوند تصریفی
Informant	گویشور
Informant of geoname	گویشور اسامی جغرافیایی
Innovative language	زبان نوساخته
Inscription	سنگ نوشته ، کتیبه
Interlinguistic	درون زبانی
Interference	تداخل (زبانی)
Interference errors	خطاهای تداخلی
Interpretative semantics	معناشناسی تعبیری
Initial symbol	حروف آغازین که برای اختصار در نامنگاری استفاده شود.
Innovation	ابداع
Interactive processing	پردازش فعل و انفعالی
Interface	رابط ، ارتباط میان دو سامانه یا برنامه
Interlingual	بینازبانی ، بین زبانی، درون زبانی
Internal	داخلی ، درونی
Internal reconstruction	بازسازی درون زبانی ، بازسازی داخلی
International Council of Onomastic Sciences: (ICOS)	

انجمن بین المللی علوم نامشناسی	
International Phonetic Alphabet (IPA)	
الفبای بین المللی آوانگاری	
International Phonetic Association : (IPA)	
انجمن بین المللی آواشناسی	
International standardization	
یکسان سازی بین المللی	
Internet Corporation for Assigned Names & Numbers: (ICANN)	
موسسه اینترنتی ارقام و نامهای معین شده	
Interpretation	
تعبیر ، برداشت خاص از یک نام	
Interrogation	
پرسش	
Interrogative	
پرسشی	
Inversion	
جابجایی	
Iranian Committee for Standardization of Geographical Names: (ICSGN)	
کمیته تخصصی نام نگاری و یکسان سازی نام های جغرافیایی ایران	
Iranian National Geographical Names Database : (INGND)	
پایگاه ملی داده های نامهای جغرافیایی	
Irregular	
بی قاعده ، فاقد نظم زبانی	
Isolated area	
ناحیه منزوی	
Isomorphism	
همریختی	
Isomorphous	
همریخت	
Isomorphous languages	

L

Lacustrine name	نام عوارض آبی محصور مثل دریاچه، برکه و غیره
Language	زبان
Language Code: (LC)	کد سه حرفی که زبان نام عارضه را مشخص میکند
Language demography	دموگرافی زبان
Latitude : Lat	عرض جغرافیایی
Latitude of the Geoname	عرض جغرافیایی يك نام جغرافیایی
Letter	حرف ، نویسه
Level	سطح
Level of language	سطح زبان
Lexemic structure of geoname	ساخت لغوی اسامی جغرافیایی ، ساختار واژه ای اسامی
Lexical	واژگانی
Lexical borrowing	قرض واژگانی
Lexical category	مقوله واژگانی
Lexical correspondence	تطابق واژگانی
Lexical field	حوزه واژگانی

Lexical identity	یکسانی واژه
Lexical interference	تداخل واژگانی
Lexical opposition	تقابل واژگانی
Lexical pattern	طرح واژگانی
Lexical set	مجموعه واژگانی
Lexical valence	ظرفیت واژگانی
Lexicography	واژگان نگاری
Lexicology	واژگان شناسی
Lexicon	واژه
Lexicostatistics	آمار واژگانی ، دانش آمار واژگانی
Ligature	لیگاتور (ترکیب دو حرف که معرف صدای جدیدی است)
Limnonym	اسامی دریاچه، نهر، برگه و تالاب را گویند (از واژه یونانی <i>limno</i> به معنای دریاچه و <i>onim</i> نام)
Lingua franca	زبان میانجی
Linguistic affinity	قربت زبانی ، خویشاوندی زبانی
Linguistic analysis	تحلیل زبان شناختی
Linguistic archives	بایگانی زبانی ، داده های زبانی بایگانی شده
Linguistic area	

Linguistic atlas	منطقه زبانی، جغرافیای زبانی
Linguistic boundary	اطلس زبانی
Linguistic community	مرز زبانی
Linguistic contact	جامعه زبانی
Linguistic data	برخورد زبانی، ارتباط زبانی
Linguistic distribution	داده های زبانی
Linguistic element	توزیع زبانی
Linguistic family	عنصر زبانی
Linguistic field	خانواده زبانی
Linguistic form	حوزه زبانی
Linguistic frequency	شکل زبانی
Linguistic geography	بسامد زبانی، دفعات استفاده از یک زبان در نامگذاری
Linguistic habit	جغرافیای زبانشناسی
Linguistic illusion	عادت زبانی
Linguistic individuation	خطای زبانی
Linguistic interference	فردزبانی
Linguistic knowledge	تداخل زبانی، تاثیر زبانی بر زبان دیگر

Linguistic map	آگاهی زبانی، آگاهی زبان شناختی
Linguistic minority	نقشه زبانی
Linguistic nationalism	اقلیت زبانی
Linguistic norm	ملیت گرایی زبانی
Linguistic paleontology	هنجار زبانی
Linguistic phylogeny	بوم شناسی زبانی
Linguistic record	تحول زبانی در زمان
Linguistic region	ثبت زبانشناسی اسامی
Linguistic relativity	منطقه زبانی
Linguistic repertoire	نسبیت زبانی
Linguistic rules	مجموعه زبانی
Linguistics	قواعد زبانی
Linguistic semantics	زبان شناسی، علم زبان شناسی
Linguistic study	معنا شناسی زبانی
Linguistic substance	بررسی زبان شناختی ، مطالعه زبانی
Linguistic unit	جوهر زبانی
Linguistic universals	واحد زبانی

Literal	جهاني هاي زبان
Literary language	تحت اللفظي
Litonym	زبان ادبي، زبان استاندارد
Liturgical language	نام عوارض زمین مانند دلتا، خلیج، دماغه و سایر در ساحل (از واژه یونانی <i>litus</i> به معنای ساحل و <i>onim</i> نام)
Living language	زبان مذهبي
Loan toponym	زبان زنده
Local dialect	توپونیم عاریه
Local name	گوش محلي
Localization of place names	نام بومی، نام محلی
Logical analysis	مکان یابی جاینام ها
Logogram	تحلیل منطقي
Logographic	تصویرنگار
Logographic lexicon	تصویرنگاري
Logographic script	فرهنگ واژه نگاري، واژگان تصویرنگاري
Logographic writing	نوشتار تصویرنگاري
Longitude : (LONG)	خط واژه نگار
	طول جغرافیایی

Long form	شکل کامل یا اختصار نشده نام عارضه
Lunar name	نام مربوط به قمر یا کره ماه

M

Macrotoponym	توپونیم‌های حجیم و بزرگ ، کلان نام
Macro-oronym	اورونیم‌های حجیم و بزرگ
Macro-oykonym	اویکونیم‌های حجیم و بزرگ
Macrohydronym	آبنام های حجیم و بزرگ ، کلان آبنام
Manifestation	تظاهر ، کاربرد ویژه زبانی-دستوری
Man-made feature	عارضه ساخت دست بشر
Map lettering	حرف نقشه
Map script	خط نقشه
Maritime allonym	نام دریایی متفاوت مثل دریای مدیترانه که در زبان ملل اطراف آن به اشکال گوناگون نامیده میشود
Maritime name	نام دریایی یا مربوط به دریا
Marked	نشانداز
Marker	علائم خطی ، نشانه خطی نشاندهنده واج
Mechanism	سازوکار

مبانی توپونیمی

Memohydronym

آبنام های گرفته شده از نام شخصیت‌های معروف

Mesohydronym

آبنام های متعلق به قرون میانه

Mesotoponym

توپونیم‌های متعلق به قرون میانه

Meso-oykonym

اسامی نقاط مسکونی متعلق به قرون میانه

Meso-oronym

اسامی پستی و بلندیها متعلق به قرون میانه

Metalanguage

فرازبان

Metalinguistic

فرازبانی

Metalinguistic meaning of names

مفهوم فرازبانی نامها

Metaphor

استعاره ، مجاز

Metaphoric meaning

مفهوم استعاری، معنی مجازی، مفهوم غیرحقیقی

Methodology

روش‌شناسی

Metronym

نام گرفته شده از نام مادر

Microglossary

واژه نامه کوچک

Microhydronym

آبنام های کم حجم یا کوچک، خردآبنام

Micro-oronym

اورونیم‌های کم حجم یا کوچک

Micro-oykonym

ویکونیم‌های کم حجم یا کوچک

Microtoponym

توپونیم‌های کم حجم یا کوچک، خردنام

Minimal unit	واحد کمینه، نامهایی که کمتر استفاده میشوند
Minority language	زبان اقلیت
Minority name	نام در زبان رایج اقلیت، نام جغرافیایی اقلیت
Mistake names	نامهایی که در اثر اشتباه املائی ثبت گردند مثل نام اوسپوای ترکی که به صورت یوسف آباد ثبت شده
Mixed	آمیخته
Model	الگو، نمونه، مثال
Modernization	نوسازی
Modification	تعدیل، توصیف
Modified character	اشارات یا حروف اصلاح و یا بازسازی شده
Modifier	شناسه، توصیف کننده، تعدیل کننده
Monolingual	یک زبانه، تک زبانه
Monolingual community	اجتماع تک زبانه
Monosemantic	تک معنایی
Monosyllable	تک هجا
Monosyllabic name	نام تک هجایی
Morpheme	تکواژ
Morphological	

Morphological categories	صرفی
Morphological level	مقولات ساختواری
Morphological termination	سطح صرفی
Morphology	پایانه صرفی
Mother tongue	ریخت شناسی، علم صرف
Multilateral	زبان مادری
Multilateral opposition	چندجانبی
Multilingual community	تقابل چندجانبی، تقابل چندوجهی
Multilingual gazetteer	اجتماع چندزبانه
Multilingual lettering	نامنامه چندزبانه
Multilingual map	حرف چند زبانه ، حرف مشترك در چندین زبان
Multilingual map script	نقشه چند زبانه
Multilingual names	خط نقشه چند زبانه
Multilingual nation	نامهای چند زبانه متشکل از زبانهای مختلف
Multilingual society	ملیت چندزبانی
Multiscriptual gazetteer	جامعه چندزبانه
Multiscriptual lettering	نامنامه چند نوشتاره، نامنامه چندخطه

Multiscriptual map	حرف چندخطی
Multiscriptual map script	نقشه چند خطی ، نقشه چند نوشتاری
Mythohydronym	خط نقشه چند خطی
Mythonym	آبنام هایی که از نام اساطیر به وجود آمده اند
Mythonym	نام اساطیر و افسانه ها (متشکل از واژه یونانی <i>mufes</i> به معنای افسانه و <i>onim</i> نام)
Mythotoponym	اسامی جغرافیایی برگرفته از نام اساطیر

N

Name atlas	اطلس اسامی (جغرافیایی)
Name authority	متولی نام ، متصدی رسمی نام
Name boundary	مرز نام ، مرز اسامی
Name cluster	خوشه نام ، ارتباط اسامی با یکدیگر
Name collection	گردآوری اسامی
Name constituent	سازه نام
Name element	عناصر موجود در اسامی
Name form	شکل دستوری اسامی
Name formant	واژه هایی که اسامی از آنها ساخته میشود مثل آباد
Name formation	

مبانی توپونیمی

شکل گیری یک نام ، مرحله قبل از تثبیت یک نام	Name giving
اطلاق نام به یک عارضه جغرافیایی و سایر	Name index
نمایه اسامی ، فهرست اسامی	Name of hills
اسامی تپه ها	Name of region
نام منطقه مسکونی و یا غیر مسکونی	Name of river
نام رودخانه	Name planning
برنامه ریزی نام گذاری یا ایجاد سیستم نامگذاری	Name policy
سیاست نامگذاری، برنامه هدفمند نامگذاری	Name sociology
جامعه شناسی نام	Name theory
نظریه بوجود آمدن و پیدایش اسامی	Name Unknown: (NU)
نام ناشناس ، نام مبهم	Names usage
کاربرد نامها ، استفاده روزمره از نامها	Names card
کارت ثبت اسامی جغرافیایی	Names classification
دسته بندی نامها	Names conversion
تبدیل نام ، ابدال نام	Names index
فهرست نامها ، سپاهه الفبایی نامهای جغرافیایی	Names survey
پژوهش نامها، تحقیق درمورد نامها	Names transformation

تبدیل نامها (در آوانویسی)	Name Type: (NT)
نوع نام	Naming policy
سیاست نامگذاری	Naming system
سامانه نامگذاری	Naming tendency
گرایش نامگذاری	National Geographical Name Data Base: (NGDB)
پایگاه ملی داده های اسامی جغرافیایی	National Geographical Organization (IR): (NGO)
سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ایران	National Geospatial-Intelligence Agency's: (NGA)
آژانس ملی اطلاعات فضایی-جغرافیایی	National Geospatial-Intelligence Agency's Geographic Names Data Base: (NGAGNDB)
بانک اطلاعاتی اسامی جغرافیایی مؤسسه ملی اطلاعات فضایی جغرافیایی	National language
زبان ملی ، زبانیکه توسط کلیه اتباع کشور بکار رود	Native toponymy
اسامی جغرافیایی بومی یا محلی و یا کشوری	Natural class
طبقه طبیعی	Natural feature
عارضه طبیعی یا موجود در طبیعت	Natural name giving
نامگذاری طبیعی	Natural names
نامهای طبیعی	Nekronym

Neohydronym	اسامی گورستان‌ها و مزارها
Neologism	هیدرونیم جدید
Neo-oronym	نوآوری واژگانی
Neotoponym	اورونیم جدید
Neuter	اسامی جغرافیایی جدید
Nomenclature	خنثی
Nomin	اصطلاحات جغرافیایی در اسامی
Nominal	نام ، کلیه کلماتی که به عنوان نام به کار روند
Nominal case	اسمی ، اسمواره
Nominal categories	حالت اسم ، حالت اسمی
Nominal class	مقولات اسمی
Nominal group	طبقه اسمی
Nominalism	گروه اسمی
Nominalist	نامگرایی
Nominal suffix	نامگرا
Nominal words	پسوندهای اسمی ، پسوند اسم ساز
Nomination	کلمات اسمواره

نام گذاری جغرافیایی	
Non-linguistic sign	نشانه غیر زبانی ، علائم غیر زبانی مثل علائم رانندگی
Non-official language	زبان غیر رسمی، زبان رایجی که توسط گروهی از مردم بکار می‌رود، مثل زبان ترکی و عربی در ایران
Non-settlement name data	اطلاعات اسامی نقاط غیر مسکونی
Non-vocalized	غیر صوتی
Non-vowelled	غیر صدادار
Norm	هنجار
Normalisation	عادی سازی
Normative	هنجارگرا
Numeral	عددی

O

Objective analysis	تحلیل عینی
Ocean feature	عارضه بستر اقیانوس
Oceanonym	نام جغرافیایی موجود در سطح و اعماق اقیانوس‌ها
Odonym	به hodonym مراجعه شود
Official language	زبان رسمی
Official name	

Official pronunciation	نام رسمی
Old names	تلفظ رسمی ، قرائت رسمی (نام)
Onomasiologist	نامهای (جغرافیایی) قدیمی
Onomasiology	کارشناس نام شناسی اجتماعی
Onomastic research	نامشناسی اجتماعی
Onomastician	پژوهشهای نام شناسی
Onomastics	نام شناس
Onomatogeography	نام شناسی
Onomatology	نام شناسی جغرافیایی
Onomatophysiology	ریخت شناسی نامها
Onomatopoeia	ریخت شناسی فیزیکی نامها
Onomatopoeic	نام آوا
Onomatopoeic derivation	نام آوایی
Onomist	اشتقاق نام آوایی
Open syllable	کارشناس اسامی
Opposition	هجای باز
Optional	تقابل

اختیاری	Order of names
ترتیب نامها	Oroformant
اندامهای گفتاری، اندامهای فعال در گفتار و سخن گفتن	Organs of speech
زبان اولیه	Original language
نوشتار اصلی، خط اصلی	Original script
بخشی از نام پستی و بلندی که نوع اورونیم را نشان میدهد	Oroformant
مربوط به نگارش اسامی پستی و بلندی	Orographic
نگارش اسامی پستی و بلندی	Orography
آبنام‌هایی که از نام پستی و بلندی به وجود آمده است	Orohydronym
کارشناس اسامی پستی و بلندی ها	Oronimist
نام پستی و بلندی ها مثل اسامی کوه ها، دشتهای و تپه ها	Oronym
حشو خطی	Orthographic redundancy
رسم الخط	Orthography
نظام الخط ، قواعد نوشتار	Orthography system
تعمیم افراطی	Overgeneralization
آبنام‌هایی که از نام مناطق مسکونی گرفته شده باشد	Oykohydronym
اسامی نقاط مسکونی (از لاتین oeconym)	Oykonym
	Oykoformant

بخشی از اویکونیم که نوع آنرا نشان میدهد

P

Paleographer

خط شناس

Paleography

خط شناسی

Paleohydronym

آبنام قرون اولیه

Paleotoponym

نام جغرافیایی قرون اولیه

Paleoykonym

نام مکان مسکونی قرون اولیه

Paleo-uronym

نام پستی- بلندی قرون اولیه

Paralanguage

شبه زبان

Parallel constructions

ساختهای همگون

Parallel geoname

اسامی جغرافیایی موازی

Parallel hydronyms

آبنام های موازی که در سایر کشورها و مناطق همجوار مورد استفاده هستند مانند رود کر در ایران و رود کور در جمهوری آذربایجان

Parallel oronyms

اورونیم های موازی. اورونیم هایی که در سایر کشورها و مناطق همجوار مورد استفاده هستند. مانند کوه انلبروس در قفقاز که همان البرز است

Parallel toponyms

اسامی جغرافیایی موازی

Partial

جزئی

Participle

وجه وصفی

Passive hydronym

هیدرونیم غیرفعال ، آبنام غیرفعال

Passive oronym

اورونیم غیرفعال

Passive oykonym

ایکونیم غیرفعال

Passive toponym

نام جغرافیایی غیرفعال، نام جغرافیایی راکد

Patronym

نام خانوادگی، نام اشخاص گرفته شده از نام پدری

Pattern

طرح

Pattern of change

الگوی تغییر

Pathrohydronym

آبنام‌هایی که از نام خانوادگی اشخاص گرفته شده باشند

Pathro- oronym

اورونیم‌هایی که از نام خانوادگی اشخاص گرفته شده باشند

Pelgonym

اسامی دریاها و بخش‌های آن (متشکل از واژه یونانی *Pelgos* به معنی دریا و *onim* به معنای نام) .

Perception

ادراک

Permanent Committee on Geographical Names for British Official Use:(PCGN)

کمیته دائمی بکارگیری رسمی نامهای جغرافیایی بریتانیا

Personal name

نام خاص مورد استفاده در توپونیمی

Phenomenology

نمودشناسی

Philological aspects

جنبه های لغوی - واژگانی

مبانی توپونیمی

Phone	آوا
Phoneme	واج
Phonemic	واجی
Phonemic analysis	تحلیل واجی
Phonemic arrangement	آرایش واجی
Phonetic	آوایی، آواشناختی، صوتی
Phonetical	آوادار، صوتدار
Phonetic analogy	تشابه آوایی
Phonetic change	تغییر آوایی
Phonetic context	بافت آوایی
Phonetic environment	محیط آوایی
Phonetic feature	مختصه آوایی
Phonetic interference	تداخل آوایی
Phonetic notation	نمایش آوایی
Phonetic script	خط آوانگار
Phonetic similarity	تشابه آوایی
Phonetic substance	جوهر آوایی

Phonetic variant	گونه آوایی
Phonic medium	رسانه آوایی
Phonocentrism	آوامحوری
Phonogram	آوانگار، صوت نگار (دستگاه)
Phonological borrowing	قرض گیری واجی، قرض گیری واژی
Phonological correspondence	تطابق واجی، تطابق آوایی
Phonological opposition	تقابل واجی، تقابل آوایی
Phonological pattern	الگوی واجی، الگوی آوایی
Phonological processes	فرایندهای واجی
Phonological termination	پایانه واجی
Phonological transformation	ابداً صوتی
Phonology	آواشناسی، واج شناسی
Physical feature	هر عارضه جغرافیایی که دارای نام باشد. هرگونه عارضه که به چشم رویت شود
Phytonym	اسامی نباتات و گیاهان
Phytohydronym	آبنام اقتباس شده از نام نبات یا گیاهان
Phyto-onym	اورونیم‌هایی که از نام نباتات و گیاهان تشکیل شده باشند.
Phytotonym	

مبانی توپونیمی

Physical feature	نام جغرافیایی اقتباس شده از نام نبات یا گیاهان
Pictogram	عارضه فیزیکی
Pictographic writing	تصویرنگار (خط)
Pictography	خط تصویرنگار
Pidgin	تصویرنگاری ، خط تصویری
Pixel	زبان مختلط مثل زبان برنامه های ترکی رادیو تبریز
Place	پیکسل
Place name	مکان ، جاي ، جایگاه
Place name gazetteer	نام مکان ، جاینام
Place name index	نامنامه جاینام
Place name research	نمایه جاینام ، فهرست جاینام
Pleorononym	پژوهشهای مزبوط به اسامی جغرافیایی
Pleohydronym	اورونیم‌های قرون اولیه
Pleotonym	آبنام‌های قرون اولیه
Pollionym	اسامی جغرافیایی قرون اولیه
Polyglot	چندنام؛ دارای چند نام
Polysemes	چندزبانه

Polysemic unit	چندمعنادر ، اسامي مشابه با مفهوم متفاوت
Polysemous	واحد چندمعنايي
Polysemy	چندمعنا ، چندمعنايي
Polysystemic	چندمعنايي
Popular	چندنظامي
Popular etymology	عاميانه
Populated Figures	ریشه شناسي عاميانه
Populated place	کدهاي عددي جمعيت
Populated Place Code	مکان پر جمعيت
Position	کدهايکه فشردهگي جمعيت در نقاط مسكوني را نشان ميدهد
Post-initial	جاي ، جايگاه
Potamonym	پس آغازي
Pragmatics	اسامي رودها و رودخانهها ، رودنام (متشکل از واژه يوناني <i>Potmos</i> به معنی رودخانه و <i>onim</i> به معنای نام)
Predication	کاربردشناسي
Predicative	اسناد ، استناد
Prefinal	اسنادي
	پيش پاياني

مبانی توپونیمی

Prefix

پیشوند

Prehistorical linguistics

زبان‌شناسی ماقبل تاریخ

Prenominal

پیش اسمی

Presentation

نمایش

Primary Country Code

نشانه دو حرفی که معرف کشور، شهر یا منطقه باشد

Primary name

نام اولیه یا قدیمی عارضه که منسوخ باشد

Principal language

زبان اصلی مثل ترکی در آذربایجان

Priority

اولویت، تقدم

Primitive

اولیه

Process

فرایند، پردازش

Processing of names

پردازش نامها مثل ترتیب بندی، دسته بندی و س.

Progressive

پیشرو، فرایند دستوری به جلو

Pronunciation

تلفظ

Proper name

نام خاص

Proper noun

نام خاص

Proportional

متناسب

Pure

یکدست، خالص

Pure bilingualism

دوزبانگي بکدست، دوزبانگي خالص

Purification

پالایش

Q

Quantative

کمي

Quantity

کمیت

Qualitative

کيفي

Quality

کیفیت

R

Radical

صورت اوليه حروف تصوير نگاري

Radix

صورت اوليه حروف تصوير نگاري

Raster mode

حالت رستر (در نقشه ها)

Receiver language

زبان گیرنده در مقابل زبان عاريه دهنده

Receiver script

خط گیرنده ، نوشتار عاريه شده

Reconstruction

بازسازي ، ايجاد شکل اوليه و قديمي واژه

Rectangular coordinate

مختصات مثلثي

Redundancy

حشو

مبانی توپونیمی

Region Font Code

کدی برای مشخص کردن حرف نقشه که بصورت اختصار یا کامل باشد

Regional accent

لهجه منطقه ای

Regional dialect

گویش منطقه ای

Regressive

پسرو ، تأثیر پسین در حالت دستوری

Regular

باقاعده ، منظم

Replacement

تعویض ، جایگزینی (نامها)

Retranscription

آوانویسی مجدد، آوانویسی دوباره

Retransliteration

حرف نویسی مجدد، حرف نویسی دوباره

Reversibility

حالت قلب در نوشتار ، حرف نگاری برعکس

River's name

اسامی رودها، رودنام‌ها

Romanization

لاتین نویسی اسامی جغرافیایی

Romanized form of names

شکل لاتین شده نامها

Romanisation key

راهنمای لاتین نویسی

Romanisation system

نظام لاتین نویسی

Romanization guideline

دستورالعمل لاتین نویسی

Root

بن ، ریشه

Rule

S

Saddle

گذرگاه پهن در خط الراس یا میان دو برآمدگی که شبیه زین اسب است

Script

نوشتار ، خط

Scriptual

نوشتاری

Seabed feature

عارضه جغرافیایی بستر دریا

Seamount

برجستگی‌های کله قندی در دریا

Seamount chain

رشته برجستگی‌های کله قندی در دریا

Second-order administrative division code

کد دو حرفی که معرف زیر تقسیمات اداری- جغرافیایی است

Segment

بخش

Selection

گزینش ، انتخاب

Selenonym

متشکل از واژه یونانی *selono* به معنای ماه و *onim* به معنای نام. اسامی جغرافیایی کره ماه

Semantic association

تداعی معانی

Semantic category

مقوله معنایی

Semantic change

تغییر معنایی

Semantic classification

Semantic combination	دسته‌بندی اسامی بر مبنای مفهوم آنها
Semantic compatibility	ترکیب معنایی
Semantic complex	سازگاری معنایی
Semantic component	آمیزه معنایی
Semantic distance	بخش معنادار نام جغرافیایی، بخشی که مفهوم آن روشن است
Semantic distinction	فاصله معنایی
Semantic equation	تمایز معنایی
Semantic error	تبادل معنایی
Semantic feature	خطای معنایی
Semantic field	مشخصه معنایی
Semantic generalization	حوزه معنایی
Semantic interpretation	تعمیم معنایی
Semanticity	تعبیر معنایی
Semantic markers	بار معنایی
Semantic redundancy	نشانه‌های معنایی
Semantic representation	حشو معنایی
Semantic rules	نمایش معنایی

Semantics	قواعد معنایی
Semantic symbol	معنی شناسی ، مبحثی در زبانشناسی همگانی
Semasiology	نماد معنایی
Sememic analysis	علم معانی و بیان ، معناشناسی
Semi-dead language	تحلیل معنایی، تحلیل مفهومی
Semi-linguistic	زبان نیم مرده
Semiology	نیم زبانی
Semiotics	نشانه شناسی
Semiotic systems	نشانه شناسی
Semiotic triangle	سامانه های نشانه ای، نظامهای نشانه ای
Separability	مثلث معنایی (به لحاظ اشاره ای)، مثلث دلالت
Sequence	جدایی پذیری
Sequency rules	توالی
Sequence rules	قواعد ترتیب و توالی
Settlement name	مقررات توالی ، قواعد توالی
Settlement name giving	نام مکان مسکونی
Shelf	نام گذاری واحد مسکونی

مبانی توپونیمی

منطقه‌ای در اطراف قاره‌ها یا جزایر با شیب آرام تا جایی که شیب تند کف اقیانوس شروع می‌شود

Shelf edge

خطی که گستره عوارض را در اطراف قاره‌ها یا جزایر مشخص می‌کند.

Short-form of a name

بخشی از نام که جایگزین کل آن شود، نام مختصر

Side Committee of Undersea Features Name:
SCUFN

کمیته فرعی اسامی عوارض کف دریا

Signified

مدلول

Similarity

تشابه

Simple name

نام ساده ، نام تَك جزئی، نامی که تجزیه نشود

Simplification

ساده سازی

Simplified character

حرف ساده شده، علائم ساده شده

Situational context

بافت موقعیتی

Short form

شکل اختصار اسامی مثل US

Short title

عنوان اختصاری اسامی

Simplex name

نام جغرافیایی تَك جزئی

Simplified characters

اشارات ساده شده برای ثبت اسامی

Social accent

لهجه اجتماعی

Software

نرم افزار

Sonogram	آوانگاشت
Sonograph	آوانگار
Source	منبع، مرجع، مبدا
Source language	زبان مرجع، زبان مبدا
Source script	خط مرجع، نوشتار مبناء
Sociocultural context	بافت اجتماعی-فرهنگی
Socio-onomastic research	پژوهشهای مربوط به نامشناسی اجتماعی
Sound symbolism	آوانمادی
Spatial features	عوارض جغرافیایی فضایی
Special letters	حروف مخصوص
Specific	خاص
Specific element	بخشی از نام که اصطلاح جغرافیایی نیست، مثل عباس در بندر عباس
Specific term	بخشی از نام جغرافیایی که نوع عارضه را نشان میدهد
Speech	گفتار
Speech community	جامعه گفتاری
Speleonym	اسامی عوارض طبیعی زیر و روی زمین مثل غارها (متشکل از واژه یونانی <i>peleon</i> به معنای غار و <i>onim</i> به معنای نام)

Standard

معیار

Standard dialect

گویش معیار ، گویشی که زبان معیار از آن بعمل آید

Standard language

زبان معیار در برابر لهجه

Standardization

یکسانسازی

Standardization of allonyms

یکسانسازی اسامی مترادف

Standardization of Geographical Names: (SGN)

یکسانسازی نامهای جغرافیایی (ینج)

Standardization of names

یکسانسازی نامها

Standardization of National Geographical Names:

(SNGN)

یکسان سازی نامهای جغرافیایی کشوری (ینجک)

Standardization of International Geographical

Names: (SIGN)

یکسان سازی نامهای جغرافیایی بین المللی (ینجب)

Standardized allonym

نامهای گوناگون یکسان شده

Standardized endonym

نامهای محلی یکسان شده (نامهای محلی رسمی)

Standardized hydronyms

آبنامهای یکسان شده

Standardized name

نام یکسان شده (به عنوان نام رسمی)

Standardized oronyms

اورونیمهای یکسان شده

Standardized oykonoms

اویکونیمهای یکسان شده

Standardized toponyms

توپونیمهای یکسان شده

Standard language	زبان استاندارد، زبان تثبیت شده
Standard pronunciation	تلفظ استاندارد
Standard variant	گونه معیار
Statistical frequency	بسامد آماری
Stratification of names	لایه بندی نامها
Stratum of names	لایه های نامها
Structural analysis	تحلیل ساختاری نامها
Structural change	تغییر ساختی، تغییر ساختاری اسمی
Structural dimension	بعد ساختاری
Structural semantics	معناشناسی ساختاری
Structural symmetry	تقارن ساختی
Structural unit	واحد ساختاری
Stylistic variant	گونه سبکی
Subcommittee on Undersea Feature Name: (SCUFN)	کمیته فرعی اسمی عوارض کف دریا
Subfamily	زیر خانواده
Subordination	وابستگی
Substratum name	

Suffix	لايه پنهان درون نام
Suffixation of names	پسوند
Syllabary	تبدیل نام به پسوند مثل واژه آبادي که به آباد تبدیل شده
Syllabic	نشانه هجايي
Syllabic feature	هجايي (اسم يا صفت)
Syllabic script	مختصه هجايي
Syllabic structure	خط هجايي، نوشتاري که براي هر هجا يك علامت دارد
Syllabic succession	ساخت هجايي
Syllabification	توالي هجايي
Syllable	هجائي کردن، تقسيم به هجا
Syllable arrangement	هجا
Syllabification	آرايش هجايي
Syllabogram	تقسيم هجايي
Symbol	هجانگار
Symmetry	نماد
Simultaneous bilingualism	تقارن
Synchronic	دوزباني همزمان

Synchronic dialectology	همزمانی
Synchronic phonology	لهجه شناسی همزمانی
Synonym	واج شناسی همزمانی
Syntagmatic description	مترادف (معنایی)
Syntax	تشریح نحوی اسامی مثل ارتباط بین چند جزء نام
System of toponyms	نحو
	قانونمندیهای درونی اسامی یک کشور یا یک زبان

T

Target language	زبان مقصد
Target script	خط مقصد ، خط هدف ، نوشتار مقصد
Taxonomy	دسته بندی علمی و نامگذاری مجموعه
Tekonym	نام اشخاص که به کودکان و نوادگان اشاره کند
Tendency	گرایش
Termination	پایانه ، اتمام واژه
Terminology	اصطلاح شناسی
Terronym	اسامی جغرافیایی موجود در خشکی ها (متشکل از واژه لاتینی terra به معنای زمین و خشکی و <i>onim</i> به معنای نام)
Tetragraph	

Thematic map	نقشه موضوعی
Thematic name giving	نامگذاری موضوعی ، اطلاق یک نام با کاربرد عارضه
Theonym	نام خدایان ، مقدسان
Theoretical semantics	معناشناسی نظری
Theoretical toponymy	توپونیمی نظری
Topicalization	عنوان سازی
Topoformant	بخشی از توپونیم که جزء جدایی ناپذیر آن است
Topographic category	دسته بندی توپوگرافی، نوع توپوگرافی
Topographic coordinate	مختصات توپوگرافی
Topographic entity	توپوگرافی موجود
Topographic feature	عارضه توپوگرافی
Topographic grid	شبکه توپوگرافی
Topographic map	نقشه توپوگرافی
Topographic name	نام توپوگرافی
Topography	توپوگرافی
Topolexeme	واژه مرتبط با توپونیمی
Toponomastic theory	

Toponomastics	نظریه نامشناسی اسامی جغرافیایی
Toponym: (TO)	بررسی نامشناسی اسامی جغرافیایی
Toponym cartography	توپونیم ، کلیه اسامی جغرافیایی
Toponymical areal	کار توگرافی نام جغرافیایی
Toponymic bibliography	حیطه جغرافیایی یک توپونیم یا منطقه‌ای که توپونیم در آنجا به‌کار رفته است
Toponymic database	ماخذنامه اسامی جغرافیایی (به ترتیب الفبا)
Toponymic derivative	پایگاه اطلاعاتی اسامی جغرافیایی
Toponymic dictionary	اسامی مشتق از یک توپونیم
Toponymic formant	فرهنگ توپونیمی
Toponymic frequency	قسمتی از نام جغرافیایی مثل شهر در نام نوشهر ، معرفه جاینام
Toponymic generics	بسامد توپونیمی
Toponymic glossary	واحد توپونیمی
Toponymic guideline	واژه‌نامه توپونیمی
Toponymic homonym	دستور العمل مربوط به اسامی جغرافیایی
Toponymic index	اسامی جغرافیایی مشابه
Toponymic landscape	فهرست توپونیمی ، نمایه اسامی جغرافیایی
Toponymic landshaft	عوارض توپونیمی

Toponymicon	واژه های مرتبط با توپونیمی
Toponymic survey	پژوهش اسامی جغرافیایی
Toponymic system	سامانه توپونیمیایی ، سامانه جاینام شناسی
Toponymic typology	دسته بندی توپونیمیایی
Toponymist	کارشناس اسامی جغرافیایی
Toponym variant	اسامی متعدد یک عارضه جغرافیایی
Toponymy	رشته یا فن اسامی جغرافیایی ، جاینام شناسی
Traditional name	نام مرسوم ، نام متعارف
Translingual data interchange	مبادله داده چندزبانی
Transliteration alphabet	الفبای حرف نویسی ، الفبای ویژه آوانویسی مثل الفبای IPA
Transcription alphabet	الفبای آوانویسی ، الفبای ویژه تبدیل اسامی از زبانی به زبان دیگر و یا برای لاتین نویسی اسامی
Transcription key	راهنمای آوانویسی ، کلید آوانویسی
Transparency	شفافیت
Transparent	شفاف (واژه- معنا)
Transparent toponym	توپونیم شفاف ، نام جغرافیایی با مفهوم روشن
Translation	ترجمه، برگردان
Translilingual data interchange	

تبادل داه هاي چندزباني	Transliteration
حرف نويسي	Transliteration alphabet
الفباي حرف نويسي	Transliteration key
راهنماي حرف نويسي، كليد حرف نويسي	Transmission
انتقال (به صورت زباني يا گفتاري)	Trigraph
سه حرفه ، اشاره متشكل از سه حرف	Tribe's name
نام طوايف كه اتنوتوپونيمها از آنها ساخته ميشوند	Trisyllabic
سه هجايي	Type face
شكل حرف	Typological
رده شناختي ، ساختاری	Typological classification
دسته بندی ساختاری (اسامی)	Typology
رده شناسي	

U

عارضه جغرافيايي زير دريا	Undersea feature:
مرجع هماهنگ اسامي	Uniform Resource Name: (URN)
يك زبانه	Unilingual:
عددي كه نوع عارضه را معين ميكند	Unique Feature Identifier: (UFI)
	Unique Name Identifier: (UNI)

مبانی توپونیمی

عددي که نام عارضه را معین میکند

United Nations Working Group on Country Names: (UNWGCN)

کارگروه سازمان ملل متحد برای نام کشورها

United Nations Working Group on Gazetteers and Toponymic Data Files: (UNWGGTDF)

کارگروه سازمان ملل متحد برای اطلاعات اسامي جغرافيايي و
نامنامه ها

United Nations Working Group on Publicity and Funding: (UNWGPF)

کارگروه سازمان ملل متحد برای اطلاع رسانی و کمکهاي مالي
United Nations Working Group on Romanization Systems: (UNWGRS)

کارگروه سازمان ملل متحد برای سامانه لاتین نویسی

United Nations Working Group on Training Courses in Toponymy: (UNWGTCT)

کارگروه سازمان ملل متحد برای دوره هاي آموزسي توپونيمي
United Nations Working Group on Toponymic Terminology: (UNWGTT)

کارگروه سازمان ملل متحد برای اصطلاحات توپونيمي

United States Board on Geographic Names: (US BGN)

کميته نامهاي جغرافيايي امريکا

United Nations Group of Experts on Geographical Names (UNGEGN)

گروه کارشناسان نام هاي جغرافيايي سازمان ملل متحد

جهان مداري

Unmarked: بي نشان، بدون علامت

Unvocalized

غير آوايي

Unvowelled

غير آوايي ، بي صدا

Unofficial language

زبان غير رسمي

Urbanonym

اسامي عوارض درون شهر، از واژه لاتيني urbanus به معنای شهری مثل خیابان، میدان، محله و ...

Urbanonymy

علم مربوط به یادگیری اسامي نقاط درون شهری

Usage

استعمال ، استفاده ، کاربرد

UTM Grid

شبکه یوتی ام

V

Valence

ظرفیت (ساختی واژه)

Variant

گونه

Variant character

گونه های حرف، اشکال متفاوت الفبا در تبدیل مثل حرف ع در آغاز، وسط و انتهای نام

Variant name

نام مترادف ، سایر اسامي يك عارضه

Vector mode

حالت وکتور، حالت نقطه ای

Vehicular language

زبان واسطه ، زبان ارتباطی مثلا در هوانوردی

Verbal behaviour

رفتار زبانی ، رفتار کلامی

Verbal communication

ارتباط کلامی

Verbal form

صورت فعلی

Verbal group

گروه فعلی

Verbal suffix

Vernacular	پسوند فعلی
Vocabulary	زبان بومی
Vocalic feature	واژگان
Vocalization	مختصات واکه ای
Vocalized	علامت گذاری، واکه ای کردن
Volunteered geographic information: VGI	علامت گذاری شده، واکه ای شده
Vowel	اطلاعات جغرافیایی دیمی
Vowel character	صدادار، واگه
Vowel letter	حرف صدادر، اشاره صدادر، واگه
Vowel marker	حرف صدادر، واگه
Voweled	علائم صدادر مثل فتحه، ضمه در عربی
	صدادار، مصوت

W

Weak formation	صورتبندی ضعیف
Word	واژه
Word boundary	مرز کلمه، مرز واژه (منظور حیطه استفاده از نامها است)
Working Group of Historical Names: (WGHN)	کارگروه نامهای تاریخی ایران

Working Group of Terminology: (WGTer)	کارگروه اصطلاح شناسی ایران
Working Group of Maritime Names: (WGMN)	کارگروه نامهای دریایی ایران
Working Group of Exonyms: (WGE)	کارگروه نامهای خارجی ایران
Working Group of Website and Geographical Names Database: (WGGND)	کارگروه وب و پایگاه داده های نامهای جغرافیایی ایران
Working Group of Transcription: (WGT)	کارگروه آوانگاری
Working Group of Publications and Gazetteers: (WGPG)	کارگروه انتشارات و فرهنگ های جغرافیایی ایران
World Geographical Names Database: (WGND)	پایگاه داده های نامهای جغرافیایی جهانی
Writer	نگارنده
Writing interference	تداخل نوشتاری
Writing lexicon	واژگان نوشتاری
Writing system	نظام نوشتاری
Written record	ثبت نوشتاری ، ثبت کتبی

Z

Zero suffix	پسونده صفر
Zoohydronym	آبنامهایی که از نام جانوران یا حیوانات ایجاد شده باشد
Zooronym	

مبانی توپونیمی

اورونیم‌هایی که از نام جانوران یا حیوانات ایجاد شده باشد

Zoonym

اویکونیم‌هایی که از نام جانوران یا حیوانات ایجاد شده باشد

Zoonym

اسامی جانوران

Zootoponym

اسامی جغرافیایی برگرفته از نام حیوانات

به زبان فارسی :

- ۱- آلفونس گابریل، تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران ، ترجمه فتحعلی خواجه نوری، انتشارات ابن سینا ، تهران ۱۳۴۸
- ۲- ابواسحق ابراهیم اسطخري، مسالك و ممالك ، به اهتمام ایرج افشار، انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران ۱۳۶۸
- ۳- احمد کسروی، کاروند کسروی (مجموعه مقالات)، به کوشش یحیی ذکاء، انتشارات فرانکلین ، تهران ۱۳۵۲
- ۴- احمدکسروی، زبان پاک، به کوشش عزیز اله علیزاده، انتشارات فردوس، تهران ۱۳۷۸
- ۵- احمد مقدسی، احسن التقاسیم فی معرفت اقالیم، ترجمه دکتر علینقی منزوی، شرکت انتشارات مترجمان و مولفان، تهران ، ۱۳۶۱
- ۶- اسامی دهات کشور ، اداره کل آمار و ثبت احوال وزارت کشور، تهران ۱۳۲۳
- ۷- اصغر نظریان ، بررسی تحولات جمعیتی و معیشتی نواحی جغرافیایی با تکیه بر اسامی مکانها. مجله تحقیقات جغرافیایی. شماره ۱. تابستان ۱۳۶۵. ص. ۷۳-۹۴
- ۸- ایگور نیکلایویچ دیکونوف ، تاریخ ماد ، ترجمه کریم کشاورز آ انتشارات پیام ، تهران ۱۳۵۷
- ۹- ایوب نیکنام لاله و فریبرز زوقی ، تبریز در گذرگاه تاریخ، انتشارات باران، تبریز ۱۳۷۴
- ۱۰- بهرام فره وشی، ایرانویچ ، انتشارات دانشگاه تهران ، تهران ۱۳۷۴
- ۱۱- جغرافیا و اسامی دهات کشور ، اداره کل آمار و ثبت احوال وزارت کشور، تهران ۱۳۲۹

- ۱۲- حاجي زين العابدين شيرواني، بستان السياحه، انتشارات سنایي، تهران
- ۱۳- حسن پيرنيا (مشيرالدوله)، تاريخ ايران باستان . جلد اول، دنياي كتاب ، تهران ۱۳۶۲، تهران ۱۳۶۲
- ۱۴- حسن پيرنيا (مشيرالدوله)، ايران قديم يا تاريخ مختصر ايران تا انقراض ساسانيان، انتشارات اساطير، تهران ۱۳۷۸
- ۱۵- حسين توکلي مقدم ، وجه تسميه شهرهاي ايران ، جلد اول، ميعاد، تهران ۱۳۷۵
- ۱۶- دستورالعمل طبقه بندي و نام نگاري عوارض در نقشه ها و پايگاه اطلاعات توپوگرافي ملي ، سازمان نقشه برداري کشور ، تهران ۱۳۷۷
- ۱۷- رشيد الدين فضل اله همداني . جامع التواريخ به کوشش دکتر بهمن کريمي. انتشارات اقبال، تهران ۱۳۶۲.
- ۱۸- صهر بهرنگي، مجموعه مقالات، انتشارات شمس ، تبريز ۱۳۴۹
- ۱۹- عباس جعفري، کوه ها و کوهنامه ايران، گيتاشناسی ، تهران ۱۳۶۸
- ۲۰- عباس جعفري، رودها و رودنامه ايران، گيتاشناسی، تهران ۱۳۷۶
- ۲۱- عباس جعفري، شناسنامه جغرافيايي طبيعي ايران حاوی اسامي کوه ها ، رودها و عوارض طبيعي ، تهران ۱۳۶۸
- ۲۲- عبدالرفيع حقيقت رفيع ، فرهنگ تاريخی و جغرافيايي شهرستان هاي ايران، انتشارات کومش، تهران ۱۳۷۶
- ۲۳- عليرضا چکنگي، فرهنگنامه تطبيقي نامهای قديم و جديد مکانهاي جغرافيايي ايران و نواحي مجاور، انتشارات آستان قدس، مشهد ۱۳۷۸
- ۲۴- فرهنگ آباديهاي کشور، مرکز آمار ، تهران ۱۳۷۵-۱۳۴۵
- ۲۵- فرهنگ اجتماعي دهات و مزارع، جهاد سازندگي ، تهران ۱۳۶۰
- ۲۶- فرهنگ اقتصادي دهات و مزارع کشور، جهاد سازندگي، تهران ۱۳۶۰
- ۲۷- فرهنگ جغرافيايي آباديهاي کشور، اداره جغرافيايي، تهران

- ۲۸- فرهنگ جغرافیایی روستاهای کشور، سازمان نقشه برداری کشور، تهران
- ۲۹- فیروز رفاهی علمداری، هیدرونیم های ایران - پژوهشی در آبنامهای ایران، انتشارات سازمان نقشه برداری کشور، تهران، سال ۱۳۸۴
- ۳۰- فیروز رفاهی علمداری، اورونیم های ایران - پژوهشی در اسامی پستی و بلندیهای ایران، انتشارات سازمان نقشه برداری کشور، تهران، در دست چاپ
- ۳۱- فیروز رفاهی علمداری، نگاهی به توپونیمی، مجله نقشه برداری، سال چهارم، شماره ۱۳، بهار سال ۱۳۷۲
- ۳۲- کتاب دده قورقود علی لسان طایفه اوغوزان، به کوشش محمدعلی فرزانه، تهران ۱۳۵۸
- ۳۳- گریگوری ملکونوف، کرانه های جنوبی دریای خزر، ترجمه امیر هوشنگ امینی، انتشارات کتابسرا، تهران ۱۳۷۶
- ۳۴- لسترنج، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۷۳
- ۳۵- لطف اله مفخم، فرهنگ آبادیهای ایران، تهران ۱۳۳۹
- ۳۶- لطف اله مفخم، فرهنگ رودهای ایران، تهران ۱۳۵۲
- ۳۷- ماشاء اله زائری، فرهنگ جغرافیایی کوههای ایران، اداره جغرافیایی ارتش، تهران ۱۳۵۷
- ۳۸- محمد اصغر ملک زاده، نامهای معرب جدال پنهان مردم با تابلوها، روزنامه همشهری، سال ششم، شماره ۱۵۲۰
- ۳۹- محمد حسن خان اعتماد السلطنه، تطبیق لغات جغرافیایی قدیم و جدید ایران، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۳
- ۴۰- محمد حسن خان اعتماد السلطنه، مرآت البلدان، به کوشش محمد علی سپانلو و پرتو نوری علا، نشر اسفار، تهران ۱۳۶۴
- ۴۱- محمد حسن گنجی، گزارش مختصری از سوابق فعالیت نامهای جغرافیایی در جهان و ایران، سازمان نقشه برداری کشور، ۱۳۷۹

- ۴۲- محمد حسین پاپلی یزدی ، فرهنگ آبادیها و مکانهای مذهبی کشور ، انتشارات آستان قدس ، مشهد ۱۳۶۷
- ۴۳- منوچهرستوده، حدود العالم من المشرق الي المغرب، انتشارات طهري، تهران ۱۳۶۱
- ۴۴- منصور خانلو، تبریز قدیم از کهنترین ایام تاکنون، انتشارات تلاش، تبریز، ۱۳۶۴،
- ۴۵- موقعیت شهرها و روستاهای ایران، ضمیمه نقشه بزرگ ایران ، موسسه گیتاشناسی ، تهران ۱۳۵۹
- ۴۶- مهرالزمان نوبان، نام مکانهای جغرافیایی در بسر زمان، انتشارات ما، تهران ۱۳۷۶
- ۴۷- ولادیمیر بارتولد، تذکره جغرافیای تاریخی ایران، ترجمه حمزه سردادور ، انتشارات طوس ، تهران ۱۳۷۲
- ۴۸- ولادیمیر بارتولد، خاورشناسی در روسیه و اروپا ، ترجمه حمزه سردادور، انتشارات ابن سینا ، تهران ۱۳۵۱
- ۴۹- هرودوت، تواریخ، ترجمه وحید وماندرا نی، انتشارات دنیای کتاب، تهران ۱۳۶۸
- ۵۰- یاقوت حموی، برگزیده مشترک یاقوت حموی ، ترجمه محمد پروین گنآبادی، انتشارات ابن سینا ، تهران ۱۳۴۷
- ۵۱- یوزف مارکوارت، ایران شهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی، ترجمه مریم میراحمدی ، انتشارات اطلاعات ، تهران ۱۳۷۳

Foreign sources:

منابع و کتب مورد استفاده به سائیر زبانه:

- 1- Afat Qurbanov, Obshaya toponimika , Baku, 1977
- 2- Armeyanskaya geografiya 8 v., per. s drev. Arm., Pakhtanovim, SPB, 1877 (Russian)
- 3- Ataniyazov S., K , vaprosu izucheniya Turkmen-skoy toponimi, AEAK Äsärleri, #23,1992(Russian)
- 4- Budaqov Budaq, Türk uluslarının yer yaddası,Bakı, Elm, 1994(Azeri turkic)
- 5-Budaqov Budaq, Qeybullayev Q . Ermənistanda Azərbaycan mənşəli toponimlərin izahlı lüğətiş Bakı, 1998 (Azeri turkic)
- 6- Əhmədov T. ,Azərbaycan toponimikasının əsasları , Universitet Nəşriyyatı, Bakı, 1991(Azeri turkic)
- 7- Əhmədov T. ,Diyarımızın adları, Bakı,1985(Az.)
- 8- Eyvazova Roza, Əfqanıstanda Türk mənşəli toponimlər , Elm, Bakı, 1995(Azeri)
- 9- Dədə qurqudun son səhifəsi haqqında , F.Refahi Alamdari & prof. Hacıyev T., Əd.& Inc.qəzeti, s.14,1986(Azeri)
- 10- Favst Buzand, Istoriya Armeni, Per.na Rus., Gevorgian , Yerevan, 1953 (Russian)
- 11- Gazeteer of Iran, Washington DC., 1960(English)
- 12- Geoname, Digital Gazetteer S/W.,GDE Systems,1996 (English)

- 13- Herodotus , The histories,translated by Aubery de Selincourt, Penguin ,1974(English)
- 14- Heinemann Roland, The pronounciation of geographic names in radio and televisi, 2nd International Symposium on Geographicak Names, Verlag BKG, Frankfurt a main, 2000(English)
- 15- Istoriya Khalifov ,Vartaped Gevond , 8 v., per. c Arm., Patkanbian, SPB,1862 (Russian)
- 16- Kadmon N., An Introduction to toponymy, Institute of Geography , University of Peretoria, Peretoria,1996 (English)
- 17- Mamedov M.,Linguvisticheski analiz geograficheskikh nazvanii v smeshnix arealakh, Tashkent , 1984 (Russian)
- 18- Məhəmmədov N., Azərbaycan yer adları (uronimlər) , Bakı, 1993 (Azeri turkic)
- 19- Minorsky V., Hudud al Alam (Region of the World) London, 1937 (English)
- 20- Mirməhmudova Sitarə, Ərmənistanda türk mənşəli yer adları, Bakı,1995 (Azeri)
- 21- Mikhitar qosh , Aalbanskaya khronika , perivod Bunyatov Z., Baku, 1960(Russian)
- 22- Murzayev M., Ptolemeyev a karta Kavkazkoy Albani I uroven Kaspiya, VDI, M.,1963(Russian)
- 23- Murzayev M., Ocherki toponimiki, M., 1974(Russian)
- 24- Nikonov V.A., Vvedeniye v toponimiku ,Nauka, Moskva, 1969 (Russian)
- 25- Nikonov V., Puti toponimicheskovo isledo- vaniya , M., 1964 (Russian)

- 26- Patishiyev V., Izvestiya drevnikh pisateley o Skifi I Kavkaza , SPB, 1893 (Russian)
- 27- The Great Toponymic Divide-Reflections on the definition and usage of endonyms and exonyms. Warsaw.2002 (English)
- 28- Qeybullayev Q., Astara zonasının toponimiya - sında Talış dilli coğrafi terminlər haqqında , ƏDI xəbərləri, AEAK,1984 (Azeri)
- 29- Qeybullayev Q., Toponimiya Azarbajjana, Elm, Baku, 1986 (Azeri)
- 30- Thusydides, The Peloponnesian war,translated by Rex Warner,Penguin classics, 1954(English)
- 31- Türkiye Mülki Idare Bölümleri:(Belediyeler-Köyler), İç İşler Bak.,1978 (Turkish)
- 32- Tünçer Gulensoy , Türkçe yer adları kılavuzu, TDK yayınları,Ankara,1995 (Turkish)
- 33- United Nations Conference on the Standardization of Geographic Names, NY,1976 (English)
- 34- Zhuchkevich V., Obshaya toponimika, Minsk , 1980 (Russian)
- 35- 12 th UN regional Cartographic Conference for Asia and the Pacific ,NY,1995 (English)
- 36- 4th UN Regional Cartographic Conference for the Americas ,NY,1992(English)

At chapter twelve “ Semantical and morphological classification of toponymy” I have tried to give the different meanings which a name may bear and examples from National Gazeteer of Iran is given.

At chapter thirteen “ grammatical classification of toponymy “ we see the role of words in a name and the structure of a toponymic unit is classified accordingly.

At chapter fourteen “ Semantic elements of toponymy “ I have tried to classify geographical names upon existing semantic elements in it.

At chapter fifteen“ Language of toponymy and toponyms of Iran “ I have paid a look at the different languages and their area and the very influence of language over the toponymy.

At the end a short glossary of toponymy terms in english with explanation in persian are presented to the readers.

*F.R.Alamdari
Tehran, 2015*

At chapter five “ Toponymy and linguistic “ the efforts of linguists to clear the theoretical and practical aspects of toponymy are revealed.

At chapter six “Toponymy and Cartography” the current problem of names at maps are studied. Specially the problem of standardzation of named which is directed by UN is presented.

At chapter seven “ Toponymic sources “ different sources including written , verbal , contemporary and sources of neighbour countries are presented.

At chapter eight “ Principles and methods of toponymic studies “ we see the different ways of collecting data and the importance of classification and processing of these informations.

At chapter nine “ Main branches of toponymy “ including names of water sources , dwelling place and feature are classified and looked over in details.

At chapter ten “ Subjective branches of toponymy “ a classification based upon the subject of toponymy including general toponymy,theoretical toponymy, comparative toponymy and special toponymy is studied.

At chapter eleven “ Nominal classification of toponymy” we see the geographic names with a Nomenclature and without it .

overall attention to domestic Toponymy and defines the titles with examples.

Iran has an old civilisation background and many different tribes, people and states has appeared and disappeared in this land , where we could see their trace in our toponyms . On the other side many different languages are used and has existed within our lands,so these toponymies should be carefully and comparatively studied .

We hope that this survey persuades many young and energetic scholars in Iran to apply to the subject.

At first chapter called “ What is toponymy?” I try to explain the meaning of Toponymy and its relation with Geographical Names.

At chapter two “ History of toponymic studies in Iran” the sujet is reseached and sources are quoted.

At chapter three “Toponymy and geography “ Relation between two fields is studied, while some ancient writer and sources are presented.

At chapter four “ Toponymy and history ” the historic background of geographical names and their heritage to culture of the owners are revealed.

INTRODUCTION

Toponymy considers to be a new subject in Iran . As a matter of fact the number of researches on this subject doesn't exceed three or four. Although the very subject is more than a century old in Western World.

Toponymy studies theory and practice of Geographic Names. In this respect it has a history and current life. Not like the other aspects of language Toponymy changes very little and keeps its identification through years. Therefore collecting Toponyms of a country or region and studying them reveals new information on the past and present of the subject. Nomination and naming places and features is as old as human civilisation . Historians, Linguists and other scholars believe that human identifies a geographic feature simply by naming it .

Toponymy is in direct correlation with Geography, Linguistic ,History, Anthropology and many other human sciences. And it has its own methods and subjects.

This survey not only studies the theories and principles of Toponymy in general , but it pays an

Author : Firuz Refahi Alamdari
Email : Firuzrefahi @gmail.com
Publishing place: Tehran 2015
Congress classification: DSR6/R7M2 1393
ISBN:978-600-**04-2264-6**
All rights reserved.

Principles of Toponymy
&
A Glance at Toponyms of Iran

by:
Firuz Refahi Alamdari

Tehran
2015